

قیمت: ۱/۵ پوند / ۲ یورو

شماره ۱۰۳۰۵ مخصوص مارس - آوریل ۲۰۰۸

با خرید مجله نوروزی رنگارنگ یک DVD دو ساعته دیدنی هم مجانی دریافت کنید

بهاران نخست باد

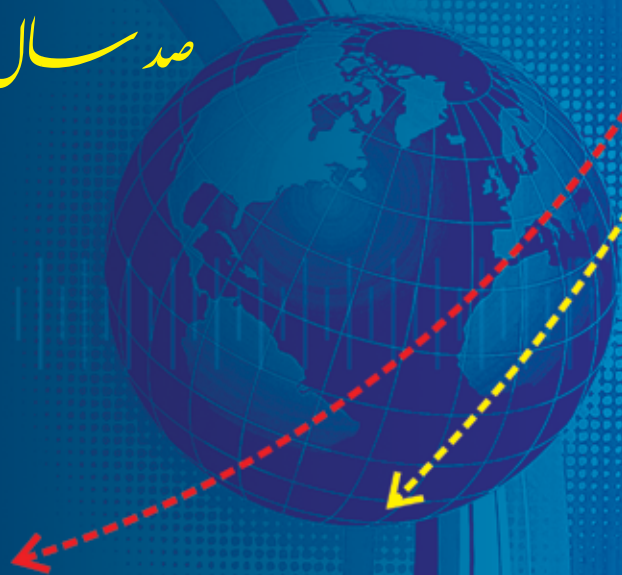


AEROPLAN® Cöln

اژانس بزرگ مسافرتی ایرو پلان کلن

صد سال به از این سالها

سفر به ایران
و سایر نقاط جهان
با معتبر ترین خطوط هوایی
با مناسب ترین قیمتها
و بهترین سرویس



برای آگاهی بیشتر و رزرو جا با همکاران فارسی زبان ماو تلفنهای زیر تماس حاصل فرمائید.

۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۲۲	آقای کامران خطیبی	۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۳۴	خانم خسروی
۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۲۵	آقای پرویز خطیبی	۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۵۳	خانم بخشی
۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۳۲	آقای یوسف همایون	۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۶۶	خانم شیلان
۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۲۱	آقای منوچهر خزد و زیان	۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۲۸	خانم چالاک
		۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۶۷	خانم پور ختایی

دورتموند :

۰۲۳۱ - ۹۱ ۲۵ ۲۵۸	خانم عنصری
۰۲۳۱ - ۹۱ ۲۵ ۲۵۹	خانم جنتیان

فرودگاه کلن و بن :

۰۲۲۰۳ - ۴۰ ۵۹ ۴۰	خانم نقاش - خانم دانش
------------------	-----------------------

AEROPLAN's Partner:

مسافرت با شرکتهای معتبر زیر با تخفیف ویژه برای هموطنان ایرانی



Studiosus

seetours

Club Med



airtours



Neumarkt 49 - 50667 Köln

www.aeroplan.de

info@aeroplan.de



SAREM COSMETICS



Cosmetics with your private label

Wir produzieren Kosmetik mit Ihrem eigenen Firmenlogo und Aufdruck:

Individuell – hochwertig – in säuremattiertem Glas abgefüllt. Wir bieten Ihnen alle Auflagen ab 120 Stück bei geringer einmaliger Druckkostenpauschale.

Rufen Sie uns an und lassen Sie sich umfangreich und individuell beraten.

We produce cosmetics with your customized company label:

Individually – high quality – filled in acid dulled glass. We offer you a minimum order of 120 pieces with a low one-time printing fee.

You can call us for an individual and personal consultation.

Nous fabriquons des produits cosmétiques avec un étiquetage personnalisé :

Individuelles, de grande qualité, embouteillés dans du verre dépoli à l'acide. Nous vous proposons une commande minimale de 120 pièces avec un coût d'impression réduit, payable une seule fois.

Appelez-nous pour une consultation détaillée et personnalisée.



SAREM COSMETICS - made in germany

SAREM COSMETICS GmbH • Herstellung & Vertrieb Kosmetischer Spezialitäten

Herderstraße 94 • 40237 Düsseldorf / Germany

Tel.: +49 / 211 / 66 63 61 • Fax: +49 / 211 / 69 11 386

www.sarem-cosmetics.de • info@sarem-cosmetics.de





محصولات غذایی خانوم خانوما



دفتر مرکزی پخش در آلمان شهر هامبورگ

+49 (0) 40 21 00 87 83

سال نو مبارک





100%
HALAL
حلال

اولین و بهترین

سوسیس و کالباس ایرانی

با استاندارد اتحادیه اروپا تولید شده در کشور آلمان

سسالار

دفتر مرکزی

تلفن : +49 15 11 72 11 662

فاکس : +49 22 42 91 800 31

نمایندگی ها :

هلند :

انگلیس :

بلژیک :

سوئد :

+31 36 546 55 06

+44 208 45 13 555

+32 2 537 13 44

+46 21 830 380

اطریش :

هامبورگ :

فرانکفورت :

مونیخ :

برلین :

+43 14 89 61 94

+49 40 73 20 542

+49 69 92 91 99 56

+49 89 59 35 34

+49 30 397 40 907

اگر در اروپا یا امریکا زندگی می کنید ما و همکارانمان قادر به
دفاع از حقوق شما در ایران و امارات هستیم

Rechtsanwalt- Lawyer- Avukat



تخصص ما دفاع از حق شماست!

هر روزتان نوروز نوروزتان پیروز

دکتر ایرانبومی
وکیل دادگستری در آلمان



مشاوره در:

امور شرکتی، تجاری، کیفری، ورشکستگی،
دعای جنایی، اداری، کاری، ۲ تابعیتی،
دعای ملکی و ارثی، طلاق و مهریه

با همکاری وکلای با تجربه در **دبی، ایران و امریکا**

Tel.: + 49 (0) 700-9019-9019

Fax: + 49 (0) 700-8018-8018

Mobil: + 49 (0) 178-888-9019

Rechtsanwalt Dr. phil. Iranbomy

www.law-recht.com • E-Mail: iranbomy@yahoo.com

سفره هفت سین دخترم

۲۲ نوروز است که در مجله رنگارنگ هر ساله در باره فرا رسیدن نوروز نوشته ام و هر نوشته حال و هوایی متفاوت دارد.

آنچه طی این سالها و همه نوروزها برایم تصویری عاطفی و پیوندی ناگسستی بوده حضور دخترم هانیه است.

هر ساله بدور از وطنش ۲۲ بهار را تجربه کرده است و با شوق و ذوق به پیشواز نوروز و چیدن هفت سینی با سلیقه خود می رود

وقتی به او نگاه می کنم که محصول دوران تبعید و غربت است و ذهن جوان او هیچ خاطره یا نشانی از ایران ندارد متحیر و شگفت زده به سفره کوچک هفت سینش خیره میشوم و از خود می پرسم چه اعجاز و شگفتی در این سفره کوچک نهفته است که قرن‌ها در برابر هجوم ویران ساز بیگانگان دوام آورده است؟ چه راز و رمزی در این چند دانه سنجد و سکه و سیب؛ سیر و یکی دو ماهی سرخ کوچولو و سبزی و سنبل وجود دارد که هیچ دشمن ویرانگری نتوانست بساط چنین سفره ای کوچک را بر چیند؟

آنان که سنگها را با همه قدرت و سر سختی به آتش کشیدند و ویران ساختند اما با تمام وحشیگری و جنایت پیشگی و مغروری مقابل این سفره کوچک تسلیم شدند و شکست خوردند.



عربها با اسلامشان؛ مغولها با شمشیرشان و همه و همه با مقهور قدرت افسانه ای یادگار کهن سرزمین ما شدند دخترم را نگاه می کنم او چنان محو تماشای سفره کوچک خود شده که گویی به دنبال گمشده های خود می گردد بدنال سرزمینی که از آن رانده شده و می داند تا دشمنان کشورشان نابود نشوند باز هم بساط هفت سین کوچکش را باید هر ساله در غربت بر پا کند!

۲۲ سال است که او عصای دست من است و جورکش همه دردها و رنجهای سالهای دوری از وطن پدرش شده وقتی به او نگاه می کنم از خود می پرسم چرا هزاران نوجوان و جوان چون هانیه من در این سالها تباه و نابود شدند؟!

جنگ ۸ ساله؛ اعتیاد؛ فحشاء؛ فرارهای اجباری و همه ثمره حکومتی است که از روز اول هدفش نابودی هویت ملی و تاریخی ایرانیان بود. ولی اینان نیز به همین سفره کوچک باختند و سرشکسته و خوار و حقیر مقابل نوروز و سفره هفت سین تسلیم شدند



نوروز هم در ذات خود آدم ایرانی را به سرچشمه های گاه جوشنده و گاه آرام را از بلای زمانه محفوظ می دارد حال می دانم که هویت نه با آن عکس روی اسکناس است و نه به لهجه که در هر کجای خاک حتی در خاک خودمان حالت و صورت و شکلی دیگر دارد هویت یک شگرد تاریخی است. یک جعبه جاودگی که چون به وقت نوروز و آمدن بهار می گشایش در سادگی و سبزه و سیب و سرکه و سنجد و چند ماهی قرمز بر روی سفره تو می نشیند و تو باید کمی دقیق باشی تا جادوی شگفت انگیز این سفره کوچک را ببینی

و راز ایستادگی و مقاومت شگفت انگیز ایرانیان را در وجود او می بینم که ۲۲ سال است از مادر و خواهرش دور است هرگز خانواده ای دور و برش نبوده و همه سالها با همه نبودنها محکم و استوار ایستاده است و ۲۲ سفره هفت سین را در خانه کوچکمان با سلیقه خودش آراسته است آنگاه عظمت و قدرت شگفت انگیز نوروز را می بینم که زور گویان مذهبی را به زیاله دان تاریخ انداخته اند و نگاهی دیگر با غرور و افتخار به هفت سین کوچک دخترم می کنم

نگاه دیگری با غرور و افتخار به هفت سین کوچک دخترم می کنم و یکبارہ نوروز را در غربت این سوی آب ها دیگر بار کشف می کنم.

می بینم که نوروز وسیله ای شگفت و شگفتی آور است. تمهیدی تاریخی است که به بهانه آن آدمیان گرفتار در کشاکش های خونین تاریخ می کوشند چیزی را در اعماق وجودشان از تاراج زمانه حفظ کنند.

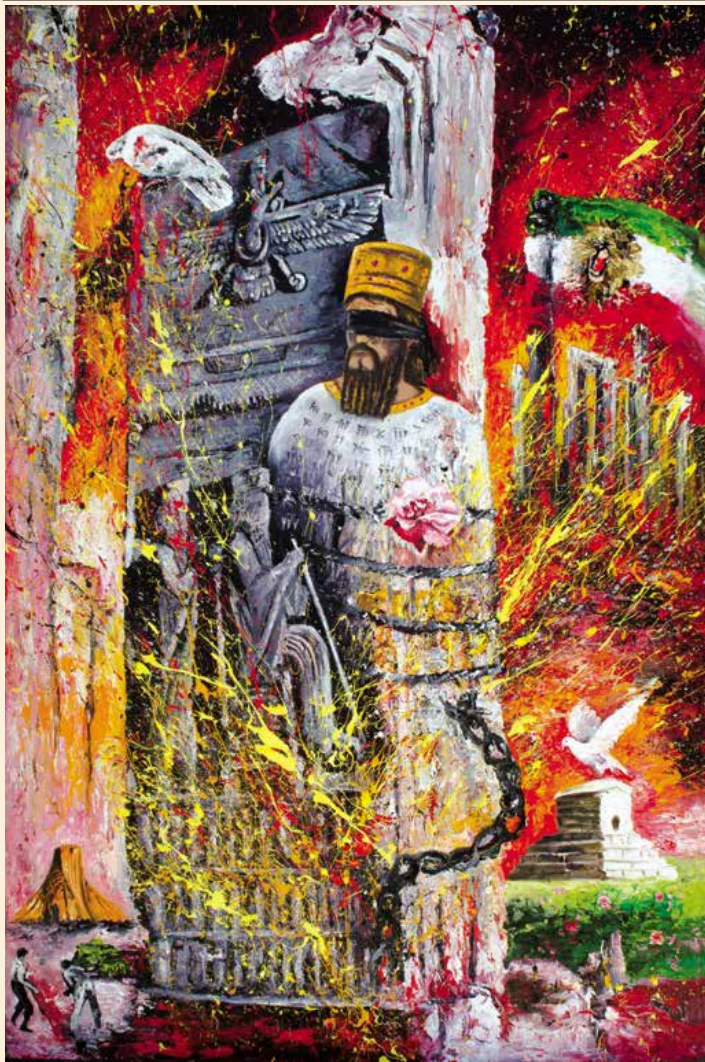
می بینم که هانیه کوچک من همان کاری را می کند که چهارده قرن پیش ایرانیان درهم شکسته در مقابل حمله و سيطرة اعراب کرده اند آنها نیز سلاحشان شکسته بود و یسارای ایستادن در مقابل هجوم را از دست داده بودند اما همین سفره کوچک، همین سبزه ناچیزی که در دل بشقاب چینی آرام و بی خبر از همه جا می روید و سر بر می کشد همین دو سه ماهی قرمزی که توی تنگ بلور شناورند همین سیب سرخ و همین سنجدهای سوخته قهوه ای به آنها کمک کرده اند که اصلیت و اهلیت خودشان را حفظ کنند.

نوروز اسمی بیش نیست مراسم نوروز هم رسمی بیش نیست آنقدر تکرار شده ایم که که معنایش را هم شاید از یاد برده باشیم.

اما نوروز معنا و کارکرد خودش را فراموش نکرده است نوروز برای خود خاصیتی دارد همانطور که آتش در ذات خود می سوزاند و پاک می کند



نوروز رمز اتحاد و حساوداکنی



صحنه فرهنگی توانست پیروز شود و فرهنگ خود را به این اقوام غالب کند.

در سخت ترین شرایط و در زمانی که دشمن غالب کمر به محو و زوال زبان و فرهنگ ایرانی بسته بود گذشته از آثار اندیشمندان و ادبا و شعرای ایرانی آنچه بیش از همه به داد ملت ایران رسید و هویت و شناسنامه ایرانی را برای آنان حفظ کرد آداب و سنن ایرانی بود که نوروز و عید باستانی اول بهار برجسته ترین و درخشان ترین آنهاست.

در طول این دوران ها اندیشمندان، عالمان و شاعران و ادبای ایرانی با تلاش و همتی بزرگ و با تحمل مرارت و سختی فراوان فرهنگ و ادب ایران را زنده نگاه داشتند ولی آنچه مردم عادی و اقوام ایرانی انبیه دار فرهنگ باستانی بود آئین های ملی متعددی مانند نوروز : مهرگان : سده و سنن

دیگر بود که اغلب تیر توم با جشن و سرور و شادی همراه بوده است این آئین ها همواره در طول تاریخ مظهر همبستگی و اتحاد ایرانیان از هر قوم و مذهب و آئین بوده است و هنوز هم هست. جشن نوروز اختصاص به قوم خاص و یا دین و مذهب خاصی ندارد همه اقوام ایرانی از کرد و لر و ترک و فارس و بلوچ و ترکمن با هر دین و مذهب از مسلمانان و مسیحی و کلیمی و بهایی و زرتشتی جشن نوروز را به یک شکل و یک آئین برگزار می کنند و در بزرگداشت این سنت ملی به یک سان شرکت می نمایند از این نظر اقوام غالب در طول تاریخ برای این که عامل وحدت را از میان بردارند تلاش فراوان کرده اند اما به نتیجه نرسیده اند. ایرانیان پس از حمله اعراب دین اسلام را پذیرفتند ولی به تدریج آن را با فرهنگ ایرانی آمیخته ساختند و بسیاری از جنبه های فرهنگ خود را زیر پوشش اسلام حفظ کردند. با آنکه اعیاد مذهبی چون عید قربان و فطر را محترم شمردند اما در عین حال عید نوروز و آئین های ملی خود را نیز به صورتی با شکوه تر و ارجمند تر محافظت می کردند

حتی در موارد ضروری به آن رنگ مذهبی نیز زدند تا این سنن از گزند اقوام

این شماره از رنگارنگ مقارن است با نوروز، عید باستانی ملت ایران که از قرن ها پیش از پیدایش اسلام وجود داشته و در گذر زمان در مقابل سخت ترین طوفان و تهاجمات تاریخی ایستادگی کرده و امروز با همان شکوه و جلال دوران های پیشین بلکه با شکوه تر از گذشته جلی گاه وحدت و همبستگی یک ملت باستانی و قدیمی است و هرگز نیز در برابر هجوم و ایلغار دشمنان ایران و ایرانی رنگ نخواهد باخت به این سبب این آخرین مقاله خود را اختصاص می دهیم به نوروز و جشن آغاز بهار که سند ارزشمند ملیت قوم ایرانی در طول تاریخ است

در اینجا قصد نداریم از سنت ها و مراسم نوروز و سفره هفت سین و دیگر آداب و رسوم عید اول بهار سخن بگوییم پژوهشگران بسیاری در آن زمینه ها و در مورد پیدایش جشن نوروز تحقیق کرده و سخن گفته اند بحث ما در باره نقشی است که نوروز و سایر جشن ها و مراسم باستانی ایران زمین در حفظ و نگاهداری فرهنگ و سربلندی ملت بزرگ ایران داشته اند

قوای ایرانی یک قوم باستانی و دارای تمدنی بسیار قدیمی است در دوران باستان تنها چند قوم و کشور بزرگ وجود داشته اند که از تمدن و فرهنگ بسیار پیشرفته نسبت به سایر اقوام و ملل در غرب و شرق عالم که هنوز حتی به مرحله شهرنشینی نرسیده بودند برخوردار بوده اند از تمدن یونان : مصر ، روم : چین و ایران به عنوان قدیمی ترین تمدن های تاریخ بشری یاد می کنند کشور ایران از شش هزار سال پیش دارای یک امپراطوری بزرگ بوده و تاریخی مدون دارد. قوم ایرانی در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود به همان اندازه که فتوحات بزرگی داشته و به قلمروها و سرزمین های تازه دست یافته و بر اقوام و ملت های دیگر غلبه یافته و اقوام مختلف در آسیا و شبه جزیره هند را از یک طرف و در سرزمین های غربی تا دروازه اروپا را از طرف دیگر تحت حاکمیت خود قرار داده به همان نسبت نیز تحت تهاجم و غلبه و تسلط اقوام و ملیت های دیگر قرار گرفته است بخصوص دوران ضعف و فتور قوم ایرانی از اواخر دوره ساسانیان آغاز شد و پس از حمله اعراب پابرهنه نجف و حجاز که هر گونه آثار و نشانه های تمدن را نیز از بین بردند بارها و بارها بعلت تشتت تفرقه ای که در میان اقوام ایرانی حاصل شد مورد تجاوز و هجوم اقوام خارجی قرار گرفت

روزگاری دراز اعراب بر مالک ایران حکومت می کردند و زبان و فرهنگ خود را بر ملت ایران مسلط کرده بودند. زمانی مغول ها و تاتارها بر ایران سلطه داشتند و روزگاری افغانها و عثمانی ها از ضعف حکومت های ایرانی بهره برده و ایران را عرصه تاخت و تاز خود قرار داده بودند .

بطور خلاصه بخصوص در چند قرن پیاپی ملت ایران تحت سیطره و سلطه اقوام بیگانه قرار داشته است حکومت های غالب توانستند ایران را تحت سلطه خود درآورند و بر ملت ایران چیره شوند ولی با تمامی تلاشی که کردند هرگز نتوانستند فرهنگ ایران را از پای درآورند

کافی است در نظر بیاوریم که قومی چون اعراب بر هر سرزمین که تسلط یافتند تلاش کردند فرهنگ و علم و آداب آن سرزمین را نیز از بین بردارند چنانکه بر هر جا مسلط شدند کتابخانه ها و مراکز علمی و فرهنگی را به آتش کشیدند و در محو و زوال فرهنگ آن سرزمین تلاش کردند تا نهایتا فرهنگ عربی، اسلامی خود را غالب کنند. بسیاری از کشورهایی که اعراب بر آنها تسلط یافتند ناگزیر زبان عرب را برگزیدند و فرهنگشان در مقابل فرهنگ عرب تسلیم شد. اما ملت ایران با آنکه بعلت اختلافات داخلی و بی کفایتی حکومتگرانش در مقابل اعراب شکست خورد و تحت سلطه آنان درآمد ولی هرگز فرهنگش در مقابل فرهنگ قوم غالب شکست نخورد و رنگ نباخت بلکه بر عکس ملت ایران توانست فرهنگ خود را به کشورها و اقوام غالب مسلط کند و اگر چه در صحنه نظامی و جنگی از این اقوام شکست خورده بود در



غالب و فرهنگ آنها مصون بماند

برای درک کشمکش‌هایی که همواره در طول تاریخ ما جریان داشته کافی است مروری کنیم بر جریان‌هایی که در این رابطه در همین ۲۹ سال اخیر در تحت سلطه ملایان روی داده است. ملایان حاکم که با فرهنگ و ملیت ایرانی دشمنی دیرینه دارند و آن را مانع اصلی و سد بزرگی بر سر راه سلطه‌گری خود می‌دانند از اولین ماه‌های تشکیل حکومت اسلامی ایران کمر به نابودی و زوال فرهنگ و ملیت ایرانی بستند این آخوندها با آنکه ظاهراً ایرانی هستند و در جامعه ایران و در میان مردم ایران ریشه یافته‌اند اما نسبت به فرهنگ و سنن ملی و ایرانی احساس کینه و خصومت می‌کنند و سعی دارند فرهنگ بیگانه را بر جامعه ایرانی تحمیل کنند این‌ها فرهنگ ایرانی را فرهنگ طاغوتی و شیطان‌ی می‌دانند. از نظر آخوندها هر آئین و رسمی که توأم با جشن و شادمانی باشد آئینی است مخالف اسلام به عقیده این طبقه که قرن‌ها از گریاندن مردم و نوحه و زاری نان خوردن و معاش خود را از اشک چشم مردم به دست آورده اساساً شادی و خنده و تفریح بر خلاف اسلام است و هر چیزی که موجب شادی مردم شود مذموم و ناپسند می‌باشد.

ولی از آنجا که آخوندها تنها با ترویج فرهنگ غم و اندوه و روضه و نوحه خوانی می‌توانند وجود و حضور خود را در جامعه توجیه کنند و از این راه تغذیه کنند پیوسته با هر رسم و آئینی که اثری از شادی و خوشی در آن باشد دشمنی ورزیده‌اند. از طرف دیگر با ملیت و ایرانی‌یت نیز کینه و خصومت دارند و تمام امکانات خود را به کار برده‌اند تا هر چیزی را که رنگ ملیت و فرهنگ ایرانی داشته باشد از میان بردارند

مخالفت جمهوری اسلامی با فرهنگ ملی

ایران از اولین نوروز که یک ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود شروع شد و از همان ابتدا به طرح محو آثار و نمادهای فرهنگ ایرانی از جامعه انقلاب زده در دستور کار ملایان حاکم قرار گرفت در چند هفته قبل از سال نو موج اعدام‌ها و تیرباران‌ها فضای جامعه را با وحشت و تشنج و خون و سرکوب آلوده کرده بود. از طرف دیگر هنوز مردم ایران به ماهیت و ذات رژیم آخوندی پی نبرده بودند و در فضای تب زده انقلاب گرایش به اسلام به تعبیری که آخوندها از آن می‌کردند هنوز در مردم وجود داشت آخوندها با سوء استفاده از همین باور مردم مبارزه خود را با ملیت ایرانی آغاز کردند خمینی در نطق سال نو خود نوروز را یک آئین طاغوتی و درباری خواند که از اساس با اسلام و قوانین اسلامی مغایرت دارد وی گفت نهضت اسلامی نهضت گریه است و ما هر چه داریم از روضه و نوحه داریم باید بجای بر پا داشتن رسم طاغوتی نوروز از شهدا جلیل کنیم و از همه مهم‌تر اینکه مراسم‌های عزاداری محرم و صفر را با شکوه و جلال برگزار کنیم

نوروز ۵۸ بی رونق برگزار شد در اولین روز مردم هیجان زده به بهشت زهرا رفتند و مراسم روز ۱۳ بدر هم در بهشت زهرا بر سر آرامگاه‌های شهدا با اشک و نوحه و مرثیه برگزار شد غصه و زاری جای شادی و سرور را گرفت این ماجرا چند سالی که هنوز آخوندها می‌توانستند از شور و حال انقلاب سالهای اول بهره‌برداری کنند وجود داشت امام‌مردم خیلی سریع به اصل ماجرا و نقش آخوندها پی بردند و به فکر ارزش‌های ملی و ایرانی خود افتادند جامعه ایران خیلی زود دریافت که فرهنگ و سنن ملی در جان و روانش ریشه دارد و روح پر احساس او هیچ فرهنگ وارداتی و تحمیلی را نمی‌پذیرد به این علت به رغم مخالفت شدید آخوندها و حزب الهی‌ها و بسیجی‌های

جذب شده در ولایت فقیه مردم در این سالها آئین‌ها و سنن‌های خود را گرامی داشتند هر چه سرکوبگری اسلامی‌ها بیشتر شد مردم بیشتر و بیشتر به فرهنگ و سنن ملی و باستانی خود روی آوردند بطوریکه امروزه در یطن جامعه گرایش وسیعی به ارزش‌های ملی و ایرانی وجود دارد.

آخوندها و عوامل حزب الهی و مسلح آنها از تمام قدرت خود برای بر چیدن نوروز و آئین‌های دیگر استفاده کردند افراد مسلح رژیم بارها با مراسم‌های ملی که توسط مردم در نوروز و چهارشنبه سوری: سیزده بدر برگزار می‌شد حمله کردند و افراد را کتک زدند و زخمی و مجروح نمودند ولی باز هم مردم با تمام توان خود در زیر گلوله و چماق و شلاق دست از آئین‌های ملی خود برنداشتند و به مقاومتی سرسختانه دست زدند و ایستادگی جانانه و مستمر مردم سرانجام آخوندها را به عقب نشینی واداشت و در برابر خواست و اراده عمومی وادار به تسلیم کرد.

از این تجربه درسی بزرگ می‌توان گرفت طبقات مختلف مردم با تمام اختلاف نظرهایی که در زمینه‌های سیاسی فرهنگی و مذهبی با یکدیگر دارند در این مبارزه ملی اختلاف‌ها را کنار گذاشتند و با هم متحد شدند هیچ سازمان و ارگانی این اتحاد را شکل نداد هیچ برنامه مدون و غیر مدونی برای بوجود آوردن همبستگی و هماهنگی میان مردم وجود نداشت تنها عشق و علاقه مردم که یک حس واقعی و طبیعی در ایرانیان نسبت به آئین‌ها و سنت‌هایشان بود آنها را در برابر رژیم متحد کرد

سنت و فرهنگ ملی و ایرانی بود که مردم را از هر نژاد قوم و مذهب در برابر رژیم متحد کرد درسی که این رویدادها به ما آموخت این است که اتحاد و همبستگی که امروزه بیش از هر



Vafa International Homes

Serving you with trust and confidence when buying your home

با پرداخت فقط ۳۰۰۰ یورو صاحب خانه نوساز و رویایی خود در سواحل زیبا و همیشه آفتابی اسپانیا شوید
ما به شما تضمین می دهیم زمان خرید ، قیمت خانه شما حداقل ۳۰٪ ارزانتر از قیمت اصلی (روز) خواهد بود
در طول یک سفر سه روزه به اسپانیا خانه خود را انتخاب کرده ، ما مخارج سفر شما را می پردازیم

خدمات پس از فروش شامل:

صد سال به از این سالها

- اخذ وام مسکن تا سقف ۱۰۰٪ با بهره ۳٪
- پرداخت یکسال وام ماهیانه مسکن خریداری شده به عهده ما خواهد بود
- در صورت تمایل خانه شما را به صورت مبله تحویلتمان خواهیم داد
- باز کردن حساب بانکی و اقامت در اسپانیا، کمک در تنظیم فرمهای مربوطه و مراحل قانونی

مشاوران مسکن ما برای شما بلیط رفت و برگشت را تهیه و هتل را رزرو کرده و شما را در طول سفرتان همراهی خواهند کرد
همچنین می توانید از خدمات پس از فروش ما رایگان استفاده نمایید

اولین قدم را شما بردارید ، با ما تماس بگیرید، با اطمینان خاطر باقی کارها را به ما بسپارید

Tel/Fax: 020 8801 5303 Mobile: 077 912 680 48 - 078 754 71419

Suite 18, Imperial House, 64 Willoughby Lane, Tottenham, London N17 0SP

Dubai - Turkey - Cyprus



ایک روز زمین پاسبان من

صبح روز عید

هادی خرسندی

آرمان من
آرمان تو
آرمان ما
اعتلای نام میهن است
با تلاش و کوشش مدام
طفل هاج و واج
می زند به زانوی پدر
وات دو یو مین اعتلای نام؟
گویدش پدر
بایدت تلاش
تا که نام سرزمین خویش
جاودان کنی
پرچمش
خار چشم دشمنان کنی
با تلاش تو
با تلاش ما
می شود وطن
پر زینکی و
خالی از بدی
طفل هاج و واج
می زند به زانوی پدر
کن یو اسپیک اینگیلش ددی؟

آن پدر که مانده بی وطن
در حصار غربتی بعید
طفل خود گرفته در بغل
صبح روز عید
با غرور جاودانه اش
بوسدش به عشق
گویدش به مهر
طفل من! جان من!
سرزمین ما
مانده از گذشته یادگار
میهن تو افتخار توست افتخار ماست آن دیار
طفل هاج و واج
میزند به زانوی پدر
می کند سوال
وات ایز افتخار؟
گویدش پدر:
سربلندی است

ای عشق تو خو کرده با جان و تنم
مال منی ای پر گوهر
خاک دلیران کشورم

سوپر تهران

سوپر تهران مانند
هر سال کلیه
مایحتاج نوروزی
شما را تدارک
دیده است.

جدیدترین و شادترین کاست
، سی دی و ویدیوهای
نوروزی با قیمتهایی استثنایی
فقط در سوپر تهران

کافی است فقط
سری به ما بزنید

سال نو مبارک

کاسپین فود گالری (خزر)



فرارسیدن نوروز را
صمیمانه به یکایک
ایرانیان تبریک عرض
می نمایم

سوپر خزر مانند هر سال
با کلیه محصولات ایرانی از
قبیل شیرینیجات خوشمزه
، خشکبار ، هفت سین
، سبزه، ماهی قرمز و دودی
در خدمت هموطنان عزیز
می باشد.

بازارچه کاملی که فقط باید از نزدیک دید و قضاوت کرد

هر آنچه نیاز یک خانواده ایرانی است از پیرو جوان و هر نوع سلیقه در زیر یک سقف برایتان تهیه شده است

انواع و اقسام مواد غذایی ایرانی، خشکبار، شیرینی های خشک و تر،
سبزیجات و آجیل، کلیه کاست ها و سی دی های و فیلم های سینمایی قبل
و بعد از انقلاب، کتاب، نشریات، صنایع دستی، سازهای سنتی، انواع قلیان

30 Vivian Ave,
Hendon Central
London NW4 3XR

Tel: 020 8202 8022

نسل جدید ایرانیان جهان را فتح می کنند

در تاریخ مهاجرت ملتهای جهان می توان نام ایران را به عنوان یکی از نو پاترین ملل مهاجر نامید
سی سال تبعید و مهاجرت و فرار از ایران از دست رژیم جنایتکار در مقایسه با کشورهای دیگر زمان
زیادی نیست ولی در همین ربع قرن ایرانیان فراری که فرزندانسان در فضایی دیگر رشد کرده اند هر
روزه شاهد نبوغ و استعداد سرشار این نسل تازه هستیم و جای تاسف اینکه چنانچه سرزمین پر استعداد ایران
روزگاری شرایطی طبیعی و سالم بیابد آنگاه چه دریایی از نبوغ ناب ایرانی به حرکت در خواهد آمد
در مجله رنگارنگ طبق روال هر شماره به معرفی جمعی از این چهره های مطرح در جهان پرداخته ایم که بیشتر زمینه های ورزشی
؛ مد و هنری دارد



یاسمین طباطبائی بازیگر و خواننده ای
که امروز در جهان هنر جایگاهی ویژه دارد



شهریار کمالی آقای بدنساز جهان که
لقب سلطان را به اوداده اند که امروزه
الگوی میلیونها بدنساز در دنیاست



لیلا وزیری شناگر جوان ایرانی که موفق مدال
طلای جهانی شنا را سال گذشته در مسابقات
جهانی ملبورن به همراه تیم امریکا کسب کند



شون تابو بازیگری توانا که
امروز در هالیوود نامی شناخته
شده و معتبر است بازی
درخشان او در فیلم CRASH
او را به سطح بزرگان سینمای
جهان رساند



گابریل انوار بازیگری که مجله معتبر people
او را بعنوان یکی از ۵۰ زن برتر سینمای جهان
انتخاب کرد

نسل جدید ایرانیان جهان را فتح می کنند



فریما آقامیان ستاره سریال دکتر هو که هواداران بسیاری در جهان دارد و چندین جایزه جهانی را درو کرده است



مهییار منشی پور قهرمان بوکس فرانسه و اروپا که سالها در سطح جهانی بوکس افتخار آفرید



سوسن ملک پور شیرازی قهرمان بدنساز جهان در سال ۲۰۰۴ و مربی بدنسازان زنان مطرح جهان



رابی غفاری فیلم بردار ، تدوینگر و کارگردان سینمایی که فیلم (هیچکس غریبه نیست) او در هالیوود با استقبال زیادی روبرو شد او نویسنده کتاب دریای خزر است



بهار سومخ بازیگر توانای فیلم در CRASH که عنوان بهترین فیلم سال ۲۰۰۴ را به دست آورد



ژیان قمیچی از مطرح ترین چهره های موزیک در جهان

ارغوان رضایی دختر

شایسته ایرانی که در تیم ملی تنیس فرانسه بازی می کند و در رده بندی جهانی در میان چهره های برتر این ورزش جایگاهی ممتاز دارد

صد سال به از این سالها

نوروز جشن کهن و باستانی را در سراسر جهان به هموطنان
عریز شادباش و تبریک عرض می کنیم



سوپر قصابی وحید نوروزی زیبای ایرانی را با گلچینی از

بهترین های سفره عید شما را تدارک دیده است.

سوپر قصابی وحید با تازه ترین گوشت و مرغ، شیرینیجات تر و
خشک تازه انواع خشکبار ایرانی، میوه جات فصل و سایر مایحتاج
غذایی و وسایل مورد نیاز یک خانواده ایرانی در خدمت شما خواهد بود.

SUPER WAHID

1 VALE PRADÉ KINGSTON VALE
LONDON SW15 3PS

Tel: 020 89 74 99 97



ایکاش یک جو معرفت و انسانیت آنها در وجود اینها بود

واقعی ملت ایران رفت و همیشه این انسانهای شریف و با معرفت قربانی بازیهای کثیف اینان شده که در این شماره به کوتاهی تگاهی به ۴ هنرمند می کنیم که دریایی صفا و محبت و صداقت ؛ معرفت و انسانیت بودند و هرگز و هرگز مشترکاتی با افرادی که هر روز برای دستمزدی به رنگی در می آیند نشدند یا ترانه سرایانی که مدعی پدرخواندگی ترانه های نوین هستند ولی چون ارزان فروشانی سر هر کوی و برزن خود را حراج می کنند و جامعه را هم فریب می دهند

و از سوی دیگر گروهی را با تبلیغات و هیاهو بعنوان هنرمندان پیشرو و از این قبیل اراجیف به مردم قالب می کردند امروز که ایرانیان صدمات جبران ناپذیری از همین روشنفکرانها خوردند و به این بلایا دچار شدند هنوز هم اینان دست از سر جامعه ایرانی آسیب دیده بر نمی دارند و هنوز هم با پیف ؛ پیف های تهوع آورشان جامعه را بدخواه خود تقسیم می کنند ولی آنچه چون سوزی دردناک بر دل و جان آدمی می ماند ظلم و ستمی است که به هنرمندان

براستی ملت سر در گمی هستیم هرگز نتوانسته ایم حق را به حق دار بدهیم و همیشه نردبان کسانی شده ایم که از کولان بالا رفته اند و لگد بر سرمان زده اند در دنیای هنر ایرانی هم گروهی به اصطلاح روشنفکر و مدعی پدر خواندگی جامعه مردم را گله وار تقسیم به طبقات دخواه خود می کردند و هنوز می کنند همانطور که جامعه هنری را تقسیم بندی می کردند و سالم ترین ؛ با معرفت ترین و پر مایه ترین استعداد های هنری را به نام «کوچه بازاری» یا فیلم فارسی را به تسخر می گرفتند

آلوده ی ویروس ترانه های لوس آجلسی و ساخته های همان آهنگسازان و ترانه سرایانی که موسیقی مردمی را سبک می شماردند نشد

«**داوود مقامی**» هنرمندیست که هر یک از ترانه هایش شاه اثری می باشد و هوادارانش با صدای بی همتای او سالها زندگی کرده و زندگی می کنند. او برخلاف خوانندگان امروز که بیشتر تعریفشان را می شنویم تا صدایشان را فقط با صدای خود و بدون هیچ تبلیغاتی در دل ما جایگاه ویژه ای دارد. مانند که چه مخالفت هایی از سوی کور اندیشانی که بر خود نام روشنفکر نهاده اند ؛ با او وهم سبکان او می شود

اگر تا امروز کسی صدای داوود مقامی را نشنیده به او پیشنهاد می کنیم با شنیدن ترانه های جان گذار این هنرمند ، دفتر تازه ای در زندگی خود باز کند

مگر می شود کسی در دلش شور عشقی نهفته باشد و ترانه ی «دلم ای زیبا روزی...» را بشنود و دیوانه و دلباخته ی این

است ، آغاز شد و هرگز به پایان نرسید .

اگر تا به حال ترانه ی «دل تشنه یه کاسه ی خون» را نشنیده اید لطفا گوش کنید و بدانید این نخستین اثر آغاسی می باشد و اینک پاسخ دهید آیا آغاسی به خاطر دستمال چرخاندن و لنگیدن پایش به شهرت رسید یا به خاطر قدرت اجرا و چیره دستی آهنگسازان و ترانه سرایانش؟

به راستی درد روشنفکران با خوانندگان مردمی چیست؟ شاید سبب این رفتارها سادگی و روراستی این گروه هنرمندان است که نه در سیاست دخالت کردند ، نه توده ای بودند ، نه معتاد و نه ...

بانو سوسن «گل اندام طاهر خانی» یکی دیگر از هنرمندان مردمی میهنمان می باشد ؛ که سالها با ترانه های جاودانی چون «خوش به حال دیوونه» و «یادته یه روز تنگه غروب» یاد و خاطره ی یار را در دل های شیفته زنده نگه داشت بانو سوسن تا واپسین دم هرگز

عبدالعظیم برای بدرقه ی ایشان آمده بودند. تا به امروز این رکورد برای هیچ هنرمندی شکسته نشده.

بانو مهوش پس از درگذشت دارایی زیادی را برای کودکان بی سرپرست و تهی دستان به جا گذاشت. و برای همه ی ما خاطره ی شیرین دورانی پر از شور و مستی

«**نعمت الله آغاسی**» در سال ۱۳۱۸ در اهواز به دنیا آمد ، در سال ۱۳۴۸ به تهران آمد و کار هنری خود را با مشوقش استاد ناصر تبریزی آغاز کرد ، او با ترانه های «دل تشنه یه کاسه ی خون» [با آهنگسازی ناصر تبریزی و ترانه ی بامداد جویباری] و «شنیده ام بت پرست تو» [با آهنگسازی محسن عرب و ترانه ی بامداد جویباری] خود را با ایرانیان آشنا کرد و از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب کشور با صدای او و ترانه ی «لب کارون» پایکوبی کردند. آغاسی دارای بیش از ۱۸۰ ترانه می باشد. امپراتوری آغاسی با پرچمی سفید و حنجره ای بی همتا که ویژه ی خوانندگان جنوب ایران

بانو «مهوش» را می توان یکی از مهربان ترین و مدرن ترین هنرمندان ایران نامید. این هنرمند دهه ی پنجاه میلادی در «بروجرد» زاده شد. که پس از ازدواج کار هنری خود را با یک ارکستر کوچک در تهران آغاز کرد ؛ که شوهرش «حسن زاده» نیز نوازنده ی ویلون این ارکستر بود. و سپس در «کافه جمشید» نخستین کاباره ی تهران به هنر خود ادامه داد. ایشان در چند فیلم نیز هنرآفرینی کرد که با استقبال زیادی از سوی مردم روبرو شد. اما افسوس که در جوانی و در یک تصادف جان باخت. هنرمند. جوان مرگ شد. این تصادف در خیابان باستان رخ داد ؛ که «علی تبریزی» نوازنده ی ارکستر و دو تن از دوستان نیز در اتومبیل بانو مهوش بودند. و صبح فردای آن روز در تاریخ ۱۳۳۹/۱۰/۲۷ ساعت شش پر طرفدارترین خواننده ی آن زمان در اثر ضربه ی وارده به مغز درگذشت. صدو بیست هزار نسخه از روزنامه هایی که این خبر را درج کردند به فروش رسیدند. در روز خاکسپاری دسته های مردم از شهر ری تا شاه

هنرمندان در سالی که گذشت با شوخی و جدی

سال گذشته هم چون سالهای پیش که خوانندگان در چند کنسرت و عروسی و میهمانی شرکت کردند و همه را هم بخاطر عشق به مردم انجام دادند و بقول خودشان چون باید اموراتشان بگذرد بر سر چند دلار بیشتر و و کمتر تا کمرش دست به یقه شدند هم کارشان به صاحبان جشنها و کنسرتها هم کشید

داریوش با توبه کردن و دست کشیدن از افیون که صد البته گناه راست و دروغش بعهدده خودش می باشد بیشتر وقت خود را صرف ترک اعتیاد جوانان می کند و نقش فائزه رفسنجانی را در خارج از کشور بعهدده گرفته است چون مشترکات فائزه و داریوش در سلامت سازی جامعه است !



ابی سال گذشته با شرکت در شوهای تلویزیونی شلوار بر کمر علیرضا امیر قاسمی نگذاشت و در حملاتی سهمگین تر از حمله امریکا به عراق : آقای ابی و عیال مربوطه اش پس و پیش امیر قاسمی را با کلماتی چون شارلاتان : کلاهبردار: عوضی : آدم حقیر و کوچک چنان بمباران کردند که تصور میشد امیر قاسمی از صحنه هنری محو خواهد شد ولی به مناسبت کاسبی . کاسبی است و دعوا : دعوا در یک ماه عسل شیرین دوباره در کنسرتها می مشترک با هم به میدان آمدند و در برابر شاخ درآوردگان حیرت زده هم علامت بیلاخ خود را حواله دادند



گوگوش که پس از چهل سال هنوز می خواند «جاده فریاد می زند بیا» که معلوم نیست این جاده یکطرفه است یا دو طرفه ؟ به هر حال هر چه باشد همه سالها این جاده بدی برای گوگوش نبوده و فقط پارویی می خواسته واسه جارو کردن پول که خانم گوگوش هم کوتاهی نکرده است



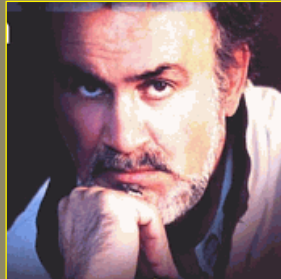
شهره هم سال گذشته بدنبال شاعری می گشت که چند تا شعر ناب محمدی ، اسلامی و مذهبی چون «امام رضا» که خواننده بود برایش بسرایند ولی هیچ ترانه سرای مسلمانی حاضر نشد و تنها نوحه سرای ارمنی ژاکلین خاتم بوده که در مدح امامان اسلام شعر می گوید و کسی نیست از او پرسد چرا واسه مسیح آهنگ نمی سازی؟



معین هم سال گذشته در یک حرکت انقلابی : هنری و عاطفی تا پای پلکان هواپیما رفت تا دل به دریا بزند و به ایران برود ولی گویا جنگ امیر قاسمی و برادر معین به سود برادر جان تمام شد و با همه تلاشهای امیر قاسمی که می خواست هول آخر را بدهد و معین را به درون هواپیما ببندازد ولی در دقیقه ۹۰ نتوانست و برادر معین خواننده «ننه» را منصرف کرد



امید را باید خواننده «پیوندی» نام داد او برای فرق نمی کند که حضرت عشق را در لس آنجلس بخواند یا آهنگ های دلخواه دوستان را در تل آویو ! مهم تعهد و مسئولیت به هنر است که در وجود استاد امید فوران می زند



حبیب مرد تنهای شب که برای اینکه تنها نباشد همه جا پسرش را هم بعنوان «آش با کاسه است» می برد حبیب که پدر باران و ناودان را هم در همه آهنگهایش درآورده است حالا به همراه گیتارش باید موزب محمد هم باشد که در صحنه هنر از خود بیخود نشود و دچار

دفتر بازرگانی و خدمات ارزی سیدوی

ضمن تبریک سال نو و نوروز باستانی ، افتتاح دفتر ارزی خود را در لندن به اطلاع هموطنان عزیز می رساند

انجام کلیه امور ارزی در اسرع وقت ، بدون اخذ کارمزد و هزینه های دیگر

Office: Suite 216

258 Belsize Road, London NW6 4BT

www.seedway.co.uk

info@seedway.co.uk

Tel: +44 207 625 3182

+44 207 625 5861

+44 207 316 1817

+44 207 316 1806

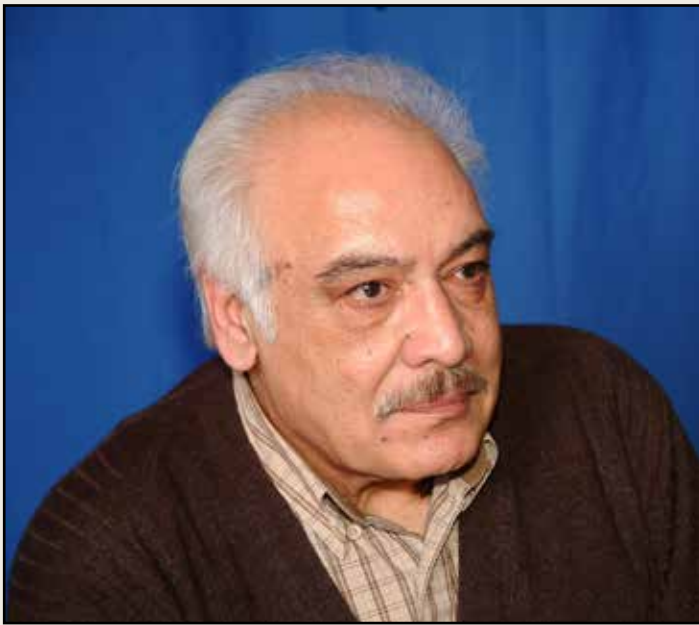
Fax: +44 207 624 7195

Mobile: +44 781 869 2585

+44 776 786 0416



منوچهر وثوق هنرمندی از تبار انسان ایرانی



کشور را به بدبختی و فلاکت انداخته است نظرش تغییر نکرده و هر روز نیز خشمگین تر و استوار تر به نابودی این رژیم می اندیشد منوچهر وثوق ها اعتبار دوران سیاه حکومت ضد ایرانی آخوندی هستند نه مطرب های خود فروش هرزه گرد که برای گذراندن ایام در بغل هر کس و ناکسی می خوابند امید اینکه منوچهر وثوق و هنرمندان از تبار انسانیت و ایرانیت عمرشان طولانی و قدرت مقاومتشان مستحکم تر باشد تا مرگ رژیم را ببینند.

ماهی را از آب گرفتن و در خشکی رها کردن ظلم و بی رحمی است که رژیم اسلامی با هنرمندان ایران زمین کرد سینمای قبل از انقلاب قربانی تنگ نظری و حسادت ملایان شد چون خمینی و دار و دسته اش از عشق و محبت مردم به هنرمندان کشورشان خشمگین و کینه توز بودند کاروان کوچ کنندگان دنیای هنر به خارج بدلیل همین کینه ها حسادتها و انتقامجویی رژیم بود سی سال گذشته از کاروان فراری بسیاری در گذشته اند و در میان ما نیستند گروهی مانده اند ولی «وا داده» و آب توبه نوشیده اند که آنها را هم باید در زمره مردگان محسوب کرد زیرا از مرز انسانیت و ایرانیت عبور کرده اند و به دست بوس و پابوس حکومتگران جنایتکار و ایرانکش رژیم رفته اند و اندکی هم محکم و استوار پای بر جای مانده اند و از نکات برجسته این ماندگاران به اسم ها و چهره هایی بر می خوریم که حتی در سالهای قبل از انقلاب هم به وسیله همین وادادگان و آب توبه هایی مورد انتقاد قرار می گرفتند بجرم بازی در فیلم فارسی به آنان حمله میشد ولی زمان ثابت کرد همین بازیگران فیلم فارسی از جنس دینار انسانهای شریف و ایرانی های با اصل و نسب بوده اند و بر خلاف حرام زاده های روشنفکر نما هر روز به رنگی درآمده اند و نانی برنخ روز خورده اند

منوچهر وثوق از جمله ماندگاران دوران حضور حکومت سیاه ملایان است سالهاست در لندن زندگی می کند او در اوج بازیگری و محبوبیت با رکورد ۵۹ فیلم در سن ۵۳ سالگی خانه نشین شد سی سال مانده ماهی از بیرون مانده ولی لحظه ای در افکار و دیدگاهش به رژیمی که

شاهرخ صدای متعهد یک هنرمند

: داریوش و ابی چنان با مهارت نان را به نرخ روز می خورند که صد رحمت به هزاران گرسنه : آن وقت که می بینید هنرمندی با کارنامه ای درخشان چون شاهرخ حرف از شرف و وجدان و انسانیت می زند و از ظلم و ستم به مردمان کشورش می گوید و بسیاری بی پروا و افشاگرانه هم می گوید باید کلاه از سر برداشت و با صدای بلند گفت :

در دورانی که مطرب نماهای دنیای موزیک چنان دست به عصا راه می روند که مبادا از مردم و کشور و رنجها و بدبختی های داخل کشور حرفی بزنند و تماما با آویختن تابلو بی هویتی « که ما سیاسی نیستیم » با دلبری به رژیم چشمک می زنند که «حاج علی آقا بخواب ما بیداریم» و دکان داران صاحب نام چون گوگوش



اگر راه شیراز برای تو دوره

سویر شیراز در قلب ادمونتون راهها را نزدیک کرده

مانند هر سال کلیه مایحتاج نوروزی شما را تدارک دیده است

سویر شیراز با مجموعه کاملی از بهترین مایحتاج خانواده های ایرانی در شمال لندن در منطقه ادمونتون در خدمت شماست



SHIRAZ MARKET

IRANIAN & CONTINENTAL FOOD & VEG & OFF LICENCE

TEL: 020 8805 9841

270 HERTFORD ROAD , EDMONTON N9

نسل جوان ایرانی خارج از کشور بسوی موزیک زیر زمینی داخل ایران کشیده شده است



در چند سال اخیر که خوانندگان و نوازندگان و ترانه سرایان فرار کرده بخارج گریخته با تعارفاتی شکسته نفسان به تعریف و تمجید بازار هنری در داخل ایران می پرداختند که ظاهراً فکر می کردند که چنین امکانی وجود ندارد که روزی این شعارهای آبکی بشکلی واقعی درآید و هنرمندان تخیلی داخل ایران حریف جدی و تاثیر گذار نمایان شوند ولی همین دری که خارج نشینان دنیای هنر گشودند صدها هزار ایرانی بخصوص نسل جوان را متوجه داخل کشور کرد و جالب اینکه هر آن چه تولیدات داخل است بدلیل قدغن بودن و ممنوعه های رژیم و بگير و ببند حکومت باعث احساسات و عواطف بیشتر جوانان خارج از کشور به جوانان همسن و سالان خود در داخل شد و در واقع مظلومیت این گروه از هنرمندان در مقایسه با خارج نشین ها که کار دلپسند و جذابی هم تولید نمی کنند باعث توجه و کشش روز افزون به داخل شد هر چند حکومت بی لبخند و متنفر از شادی و نشاط تحرک جوانان را به وسیله تهدید ؛ ارباب ؛ کتک و دستگیری می خواهد مانعی سد راه آنان باشد ولی دنیای شگفت انگیز ارتباطات و تکنولوژی بیشتر باعث شده است



هر آنچه در استودیوها و مکانهای مخفی و زیر زمینی در ایران تولید میشود مقابل چشمان همگان در خارج قرار گیرد و باعث علاقه و توجه و کشش جوانان بخارج از کشور شود و مهم اینکه برای دستیابی و شنیدن و دیدن تولیدات داخل پولی هم نباید پردازند ! و مجانی از طریق سایتها و شبکه های تلویزیونی به دیدن و گوش کردن می پردازند و مسلماً این حرکت پر شتاب هر روز باعث گرمی بازار هنرمندان داخل و کم رونقی بازار هنرمندان خارج از کشور نشین میشود و خود کرده را تدبیر نیست پاسخ سوال هنرمندانی است که حالا باید فکری به حال بازار نیمه سکوت و کور خود کنند



بچه های خوب، نسل بهتر

بلاک کتز بود این دو برادر با ریتم و هماهنگی مناسب با یکدیگر خیلی زود گل کردند و مورد علاقه بسیاری از ایرانیان هستند و در عمل هم ثابت کردند از بچه های خوب هنر می باشند
منصور: سبک خاص خودش را دارد بقولی از آن چهره ها بود که یکشنبه ره صد ساله رفت و توانست جایگاهی برای خود بیابد منصور در چند سال اخیر با اجرای ترانه هایش بسیار موفق عمل کرده است و چنانچه از راه پدرش نکنند در آینده هم حرفه های بسیاری برای گفتن دارد
هنگامه: او هم از خوانندگانی بود که توانست با اجرای آهنگها و نمایشی موزون از حرکات خود مطرح گردد هنگامه دارای سبک خاص خودش می باشد در صحنه و هنگام اجرای برنامه های زنده در کنسرتها بسیار حرفه ای و آگاهانه عمل می کند او هم نیاز به مراقبت بیشتر دارد که همچنان در مسیر موفقیت پیش برود
نازنین افشین جم: دختر شایسته کانادا می باشد دارای تحصیلات آکادمی از دانشگاه های معتبر جهان است ولی آنچه او را شایسته تر کرده است خواندن ترانه های مردمی و موضع انسانی - سیاسی اوست که بعنوان یک زن برای حق و حقوق پایمال شده زنان هموطنش در داخل

دنیای آشفته بازار هنری ایرانیان که چند نسل در هم می لولند و ارثیه های گذشتگان را به نسلهای جدید کادو می دهند را باید نیمچه خطی در آن کشید و حساب بعضی از جوانان را از بزرگان گذشته جدا کرد نسل جدید شاید بخاطر رشد و نمو زندگی در کشورهای بزرگ جهان از نظر خلق و خوی بهتر تربیت شده اند و کمتر غبار قدیمی ها بر اخلاقیاتشان اثر کرده است این نسل جوان را چنانچه آزاد بگذارند و گروه ها و افراد مافیایی دنیای هنر ایرانی وادارشان به بعضی کارها نکنند سالم پر استعداد و نوگرا هستند که در این میان می توان به این اسامی پرداخت

هاتف: او شاید سه دهه در بازار هنری ایرانی حضور دارد ولی با تمامی مشکلاتی که داشته است هنوز از جنس خوب این حرفه است هاتف در کارهایش نوآوری دارد و همه گاه آنچه تولید کرده است مورد توجه بسیار قرار گرفته است و بدور از جنجال و حاشیه بکار خود ادامه داده است

کامران و هومن: قبلا از بلاک کتز در کانادا بوسله فریدون و به همراه هنگامه کشف شدند ولی اوج کارشان در کنار شهبال شب پره و گروه

سوپر و قنادی مازندران صد سال به از این سالها

مفتخر به دریافت لوح تقدیر بهترین فروشگاه در منطقه ایلینگ از طرف شهرداری منطقه در سال 2006



سفارشات کیک عروسی و تولد

بهترین آجیل و خشکبار
اصل تواضع

سوپر و قنادی مازندران کلیه وسایل
سفره هفت سین، شیرینی خشک و تر،
ماهی دودی را تدارک دیده است

159 UXBRIDGE ROAD
WEST EALING W13 9AU
Tel: 020 8579 9500

ویرترین تبلیغاتی سینمای جمهوری اسلامی



خمینی با فاسد خواندن جامعه هنری در روزهای اول انقلاب فاتحه هر چی هنر بود را خواند

اهالی دنیای هنر دو راه را برگزیدند خانه نشینی یا فرار!

آنان که فرار کردند اعم از هنرپیشه : کارگردان : خواننده : موزیسین : ترانه سرا و که بحث دیگری است که در باره آن در شماره های آتی خواهیم نوشت

ولی در باره آنان که ماندند باز هم به دو گروه می رسیم گروه اول که چهره هایی درجه یک و پولساز و محبوب مردم بودند تا امروز هم رژیم به آنان فرصت نداد و چه بزرگانی که در خاموشی و مظلومیت و بزرگ منشی مردند و در واقع قاتل عزیزان مردم رژیم جمهوری اسلامی است مانند : محمد علی فردین : آغاسی و کسانی دیگری که چون ماهی بی آب می شوند ولی همچنان در حسرت صحنه باقی مانده اند ولی حاضر نشدند تن به هر خواسته رژیم بدهند مانند : ناصر ملک مطیعی : فروزان : پوری بنائی و گروهی هم ماندند و مجبور شدند خود را خرج ویرترین هنری رژیم نمایند و هر روز به هر شکل و به هر مناسبت آنان باید در اختیار برنامه های تبلیغاتی رژیم باشند

روزی سرگور سیاه خمینی : با دسته گل بروند : فردا بر مزار این و آن : جشنواره فجر : یازها و خلاصه رژیم این چهره های از مرز بازنشستگی گذشته را رها نمی کند که شاخص ترین آنان عزت الله انتظامی _ جمشید مشایخی _ محمد علی کشاورز _ محمد علی نصیریان و تعزیه گردانانی چون داوود رشیدی و ایرج قادری خوشا به حال آنان که آلوده نشدند.

محمود گنجاپور و ۴ آلبوم شنیدنی



بالاخره پس از سالها محمود گنجاپور خواننده خوش صدا که ۴ آلبوم بسیار شنیدنی و زیبا دارد حاضر شده آلبوم مهایش را در سطح گسترده ای به بازار ارایه دهد

او که صدای خاطره انگیزی دارد یاد و خاطره خوانندگانی چون داوود مقامی و قاسم جلی را به نوعی در ذهن شنونده زنده می کند.

در این آلبوم ها با اجرای ترانه ها و آهنگهای شاد و زیبا ، ریتمی دلپذیر را برای علاقه مندان به موزیک به ارمغان آورده است که داشتن آلبوم های این هنرمند در هر خانه ای می تواند خاطره انگیز و بیاد ماندنی باشد

محمود گنجاپور که بیشتر بخاطر دلش و عشقش به موسیقی می خواند و تنها به خاطر دسترسی داشتن مردم به آلبوم هایش آنها را به بازار داده است

به همین دلیل برای هر آلبوم خود فقط ۴ یورو منظور کرده است که قیمتی بسیار نازل است و در واقع هر ۵ آلبوم او تنها ۱۶ یورو میشود که شامل دهها ترانه و آهنگ زیباست

برای آنان که به دنبال

صدای خاطره انگیز هستند

محمود گنجاپور در ۴ آلبوم زیبا و شنیدنی شما را به دنیای ترانه های مردمی و کوچه و بازار می برد



آلبوم های محمود گنجاپور را در سراسر اروپا از مراکز فروش ایرانی با قیمت هر سی دی ۴ یورو تهیه بفرمائید

با درود فراوان به تمام هموطنان عزیز در سراسر گیتی با احترام محمود گنجاپور

نوروزتان پیروز

سوپر سهند

هر روزتان نوروز

سوپر سهند سفره
هفت سین شما را
تدارک دیده است
فقط کافی است
سری به ما بزنید
و همه مایحتاج
مراسم نوروز خود را
تهیه فرمائید



وارد کننده مستقیم
مرغوبترین تولیدات
غذایی از ایران

سوپر سهند با مجموعه ای از آنچه مورد نیاز یک خانواده ایرانی است هفت روز هفته در خدمت شماست

انواع شیرینیجات ترو خشک - میوه و سبزیجات تازه
غذاهای کنسرو شده ایرانی با مارک های معروف و شناخته شده
ترشیجات و ادویه جات مختلف

کلیه کاستها سی دی و فیلم های ایرانی انواع قلیان و پلویز

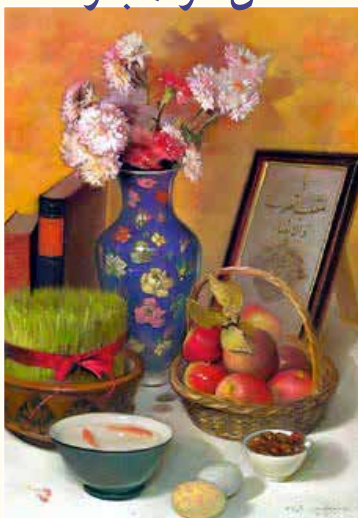
74 Ballards Lane, Finchley Central, N3

Tel: 020 8343 3279

باور کنید حقیقت دارد

مجله رنگارنگ به همراه دی وی دی ۲ ساعته تنها دو یورو معادل یک و نیم پوند

سال نو مبارک



خدمات ارزی و بازرگانی

راوندی

RAVANDI TRADE & FINANCE CO. Ltd

نامی مطمئن و آشنا

دفتر مرکزی لندن:

Tel: 020 - 7499 5455

Fax: 020 - 7629 2974

**Oxford Street, 24 North Audley St
London W1K 6WD**

Under Ne Licence No. 12113380

e-mail: jravandi@btconnect.com

دوبی:

Tel: (9714) - 22 72 765

Fax: (9714) - 22 77 920

email: ravandi@emairates.net.ae

سه دهه از عمر حکومت ملایان می گذرد

در دهسال اخیر کارنامه و پرونده روشنفکران و هنرمندان و سیاسیون و مدعیان مبارزه برای آزادی نشان داد اینان هرگز با رژیم خمینی مشکلی نداشته اند اکثریت اینان در دوران انقلاب برای امامشان خمینی شعر سرودند ؛ مقاله نوشتند ؛ مداحی کردند ولی خمینی اینان را با همه خوش رقصی هایشان قبول نکرد و وادارشان کرد از ایران فرار کنند و نا زمانی که چهره رژیم با اینان عبوس بود و لبخندی به ایشان نزد این گروه مبارز و روشنفکر و سیاسیون و هنرمندان مدعی مبارزه و سرنگونی با این رژیم بودند ولی از حدود دهسال پیش که رژیم با طرح هایی وزارت اطلاعاتی به این نتیجه رسید که این گروه می توانند خوراک مناسبی برای تبلیغات و بازار گرمی باشند نیمچه لبخندی زد و یکباره اکثریت مدعیان قلم؛ میکروفن؛ دوربین بدست گرفته تا رقاص ؛ خواننده؛ نوازنده؛ روزنامه نگار؛ مبارز سیاسی چنان آب از لب و لوجه شان سرازیر شد که گویی تشنگانی به آب رسیده هستند و اصلا انگار نه انگار که سی سال است این رژیم کثیف ترین القاب ؛ توهین ها و عملکردها را مقابل اینان داشته است از شعرای آرمانشهر گرفته تا رقاصکان مطرب نشان از حزب بازان سیاسی گرفته تا باج خور زنان خود فروش همه در رقابتی حقارت آمیز برای نشان دادن نوکر صفتی و بیضه مالی سبقتی جانانه از هم گرفته اند

ترانه سرایان و شعر و نویسندگان به اصطلاح تبعیدی کتابها و مصاحبه هایشان در ایران چاپ و منتشر میشود و اینان خفه خون سکوت گرفته اند که فرضا مدعی باشند اینان بی خبر هستند خوانندگان روحوضی چمدان بدست با تملق و چاپلوسی راهی ایران می شوند و خجالت نمی کشند که هنوز شغلشان در ایران ممنوع است و سی سال است همکاران شریف اینان در ایران ممنوع الجهره و کار هستند حضور رژیم جمهوری اسلامی طی ۳۰ سال اخیر در سهای فراوان به ملت ایران داد چهره حقیقی و واقعی کسانی را در پروسه زمانی بر ملا کرد که اکثریت مرده شورانی با ژست روشنفکری و مبارزه جویی بودند در رژیم شاهنشاهی همگی مشغول امور ملوکانه در قالبهای گوناگون بودند و ژستهای روشنفکری و متری بودن می گرفتند با پیدا شدن سرو کله مرتجع ترین قشر جامعه یعنی آخوندها بر سرکردگی خمینی بناگاه از چپ و راست ؛ مذهبی و اسلامی زدند و با شعر قصیده و ترانه و مقاله و تحلیل و به تحلیل و ستایش و نعلین مالی آخوندیسم پرداختند و این قصه دردناک و غم انگیز از این گروه ورشکسته ارزان فروش ؛ فرصت طلب ؛ سر مردم کلاه گذار هر روز به شکلی ادامه دارد و اینان نشخوار کنندگان عواطف و احساسات مردم پاک باخته ایران هستند

ایران در سالی که گذشت

براستی تجزیه و تحلیل یکساله گذشته بر حوادث سیاسی ایران نشانگر چه خواهد بود ؟ ما خواب زدگان در سهای تاریخ صد و چند ساله هستیم این یک سالها چون آن صد سالها بر هم انباشته میشود ولی هر یک ساله اش را مرور می کنیم و دخوش می شویم که هر یک به اندازه خواسته ها و عقاید و نظریاتمان برداشته کرده ایم ایکاش در آستانه سال جدید می توانستیم فقط یک آرزو داشته باشیم و این آرزو فقط یک خواهش ملی از هموطنانم بود که فقط سری به یک کتابفروشی یا کتابخانه بزنند و کتابی در باره حوادث سیاسی دوران قاجار را در ایران بخرند و مطالعه کنند این آرزوی بنده می تواند موثرترین تجزیه و تحلیل باشد و بجای اینکه به امروز خود رنگ بازیهای سیاسی بی حاصل و بدون پشتوانه تحقیفی بدهیم بدانیم در حداقل یک برهه سیاسی کشورمان بر سر پدران و مادرانمان چه آمده است نوکران و جیره خواران اجنبی پرست در لباس شاه و وزیر ؛ وکیل ؛ شاعر و نویسند ؛ روزنامه نگار و چگونه سرزمین شان را برای گذراندن ایام به ارزانی می فروختند و مردم و عواطف و احساساتشان و سرنوشت شان مطاعی بود برای این جماعت بی وجدان و خود فروش در دوران های گذشته و هر گاه وطن پرستی قد علم کرده و برای منافع ایران و ایرانی جنگید همه آلودگان به زر و سیم و قدرت بساط نابودیش را با مکر و حيله و نیرنگ فراهم کردند و ملت بازی خورده ایران هم فریب ظاهر صحنه را خورده اند

م. سرابی



آرزو می کنم فقط بعنوان یک وظیف انسانی ؛ ملی ؛ میهنی و اخلاقی فقط یک کتاب از دورانیهای سیاه گذشته کشورمان را بخوانیم و با مقایسه آن با امروز بخوبی در خواهیم یافت که فقط فرم های ظاهری عوض شده ولی محتوا و ماهیت انسانهای خود فروش تاریخ کشورمان دست نخورده باقیمانده است تکنولوژی ؛ لباسها ؛ شهرسازی دگرگون شده ولی ذات درونی وطن فروشان و دودوزه بازان و هفت رنگان جامعه همانهای سده های گذشته هستند

وقتی ابر مرد تاریخ ایران مانند امیر کبیر را می کشند و امثال میرزاآغاسی ها بر جان و مال و ناموس مردم حاکم میشوند فروشندگان این سم هولناک به پیکره جامعه فروریخته ایران پدران همین حرام زاده های امروزی هستند که امثال خامنه ای ها ؛ رفسنجانی ها ؛ خاتمی ها و را می فروشند تا منافع اربابشان را تامین کنند بیش از چهل کانال تلویزیونی دهها ایستگاه رادیویی و صدها نشریه و هزاران سایت اینترنتی در خارج از کشور و دولتی خوابیده بر ثروت ملتی بدبخت در داخل کشور البته استثناها را که همان ارزنی در اینان هستند را کنار می گذاریم همه و همه دست به دست هم داده اند تا بخاطر گذران خوش زندگیشان ایران و ایرانی را به سیاه چاه بدبختی و فلاکت ببرند همچون همه سالهای سیاه تاریخ کشورمان بکشاند

آری آرزو می کنم هر ایرانی فقط بیکار و تنها یک کتاب در باره تاریخ گذشته کشورش را مطالعه کند و مروری بر حوادث ایران در برهه های گوناگون تاریخ داشته باشد شاید دوران قاجار و نزدیک آن به روزگاران امروز ما تشابهات فراوانی داشته باشد در آن سالها قراردادهای ننگین ترکمانچای و امتیاز نامه رویترو و صدها قرار دادهای دیگر که دولتمردان خود فروش قاجار مال و ناموس و حیثیت ایرانیان را به خارجی ها می فروختند و امروز عجب نیست که حرام زاده های حکومت ولایت فقیه دریای خزر ؛ خلیج فارس و جزایر جنوب را تقدیم اربابان خارجی خود کند و مشتکی پدر سوخته دلال هم در لباس روزنامه نگار ؛ مفسر سیاسی و باافکار و عواطف مردم بازی کنند تکرار تاریخ درس عبرت از گذشته نگرفتند بزرگترین آفت یک ملت است ایکاش در آغاز سال نو حداقل هر ایرانی با خواندن سرگذشت تلخ گذشتگان سرزمینشان بدانند چه بر سر کشورش آمده است .

تصاویر انتخابی رنگارنگ برای شما





ورزش به گل نشسته در ایران

وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران کلیت ورزش را قبضه کرده اند

از سرپرست سازمان ورزش گرفته تا مدیران کل روسای فدراسیونها؛ مدیران باشگاه ها؛ سرپرستان باشگاهها همگی از اعضای سپاه و وزارت اطلاعات هستند.

فروپاشی اخلاقی در ورزش و از بین بردن «حرمت ها» و «کسوت ها» از طرح های

رژیم بود که به اجرا درآمد

بوق چی ها و شیپورزنهای تیمها هم دولتی شده اند

«حضور مردم در میادین ورزشی وحشت بزرگ رژیم جمهوری اسلامی در طول عمر ۳۰ ساله خود می باشد»

رژیم همیشه از ورزش و جمع شدن دهها هزار ایرانی در میادین ورزشی وحشت داشته است و از همان روزهای نخستین پیدایش حکومت دیکتاتوری آخوندی؛ حکومتگران قصد داشتند ورزش را پدیده غریب و حرام اعلام نمایند کما اینکه رشته های ورزشی مانند شمشیر بازی؛ شطرنج؛ وزنه برداری؛ بوکس؛ پرورش اندام؛ بیلیارد و اسنوکر را تعطیل کردند و الببال؛ فوتبال و کشتی را هم با طرح هایی مانند منطقه ای بشکل محدود و محلی می خواستند انجام شود که فوتبال بعنوان مهم ترین و پر شمار ترین ورزش مورد

اند و بساطی فراهم کرده اند که دیگر امروز گوشه ای از منش پهلوانی و روحیه ورزشکاری را مشاهده نمی کنیم احترام و محترم شمردن کسوت و بزرگتر مانند لطیفه و جوک شده است قرار دادهای زیر میزی و حق حسابهای دلالی بخشی از روابط عادی و معمولی در سیستم ورزشی جمهوری اسلامی است بدون حق حساب و رشوه کسی در ورزش جواب سلام کسی را نمی دهد ورزشکاران بتدریج شکل گلابیاتورها را بخود گرفته اند که باید برای زندگی کردن هم رنگ سیستم شوند و رژیم هم با ترفندهای مختلف برای هر کس پرونده ای ساخته است که آنان را وادار به سکوت و اجرای دستورات آنان نماید ولی آنچه همه طرح ها و ترفندهای کثیف را بی فایده نشان می دهد آتشی زیر خاکستر است که چون دفعات گذشته باز هم باروت اعتراضات عمومی و گسترده مردم از دل همین استادیوم ها منفجر خواهد شد و مسلما اثرات و تاثیرات آن نهایی و تعیین کننده خواهد بود در این باره شک نکنید

علاقه مردم بیشتر از همه رشته های ورزشی مورد غضب رژیم اسلامی بود که چند بار اعتراضات عمومی مردم را از استادیوم ها به خیابانها کشید و تبدیل به تظاهرات سیاسی شد. رژیم که دریافت نمی تواند با مردم فوتبال بجنگد از راه تزویر و برنامه ریزی افراد وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران حداقل در دهسال اخیر بتدریج کلیت ورزش را به کنترل خود درآورد و در این راه برای اینکه موفق شود سروصداها را بخواباند بودجه هفتگی و نجومی را وارد ورزش کرد آنهم در ورزشی که حتی بزرگترین باشگاههای ایران مانند پرسپولیس و استقلال هم ۲ زار سود دهی ندارند ولی سالی بالغ بر دهها میلیارد تومان هزینه اداره فقط این دو باشگاه است که این پولها بوسیله مدیران باشگاه های اطلاعاتی و سپاهی حیف و میل و به دلخواه خرج میشود و حتی لیدرهای تماشاگران و بوق چی ها را با دادن حقوق دولتی کرده اند فساد؛ رشوه و زد و بند که بخشی اجتناب ناپذیر از ماهیت اصلی رژیم اسلامی است را به میان ورزشکاران و میادین ورزشی هم آورده

مژده نوروزی به ایرانیان ساکن شمال لندن

سوپر ساوالان (سبلان)

همچنان پیشتاز ارزانی با کیفیت بالاست

سوپر ساوالان همه مایحتاج نوروزی شما را از سفره هفت سین؛ ماهی قرمز؛ شیرینی آجیل و میوه های تازه؛ ماهی سفید و دودی و سبزیجات مختلف را تدارک دیده است.

سوپر ساوالان هدیه می دهد

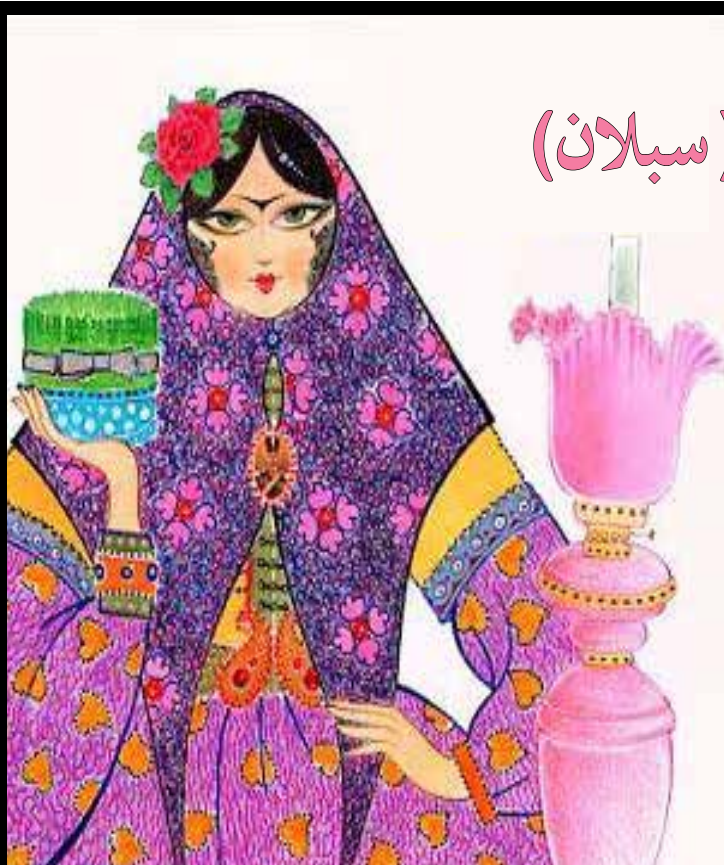
جدیدترین CD, DVD و کاست های روز را با

5&6, Queens Parade, Green Lane

London N8 0RD

Tel: 020 8347 8822

ساعات کار ۸ صبح تا ۱۲ شب





عباس رضوی مانند پدری بود که نقش مربی را بازی می کرد

این باشگاه شده است که چنین موفقیتی برای یک مربی آسیایی افتخار بزرگی محسوب می گردد



به پاس زحمات مردی که الفبای فوتبال را به ما آموخت

جوانان آن سالها بودیم که در کنار بزرگترها ی باشگاه چون رضا ماشاء الله زاده: ایرج امیدوار: هوشنگ شجاعی: بهروز بهاریان: محمد نجار: حسین آب شناسان: منوچهر برومند و گروهی از بازیکنان صاحب نام آن سالها رشد و نمو کردیم

عباس آقا بعدها مربی باشگاه های ابومسلم و برق شیراز و بعنوان مربی به تیم ملی رفت و من شاید تنها بازمانده ای بودم که در اقبال ماندم و سالهای پس از انقلاب تا سال ۶۵ که مجبور به خروج از ایران شدم عهده دار مسئولیت این باشگاه سازنده و صاحب نام بودم و عناوین قهرمانی نوجوانان و جوانان را برای این باشگاه کسب کردم که از شاگردان آن سالهایم می توان به حمید بابازاده: امیر قلعه نوعی: امیر خانلو: بابک سیم بری: کامبیز سلیمانی: حمید استیلی و چهره هایی دیگر نام برد که در سطح باشگاه ها و تیمهای ملی مطرح شدند

ولی هنوز برای من عباس آقا الگو و خاطره ای عزیز است که یادآور همه خاطرات شیرین و زیبای سالهای نوجوانی و جوانی من است عباس آقا ها بودند که زحماتشان فوتبال ایران را در آسیا و جهان مطرح کرد

عباس رضوی سر مربی باشگاه دسته اولی سرنیسکا در سوئد شد در سایت رسمی باشگاه دسته اولی سرنیسکانورث بورگ در سوئد خبری ثبت شده بود مبنی بر اینکه عباس رضوی مربی صاحب سبک و شناخته شده فوتبال ایران عهده دار مسئولیت رهبری

ده دوازده سال بیشتر نداشتیم که با مجتبی عباسیان که بزرگتر از ما بود به تمرینات باشگاه تاجیک رفتم پسر بچه ای نحیف و لاغر که در کنار زمین با توپی خود را سرگرم می کرد مجتبی در قالب دروازه بان چالاک و تند و تیز در آن روزها محافظ دروازه تاجیک بود که بعدها اقبال شد

عباس رضوی که مدافعی صاحب تکنیک و هوش سرشار در بازی بود نقش مربی و هدایت کننده باشگاه اقبال بود که متعلق به دو کشتی گیر صاحب نام: محمد علی صنعتکاران و مصطفی تاجیک بود

عباس آقا در کنار آموزش فوتبال که الحق از بهترین مربیان ایران بود دوستی: رفاقت و محبت را به شاگردان خود درس می داد

یادم می آید ۱۳ سال بیشتر نداشتیم که عباس آقا مرا در باشگاه گمرک که در واقع ذخیره بازیکنان اقبال بود در یک مسابقه رسمی باشگاهی در ورزشگاه شماره ۳ شهباز به زمین فرستاد و در مجله دنیای ورزش و تاج ورزشی عکس تیم گمرک و مرا بعنوان جوان ترین بازیکن باشگاهی معرفی کرده بودند.

ولی آنچه برای ما جوانترها مهم بود رضایت عباس آقا بود که از عملکرد ما راضی باشد عباس آقا با اقبال و ما جوانترها با عباس آقا زندگی می کردیم عباس آقا در نقش یک پدر دلسوز و سخت گیر و مهربان به ما الفبای زندگی هم می آموخت و ما عاشقانه او را دوست داشتیم احمد جوان: حسین یاریار: مصطفی مسلمی: قدوسی و تعدادی دیگر از

فرهنگسرای لندن

مرکز پخش آئین نامه رانندگی و ترجمه فارسی راهنمای تست زندگی در بریتانیا

بزرگترین و مدرنترین مرکز فرهنگی ایرانی در لندن

انواع کتابهای چاپ داخل و خارج از کشور

کاملترین مجموعه فیلمهای ایرانی اورژینال برای فروش واجاره

وارد کننده و پخش کننده آلبوم های موسیقی از شرکتهای ترانه، کلتکس، پارس، آونگ، چهره نما، MZM سی دی و فیلمهای کپی عرضه نمی کند

1261, Finchley Road, Temple Fortune, London NW11 0AD

Tel: 020 8455 5550

Fax: 020 8201 8506

www.farhangsara.co.uk

کارت های معتبر پذیرفته می شود

فرهنگسرای لندن هیچ گونه نوار

زشت ترین بازیکن جهان

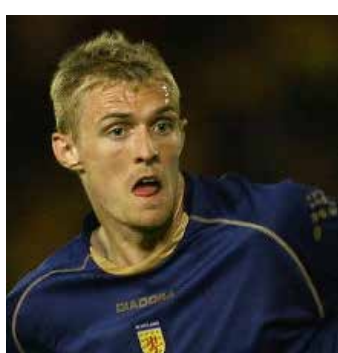


فهرست ۱۰ بازیکن
زشت جهان به این شرح
است:

- ۱- وین رونی
- ۲- رونالدینیو
- ۳- کارلوس ته وس
- ۴- پیتر کراوچ
- ۵- رونالدو
- ۶- لوک چادویک

طی یک رای گیری اینترنتی. وین رونی بازیکن تیم فوتبال
منچستریونایتد و تیم ملی انگلستان، به عنوان زشت ترین
بازیکن جهان انتخاب شد.

رونی ۲۲ ساله با اختصاص ۳۳ درصد از آرا در صدر زشت ترین
بازیکنان جهان قرار گرفت. این در حالی است که رونالدینیو
مهاجم برزیلی بارسلونا پس از او در رده دوم قرار دارد.
کارلوس ته وس آرژانتینی هم در جایگاه سوم این نظرسنجی
به چشم می خورد.



یک لندن

یک انگلستان

قنادی رضا

نامی که می شناسید و ۲۵ سال به آن اطمینان دارید

کلیه مایحتاج نوروزی خود را مانند هر سال با
بهترین کیفیت و قیمت از سوپر قنادی رضاتهییه فرماید

345 High Street Kensington London W9

Tel: 020 - 7603 0924



GANDJAPOUR & ZN

Import

Handmade Persian Carpet since 1973

Export



محمود گنجاپور و مجید گنجاپور

وارد کننده فرشهای دستباف ایرانی و آسیایی از قبیل: هندی، پاکستانی، چینی، نپال، مراکشی، ترکی و همچنین شستشوی
قالیهای نو و کهنه از سال ۱۹۷۳ در شهر فلاردینگن در کشور هلند

فرارسیدن نوروز باستانی بر همگان مبارک



Schiedamseweg 57
3134 BB Vlaardingen /Centrum
Holland

Tel: 0031-010-434 99 71

Fax: 0031-010-435 03 61

www.gandjapour.nl
Email: info@gandjapour.nl

تاریخ به این عکس ها افتخار می کند ، تاثیر گذارترین عکس سال

صدها مقاله و رساله و نوشته گاهی مانند یک عکس نمی تواند موثر باشد.

تاریخ سی ساله این رژیم پلید ملو از جنایت و کشتار است صدها هزار ایرانی به وسیله رژیم ولایت فقیه اعدام شده اند که هر یک اسطوره و قهرمان ملتی هستند و روزی که دیگر دیر نخواهد بود اسامی شان بر تارک تاریخ ایران زمین نقش خواهد بست ولی حماسه کاووسی فر حکایت دیگری است .

عکس های مجید کاووسی فر و همراهش حسین کاووسی فر سند جاودانه وافتخار آمیز ایرانیان است و عکس های آنان بعنوان تاجر گذارترین تصاویر سال از سوی مجله رنگارنگ انتخاب شده است



دست خورده باقیمانده است تکنولوژی ؛ لباسها؛ شهرسازی دگرگون شده ولی ذات درونی وطن فروشان و دودوزه بازان و هفت رنگان جامعه همانهای سده های گذشته هستند وقتی ابر مرد تاریخ ایران مانند امیر کبیر را می کشند و امثال میرزاآغاسی ها بر جان و مال و ناموس مردم حاکم میشوند فروشندگان این سم هولناک به پیکره جامعه فرو ریخته ایران پدران همین حرام زاده های امروزی هستند که امثال خامنه ای ها؛ رفسنجانی ها؛ خانی ها و را می فروشند تا منافع اربابشان را تامین کنند بیش از چهل کانال تلویزیونی دهها ایستگاه رادیویی و صدها نشریه و هزاران سایت اینترنتی در خارج از کشور و دولتی خوابیده بر ثروت ملتی بدبخت در داخل کشور البته استثناها را که همان ارزنی در اینان هستند را کنار می گذاریم همه و همه دست به دست هم داده اند تا بخاطر گذران خوش زندگیشان ایران و ایرانی را به سیاه چاه بدبختی و فلاکت ببرند همچون همه سالهای سیاه تاریخ کشورمان بکشاند

آری آرزو می کنم هر ایرانی فقط یکبار و تنها یک کتاب در باره تاریخ گذشته کشورش را مطالعه کند و مروری بر حوادث ایران در برهه های گوناگون تاریخ داشته باشد شاید دوران قاجار و نزدیک آن به روزگاران امروز ما تشابهات فراوانی داشته باشد در آن سالها قراردادهای ننگین ترکمانچای و امتیاز نامه رویت و صدها قرار دادهای دیگر که دولتمردان خود فروش قاجار مال و ناموس و حیثیت ایرانیان را به خارجی ها می فروختند و امروز عجب نیست که حرام زاده های حکومت ولایت فقیه دریای خزر ؛ خلیج فارس و جزایر جنوب را تقدیم اربابان خارجی خود کند و مشتی پدر سوخته دلال هم در لباس روزنامه نگار ؛ مفسر سیاسی و بافکار و عواطف مردم بازی کنند تکرار تاریخ درس عبرت از گذشته نگرفتند بزرگترین آفت یک ملت است ایکاش در آغاز سال نو حداقل هر ایرانی با خواندن سرگذشت تلخ گذشتگان سرزمینشان بداند چه بر سر کشورش آمده است .

م. سرایی

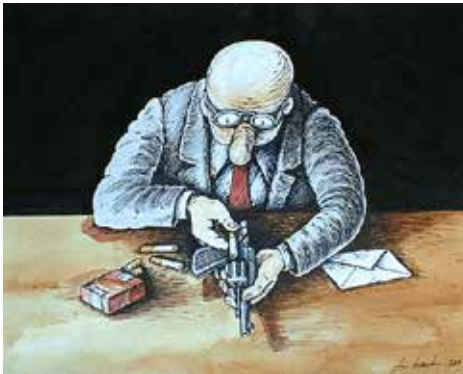
ایران در سالی که گذشت

براستی تجزیه و تحلیل یکساله گذشته بر حوادث سیاسی ایران نشانگر چه خواهد بود ؟ ما خواب زدگان درسهای تاریخ صد و چند ساله هستیم این یک سالها چون آن صد سالها بر هم انباشته میشود ولی هر یک ساله اش را مرور می کنیم و دلخوش می شویم که هر یک به اندازه خواسته ها و عقاید و نظریاتمان برداشته کرده ایم

ایکاش در آستانه سال جدید می توانستیم فقط یک آرزو داشته باشیم و این آرزو فقط یک خواهش ملی از هموطنانم بود که فقط سری به یک کتابفروشی یا کتابخانه بزنند و کتابی در باره حوادث سیاسی دوران قاجار را در ایران بخرند و مطالعه کنند این آرزوی بنده می تواند موثرترین تجزیه و تحلیل باشد و بجای اینکه به امروز خود رنگ بازیهای سیاسی بی حاصل و بدون پشتوانه تحفیفی بدهیم بدانیم در حداقل یک برهه سیاسی کشورمان بر سر پدران و مادرانمان چه آمده است نوکران و جیره خواران اجنبی پرست در لباس شاه و وزیر ؛ وکیل ؛ شاعر و نویسنده ؛ روزنامه نگار و چگونه سرزمین شان را برای گذراندن ایام به ارزانی می فروختند و مردم و عواطف و احساساتشان و سرنوشت شان مطاعی بود برای این جماعت بی وجدان و خود فروش در دوران های گذشته و هر گاه وطن پرستی قد علم کرده و برای منافع ایران و ایرانی جنگید همه آلودگان به زر و سیم و قدرت بساط نابودیش را با مکر و حیله و نیرنگ فراهم کردند و ملت بازی خورده ایران هم فریب ظاهر صحنه را خورده اند

آرزو می کنم فقط بعنوان یک وظیف انسانی ؛ ملی ؛ میهنی و اخلاقی فقط یک کتاب از دورانهای سیاه گذشته کشورمان را بخوانیم و با مقایسه آن با امروز بخوبی در خواهیم یافت که فقط فرم های ظاهری عوض شده ولی محتوا و ماهیت انسانهای خود فروش تاریخ کشورمان

حرف اول، آخر سال و سخنی با دوستان دغلکار



آیا شما هرگز در زندگیتان به عزیز ترین کسان خود حرف تندی زده اید؟! مثلاً حتی به فرزند دل‌بند و جگر گوشه نازنین تان نگفته اید: توله سگ! کره خر! بیشعور! پدر سگ و و از این قبیل کلمات متعارف و رایج که برگزیده ترین و مودبانه ترینشان از قبیل همین جمله هاست

کسانی که طی حداقل سی سال گذشته بعنوان رهبران گروه‌های سیاسی : روزنامه نگار : مفسر سیاسی : نویسنده : شاعر و ترانه سرا و فعالیت داشته و دارند ولی صدها چرخش : گردش و ویراژ داده اند و در هر بره ای از زمان با تفرندی عوام‌فریبانه با ملت ایران بازی کرده اند و طی این سالها بعنوان چرخ پنجم درشکه رژیم باعث شده اند کشور ثروتمندی چون ایران مردمش به فقر و فلاکت و بدبختی برسند میلیونها جوان در دام هولناک اعتیاد و فحشاء و سقوط بیفتند صدها هزار انسان بیگانه اعدام : زندانی و کشته شوند و این بازیگران همراه و هم خرج و همدست رژیم در خارج از کشور و کنار دست ما زندگی می کنند و هر روز به رنگی در می آیند ژست انسانی : ملی و میهنی می گیرند مودب حرف می زنند و قشنگ ادا در می آورند به ریش همگان می خندند مسلماً شما که ریش ندارید ناراحت نمیشوید و با بر می خورد که بازیچه اینان باشیم پس برخورد واجب و مبرهن می دانه چون شاگرد چموش به این سگان گله حکومتی در خارج بپردازیم و کارنامه های تولیدی خودشان را ورق بزنیم «البته با اجازه شما» اگر ناراحت نمیشوید و حداقل وظیفه خود را انجام دهیم هر چند شما اربابان اخلاق جامعه به کلمات بد ما اعتراض به عرش اعلاء می برید برای ما اسامی تازه تری خلق کنید که معانی آن هم با رفتار و کردار گذشته انسان بخواند تا ما دیگر از کلمات عذاب دهنده ضد اخلاقی استفاده نکنیم که شماها را که چون گلبرگ نازک و شکننده هستیید آزار دهد.

کلماتی بدآموز را ندارد و وقتی در مجله ای می خواند که به افرادی توهین شده و حرام زاده : پفیوز و گفته اند دنیا دور سرش می چرخد و صدای ویرانی دیوارهای اخلاقی را می شنود و غمگین و عصبانی و خشمگین البته بدون بکارگیری الفاظ بد عصبانی از جنس عاطفی و نویسندگان این جملات را از اخلاق تهی و از مرام انسانی بیرون می داند بطور قطع در کشورهای بیگانه هم مسلماً اینگونه زندگی می کند که الگویی اخلاقی - انسانی برای خارجی هاهم باشد از ادارات دولتی دیناری کمک نمی گیرد به شغل و کاری بقولی «سیاه» دست نمی زند

هرگز وام بانکی : کارتی : قبض های برق و تلفنی را پرداخت نشده نمی گذارد برای اجازه اقامت گرفتن در کشورهای بیگانه هرگز مدرک یا سندی به دروغ و قلابی ارائه نداده است و

خلاصه داستان دوستان عزیز در این آخر سالی که به پیشواز سال جدید می رویم به همه شما مباشران اخلاق : پیامبران وجدان و رهبران اخلاقی جامعه می گویم: اگر از کلماتی که ما در باره افرادی بکار می بریم که این افراد صد چهره و هزار کارنامه هستند و اثرات تولیدات و نوشتاری : گفتاری و تصویری آنان باعث عقب ماندگی : فریب و سرخوردگی جامعه میشود و باعث تقویت و دوام رژیمی جنایتکار مانند جمهوری اسلامی میشود خواهشمند است در فرهنگنامه لغات متعالی خود جایگزینی از جملات بهتر برای چنین افرادی را برای ما ارسال دارید که در سال آینده استفاده نمائیم

حالا شما که خود بارها و بارها با عزیزان خود اینگونه سخن می گوئید البته اگر مدعی نشوید که نخیر بنده با فرزندان و همسرو عزیزانم که اینطور حرف نمی زنم حتی با غریبه ها و در مشاجره و دعوا هم از این جملات استفاده نمی کنم؟! البته اگر شما چنین ادعایی دارید مسلماً چند ویژه گی برجسته و ممتاز دیگر هم دارید که به آن خصلت نیکویی شما اضافه می گردد یعنی اینکه شما از جمله کسانی هستیید:

منزلتان در زعفرانیه : محمودیه و جریش بوده و از میدان ونک به پائین را نمی دانید به کجا می رسد

شما چند لیسانس فوق تخصص و مشاغل مهم در ایران داشته اید که همه را بخاطر مسائل اخلاقی و معنوی رها کرده اید شما از خانواده ای اصیل هستیید که معمولاً بعد از ظهر پدرتان با شاه پالوده می خورده و تخته نرد بازی می کرده و بارها به شاه تذکر داده که دست از اینکارهایش بردارد و شاه گوش نکرده و باعث بدبختی همه شده است شما در ورزش قهرمان : در ارتش تیمسار و در اداره مدیر کل یا محله کدخدا بوده اید انکار هم نکنید و شکسته نفسی هم نفرمائید چون کسی که در عمرش به مورچه هم نگفته است کره خر صد در صد باید ویژه گی های بالا را هم داشته باشد اصلاً انتخاب شما نیست اجباری است چون لاف در غربت که شما برچسب اخلاقی آن را بر سینه زده اید ویژه گی های بالا را برایتان به ارمغان آورده است مسلماً شما در خارج از کشور هم دارای مشخصات ویژه دیگری هم هستیید چون وقتی کسی که تحمل خواندن و شنیدن

تصحیح یک اشتباه

در اولین مجله تصویری رنگارنگ که سرود ، ترانه بجنگ تا بجنگیم را شما عزیزان ملاحظه می کنید متأسفانه نام سراینده شعر این سرود سعید گل آوا عنوان شده که تصحیح آن (سعید گیل آوا) می باشد

جوایز اسکار به چه کسانی رسید ؟

درباره هنری کیسنجر بسازند تعریف کرد و گفت: «صادفانه بگویم کاری که ما حالا انجام می دهیم همان حس را در ما ایجاد می کند.»

جایی برای پیرمردها نیست که در اسکار امسال رقاباتی چون تاوان، جونو، مایکل کلایتون و خونی ریخته خواهد شد را کنار زد، بر اساس زمانی که کورماک مک کارتی ساخته شده و بستر وقایع آن بیابان های غرب تگزاس است.

این فیلم به جز سه جایزه اصلی بهترین فیلم، کارگردانی و فیلمنامه، جایزه بهترین بازیگر مکمل را هم برای خاویر باردیم، بازیگر اسپانیایی که در فیلم های مختلف خوش درخشیده بود، به ارمغان آورد.

وی به هنگام دریافت جایزه گفت: «از کوئن ها که به اندازه کافی خل بودند که مرا برای این نقش انتخاب کردند و یکی از وحشتناک ترین آرایش های موی سر را برای من در نظر گرفتند. تشکر می کنم.»



جایزه بهترین بازیگر مرد در نقش اصلی به دانیل دی لوئیس برای نقش آفرینی دیدنی اش

هشتادمین دوره مراسم اسکار که مهمترین جایزه سینمایی آمریکا محسوب می شود، در سالن باشکوه کدک در بلوار هالیوود لس آنجلس برگزار شد تا شبی به یادماندنی برای برادران کوئن باشد.



برادران کوئن که طی سال ها فیلمسازی جوایزی چون نخل طلای جشنواره کن را هم به دست آورده بودند، امسال با فیلم جایی برای پیرمردها نیست با دریافت جوایز اصلی اسکار برای بهترین فیلم، بهترین کارگردان و بهترین فیلمنامه اقتباسی، بزرگ ترین موفقیت کاری خود را طی بیش از دو دهه فیلمسازی رقم زدند.

جوئل و اتان کوئن که در سال ۱۹۹۶ هم برای دریافت اسکار بهترین کارگردان نامزد اما موفق به دریافت جایزه نشده بودند، این بار با فیلم تریلر خود درباره اشتباهی که در معامله مواد مخدر صورت می گیرد و تعقیب و گریزی که بین سه شخصیت آغاز می شود، توانستند نظر کاملاً مساعد رای دهندگان را جلب کنند و شب اسکار را از آن خود کنند.

جوئل کوئن به هنگام دریافت جایزه، داستان فیلمسازی خود را در دوران کودکی که دوربینی را به فرودگاه برده بودند تا فیلمی

قنادی و خشکبار بهار و سوپر مارکت زمان

صد سال به از این سالها

بازارچه ای در قلب کنزینگتون

کلیه وسایل سفره هفت سین

آجیل، تازه ترین سبزیجات و میوه های ایرانی

گوشت و مرغ حلال

ویدیو کلاب زمان بهترین کاست، سی دی و ویدیوهای ایرانی را با تخفیف ویژه در اختیار شما قرار می دهد.

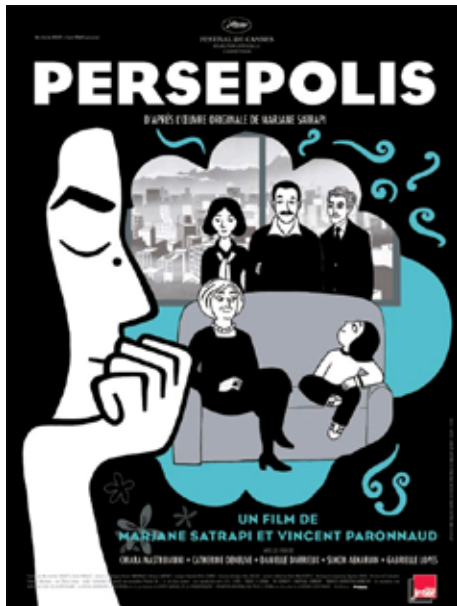


Tel: 020 7603 8909

347 Kensington High St. W8

که رقیب قدری چون یانوش کامینسکی هم داشت - دست خالی به خانه نرفت.

جایزه بهترین فیلم خارجی زبان هم که نامزدهای بحث انگیزی داشت و برخی از بهترین فیلم های سال. جایی در میان کاندیدا نداشتند. به فیلم اتریشی جاعلان ساخته استفان روزوویتسکی که بر اساس یک داستان واقعی درباره وقایع حول و حوش هولوکاست



ساخته شده. تعلق گرفت.

جایزه بهترین انیمیشن هم از آن فیلم راتاتوی شد. در حالی که پرسپولیس. ساخته مرجان ساتراپی هم نامزد این جایزه و ناکام این شب بود.

بازنده های اصلی امسال. فیلم فرانسوی تحسین شده جولیان شنانل با عنوان زنگ شیرجه و پروانه بود که به رغم نامزدی چهار



جان استیوارت. کمدين معروف آمريكايي كه دو سال قبل هم اجراي مراسم را به عهده داشت. امسال هم عهده دار اجراي مراسم بود و در ميانه كار با اشاره به داستان فيلم دور از او درباره زني كه شوهرش را فراموش كرده. با هيلاري كلينتون و ماجراي رسوايي بيل كلينتون شوخي كرد.

جایزه بهترین فیلمنامه غیر اقتباسی هم به دیابلو کودی برای فیلم جونو رسید؛ نویسنده و روزنامه نگار جوانی که فیلمنامه کمدی اش درباره بارداری ناخواسته یک نوجوان مورد توجه واقع شد.

خونی ریخته خواهد شد. ساخته تحسین شده پل تامس اندرسون. هرچند بر خلاف پیش بینی ها نتوانست جوایز اصلی را از آن خود کند. اما با دریافت دو اسکار بهترین بازیگر مرد و بهترین فیلمبرداری - برای فیلمبرداری رابرت السویت

در فیلم خونی ریخته خواهد شد تعلق گرفت. در حالی که رقبایی قدرتمندی چون جانی دپ و جرج کلونی. بازنده های این شب بودند.



اما همان گونه که همه پیش بینی می کردند. جایزه بهترین بازیگر زن به ماریون کوتیار برای بازی ستایش برانگیزش در نقش ادیت پیاف. خواننده شهیر فرانسوی. در فیلم زندگی به رنگ گل سرخ. تعلق گرفت و بازیگران باسابقه ای چون جولی کریستی و کیت بلانشت از دستیابی به اسکار محروم شدند.

بعد از ۱۹۶۰ که اسکار بهترین بازیگر زن به سیمون سینپوره رسید. این اولین اسکار فرانسوی ها در این رشته است و پس از ۱۹۶۴ این اولین بار است که اسکار بهترین بازیگر زن به یک خارجی زبان می رسد. شیطنت های کوتیار و دستپاچه شدن او به هنگام دریافت جایزه. این بخش را به یکی از جذاب ترین بخش های مراسم تبدیل کرد.

نوروزتان پیروز

پخش کننده انواع شیرینهای خشک و تر، زولبیا، بامیه، رولت خامه ای و کیک های تولد و عروسی



با بیش از ۱۰ سابقه در تولید، واردات و پخش انواع شیرینیجات به سوپر مارکتها، رستورانها و مراکز ایرانی و عربی

Irani Food Star
Unit B13
7-11 Minerva Road,
Park Royal, London,
NW10 6HJ

Tel: 020 8537 9019 Fax: 020 8537 9020

Mob: 07958 323 377 / 07830 071 015

هر روزتان نوروز

هم اکنون کلیه اجناس خود را به صورت جزئی نیز به هموطنان عزیز ارائه می دهد

سفارشات غذایی جهت برگزاری جشنها و مهمانیهای شما توسط آشپزهای درجه یک ایرانی



مستند کوتاه: free held
فیلم کوتاه انیمیشن: پتر و گرگ

ترکیب صدا: اسکات میلان، دیوید پارکر و
کرک فرانسیس برای اولتیماتوم برن

تدوین صدا: کارن بیکر لندرز و بر هالبرگ برای



جایزه و پیش بینی های پیش از اسکار، دست خالی به خانه رفت.
همین طور فیلم مایکل کلایتون که با نامزدی در هفت رشته، تنها یک جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل را به دست آورد.
سایر جوایز اسکار بهترین های سال ۲۰۰۸ به شرح زیر اعلام شد:
موسیقی متن: داریو ماریانلی برای تاوان
بازیگر زن نقش مکمل: تیلدا سوئینتون برای مایکل کلایتون
طراحی لباس: الکساندرا بایرن برای الیزابت: دوران طلایی
فیلم کوتاه: موتزارت جیب برها
فیلم مستند بلند: تاکسی به مقصد تاریکی



ESSI'S DRY CLEANING

خشکشویی اسی سال نو مبارک

با بهترین سرویس در خدمت هموطنان عزیز

در این ایام از تخفیف ویژه نوروزی
۱۰٪ ما بهره مند شوید



شما لباسهای شب: جیر و چرم خود را با خیال آسوده تحویل ما دهید و مطمئن باشید
با آخرین دستگاه های مدرن خشکشویی و آن را تحویل شما خواهیم داد

کلید سازی
تعمیرات کفش

سرویس مجانی رساندن سفارشات
شما به منزلتان در منطقه لوکال

سرویس تمیز کردن فرش و موکت
سرویس پرده شویی و مبیل شویی

تعمیرات : رفو و
کارهای خیاطی

Address: 7 KILBURN HIGH ROAD NW6 6HT

TEL:02073280798

MOBILE:07838164700

فعال شدن کدهای امنیتی بیمارستان برای حفاظت از بچه های جنیفر لופز

این خواننده که قرار است دوقلوهایش را در انتهای این ماه به دنیا بیاورد از پرسنل مرکز درمانی نورث شور خواسته که تا قبل از حضور او به این اتاق وارد نشوند.

همه چیز برای حضور جنیفر آماده است و حتی در این اتاق یک تخت چرمی هم وجود دارد و به مدت دو هفته است که خالی نگه داشته شده و هیچ کس حق ورود به این اتاق را تا زمانی که خود جنیفر حضور داشته باشد، ندارد. این بیمارستان یک اتاق مجهز به تلویزیونی بزرگ که دارای کفیوش چوبیست برای این خواننده ۳۸ ساله در نظر گرفته است. به تازگی مشخص شده که بیمارستان سیستم خبردهی آدم ربایی را فعال کرده و در بخش های مختلف از کدهایی امنیتی و خاص استفاده می کنند که مبادا نوزادان جنیفر را برابند. جنیفر آن قدر در مورد بارداری و زایمان خود هیجان زده است که دائم راجع به آن صحبت می کند



همجنس بازی اعتراض آمیز شارون استون

شارون استون می خواهد که یک همجنس باز باشد.

این بازیگر زیبای هالیوودی از مردهایی که رفتارهایی زنانه دارند خسته شده است و ترجیح می دهد با زنی که رفتارهایی مردانه دارد در ارتباط باشد.

او گفت: «امروزه مردان رفتارهایی زنانه دارند و برقراری ارتباط با آنها بسیار سخت شده است. من مردان سنتی را دوست دارم با رفتارهایی مردانه و البته اندامی مردانه و امروزه تنها کسانی که مانند مردان رفتار می کنند در واقع زنان هستند!»

در سال ۲۰۰۶ صحنه های سکسی همجنس بازی از فیلم «غریزه اصلی ۲» که شارون در آن ایفای نقش می کرد به خاطر این که بسیار هیجانی و گرم بودند (و البته شرم آور) حذف شد.

او گفت: «ما یک صحنه عاشقانه سه نفره را فیلم برداری کردیم و آن دختر هم بسیار زیبا و البته سکسی بود و این بازیگر جذاب فرانسوی و میزان محبوبیت فیلم و در نظر گرفتن بینندگان ما را بر آن داشت که این صحنه ها را از فیلم حذف کنیم. به خاطر این که این صحنه ها فوق العاده هیجانی و هات بودند!!!»

هنرمندی خارق



آنجلینا جولی ۲ قلو باردار است

گفته شده آنجلینا جولی ۲ قلو باردار است. او و همسرش براد پیت خبر خوشحال کننده ای را اوایل این هفته دریافت کردند و به سرعت برنامه سفرشان به اروپا را لغو کردند.

براد و آنجلینا کاملاً خوشحال شده اند و به وجد آمده اند. اما آنها هنوز می خواهند فرزند خوانده دیگری را بپذیرند. آنجلینا فرزندش شیلوه را در ماه می ۲۰۰۶ در نامیبیا به دنیا آورده است.

این ستاره و براد همچنین ۳ فرزند خوانده به نامهای مادوکس پسری ۶ ساله از کامبوج، پاکس پسری ۴ ساله از ویتنام و زهرا دختری ۳ ساله از ایتوی دارند.

اوایل این ماه وقتی آنجلینا از خوردن مشروبات الکلی در مراسم اهدا جوایز «کریستکس» امتناع کرد، شایعه حامله بودن ظاهر شد و گفته شده او می خواهد برای کارهایش برنامه ریزی کند تا بچه دیگری داشته باشد.

آنجلینا قبلاً گفته بود: «من و براد دوست داریم بچه های زیادی داشته باشیم من همیشه می خواستم خانواده بزرگی داشته باشم. براد هم مثل من اینطور می خواست. ما از بودن با بچه هایمان لذت می بریم. آنها خصوصیات بزرگی دارند. تماشا کردن به بزرگ شدن آنها واقعا جالب است.»

انزجار تام کروز از بدنمایی اش

این بازیگر هالیوودی بعد از اینکه در هفته گذشته چندین ادعای نامعقول درباره آلودگی او به بعضی مواد مخدر در سایتی اینترنتی رخنه کرد، به شدت عصبانی شد. در این سایت اختشاش های روانی او و تلاش هایش برای ترک اعتیاد که اخیراً اتفاق افتاده است و مطالعات او برای شناخت مذهبی خودش را به مسخره گرفته و آنها را به رخ او کشیدند. تمام اظهار کرده بود که فقط افراد متافیزیکی می توانند برای ساماندهی به این افراد کمک کنند و او ادعا کرده بود که او برای انجام این کاروقف شده است.

پاولا ونگر رفیق تجاری تام و دوست بسیار نزدیک او حرف های دوستش را تأیید کرد و آن فیلم ویدیویی را یک فیلم بیهوده و نامعقول عنوان کرد. او گفت: «من به عنوان یک آمریکایی و یک فیلم ساز می گویم که قویاً احساس می کنم که عقیده های مذهبی خاص هر فرد نباید باعث ایجاد مسئولیت سنگینی در زندگی حرفه ای آنها شود.»

«این خیلی کار راحتی است که یک فیلم ویدیویی، فردی مثل تام کروز را که بهترین انسانی است که در تمام زندگی خود می شناسم را به مسخره بگیرد. ولی این کار آنها به هیچ وجه از ارزش های او کم نخواهد کرد.»





توصیه هایی برای جراحی زیبایی

گرفتن نیازمند عملهای تکمیلی یا تجدید نظر هستند. این درمانهای تکمیلی لزوماً به این معنا نیست که جراح کار خود را درست انجام نداده باشد. در بعضی موارد چنین برنامه هایی نشانه کمال گرایی پزشکی معالجات شماست که قصد دارد عمل، به بهترین شکل ممکن اجرا شود. توجه کنید پزشکی که انتخاب میکنید حتماً دارای مدرک پزشکی عمومی و تخصص جراحی پلاستیک باشد. جراحی پلاستیک عمل گرانی است. پس باید توجه کنید که برای پولی که پرداخت میکنید، دقیقاً چه چیزی به دست میآورید. به هیچ وجه گول ظاهر شسته و رفته تبلیغات جراحی ارزان را نخورید.

بعضی عملهای زیبایی - مانند کشیدن پوست - برگشت پذیر هستند. درباره طول عمر تقریبی نتیجه عمل سؤال کنید و بپرسید که آیا این عمل باید پس از مدتی تکرار شود یا خیر.

هرچند تزریق بوتاکس (Botox) جراحی نیست، اما با توجه به اینکه جزو درمانهای زیبایی محسوب میشود در اینجا به آن پرداخته ایم. درباره تزریق بوتاکس نیز باید حقیقاتی کافی به عمل آورید زیرا نتایج ناگواری مانند عفونت یا چهره بی حالت، از جمله عواقب تزریق ناشیانه هستند.

تزریق بوتاکس باید توسط پزشک متخصص و کاملاً آموزش دیده انجام شود. پزشک خوب، در مورد اولین تزریق بوتاکس بسیار محافظه کارانه عمل کرده و تنها مقدار اندکی از آن را برای شما تزریق میکند، زیرا نمیداند که بدن شما چه واکنشی نسبت به آن نشان خواهد داد.

تزریق بوتاکس پس از انجام تزریق بوتاکس، توجه کنید که صورت شما باید عمودی قرار بگیرد. شما نباید تا مدتی ورزش کنید و تا چهار ساعت پس از تزریق نیز نباید صرت و لمس نمایید. در غیر اینصورت، این ماده شل کننده عضلات، از محل تزریق حرکت کرده و موجب میشود چهره شما بی حالت و افتاده شود.

هرچند این روزها انجام تزریق بوتاکس، لایه برداری پوست و تزریق مواد پر کننده (برای لب و گونه) همه در زمانی کوتاه انجام پذیر است، اما هرگز به دنبال یک هوس آنی به دنبال انجام آن نباشید.

ابتدا به خوبی درباره آن فکر کنید و سپس

اگر قصد دارید عمل جراحی زیبایی انجام دهید، نکات بسیار مهمی را باید در نظر بگیرید. به یاد داشته باشید که جراحی زیبایی، در بسیاری از موارد بازگشت پذیر نیست و به همین جهت امور مربوط به آن نباید سراسری گرفته شود.

اول از هر چیز شما حتماً باید با پزشکی که قرار است شما را جراحی کند ملاقات کنید. هرگز نباید تنها با دیدن مشاور یا پرستار وی و گرفتن اطلاعات از آنان، با پزشک قرار جراحی بگذارید.

اگر پزشک مورد نظرتان واقعا خوب باشد، باید مراحل عمل را با جزئیات برای شما تشریح کند. عکسهایی از بیماران دیگر خود به شما نشان دهد و امکان گفتگوی شما را با یکی دیگر از مراجعان خود که عملی مشابه عمل درخواستی شما انجام داده، فراهم کند.

از سؤال کردن نترسید. درباره محل تحصیل، گواهینامه و تخصص پزشک و همچنین تعداد دفعاتی که عمل مورد نظرتان را انجام داده سؤال کنید. طبعاً تمایل ندارید جراحی بینی خود را به دست کسی که معمولاً عمل زیبایی سینه انجام میدهد، بسپارید. پزشک مورد نظر باید درباره درصد بروز مشکل در عملهای خود مانند تجدید عمل، عوارض جانبی و عفوونها توضیح دهد. اگر به اندازه کافی سؤال نپرسید، احساس راحتی نخواهید داشت.

اگر قرار است از بین دو جراح که دارای تجربه و صلاحیت مشابه هستند، یکی را انتخاب کنید، به پزشکی که خودتان بیشتر با او راحت هستید و احساس میکنید بیشتر به شما اهمیت میدهد، رای دهید.

حدود ده درصد از جراحیهای زیبایی، پس از انجام



با نزدیکان خود مشورت نمایید. باید از آنچه میخواهید به درستی اطلاع داشته باشید و سپس به پزشک مراجعه کنید. به این ترتیب هنگام صحبت با پزشک، اشتباهات به انجام عملی دیگری که قصد انجامش را ندارید، وادار نخواهید شد.

در صورتی که بلافاصله هیچ نتیجه ای مشاهده نکردید، وحشت زده نشوید. بوتاکس برای اثربخشی کامل به یک هفته زمان نیاز دارد. انجام اموری چون لایه برداری نیز پس از حدود ۶ جلسه نتیجه خود را ظاهر خواهد کرد و شما پس از این مدت شاهد تغییرات پوست خود خواهید بود.

همواره جراح زیبایی مورد نظر خود را در شهر خود و ترجیحاً در فاصله نزدیک به محل زندگی خود انتخاب کنید. زیرا به احتمال فراوان بارها به وی مراجعه خواهید کرد. و قطعاً قصد ندارید هر مرتبه برای معاینه، ساعتها در راه باشید.

جراحی زیبایی را تنها برای خود انجام دهید نه اینکه شبیه شخص دیگری شوید. نکته مهم این است که شما با هر مرتبه عمل زیبایی، باید تحت بیهوشی کامل قرار بگیرید. پس در این قسمت هم خطراتی وجود دارند. بسیاری از افراد تصور میکنند که اگر با یک جراحی تمام میشود، اما انجام یک عمل موفق زیبایی موجب میشود که بازهم به دنبال جراحیهای دیگری در این زمینه باشیم. باید به تمام عواقب و خطرات آن توجه کنیم. هرگز به خاطر کسی، مثلاً همسران، تن به جراحی زیبایی ندهید. اگر او شما را با ظاهر فعلیتان دوست ندارد مشکل با جراحی حل نمیشود. پس تنها در صورتی که قصد دارید کاری برای خودتان انجام دهید، به دنبال جراحی زیبایی باشید.

درباره دوران بهبودی و نقاهت فکر کنید. بعضی از عملهای جراحی زیبایی به دوران

صد سال به از این سالها

کلینیک زیبایی

دکتر عباس شیرافکن، دکتر ویلیامز و دکتر لورن
و بیوتراپیستهای با سابقه



Special offer

Eyebrow

Eyebrow Shape (tidy) £5

Waxing

Legs Full £15

Brazilian £12

bikini Line £5

Back Men £15

Chin Threading £5

Chin Threading £5

(Free Consultation)

مشاوره رایگان توسط دکتر عباس شیرافکن : همه روزه از ساعت
۴-۷ بعد از ظهر و شنبه ها تمام روز در Lemoge Clinic Kilburn

با ارایه این آگهی
از ۱۰٪ تخفیف ویژه
برخوردار گردید



۱- لیزر برای از بین بردن مو: صورت 45 £ زیر بغل 35 £ چانه 20 £

بالای لب 20 £ بیکینی 45 £ پا 99 £ پشت و یا سینه و شکم آقایان
95 £ پشت گردن 30 £ گونه ها 30

۲- تزریق بتاکس در ناحیه پیشانی و اطراف چشم ، اطراف دهان و کنار
بینی برای از بین بردن چروک از 195 £ به بالا ، بزرگ کردن لب 250

۳- از بین بردن مویرگهای قرمز 35 £ لایه برداری پوست صورت 35 £
جوان کردن پوست

۴- تمیز کردن صورت از 16 الی 50 کلیه درمانهای زیبایی الکترولیز
۵- لایه برداری پوست صورت 35 £ پوند

۶- Contact Lens, Freshlook رنگی برای ایرانیان 10 £ پوند

۷- جدیدترین مدلهای آرایش و رنگ مو انواع کوتاه کردن مو از 5 £ و
آرایش عروس پوت آپ

کلیه درمانها طبق خواسته شما توسط متخصصین خانم و
یا آقا در اطاق خصوصی انجام می گیرد

LEMOGE CLINIC

020 73720044 020 73724433

191 Kilburn High Road

London NW6 7HY (near Bingo)

Mon-Fri 9:30 - 7 Sat 9-6 / Sun 10-5:30



شماره اول مجله تصویری رنگارنگ از نوروز ۱۳۸۷ در سراسر جهان

حضور دهها چهره محبوب؛ سرشناس و حرفه ای با برنامه هایی
متفاوت و دیدنی از اول فروردین ۱۳۸۷ در مجله تصویری
رنگارنگ



اطلاعیه مهم

از نوروز ۱۳۸۷ مجله رنگارنگ به همراه دی وی
دی فقط ۱/۵۰ پوند و در سراسر اروپا ۲ یورو
خواهد بود

مجله رنگارنگ پس از دهسال فقط ۵۰ پنس به قیمت
تک فروشی خود اضافه خواهد کرد و در مقابل
آن یک DVD دوساعته به همراه مجله رنگارنگ به
خوانندگان خود تقدیم خواهد نمود

این مجله تصویری با ارائه برنامه هایی حرفه ای و متفاوت که
نشان دهنده این است که یک رسانه تصویری باید دارای چه
ویژه گی های فنی؛ هنری و حرفه ای باشد در این مجله تصویری
مجموعه برنامه هایی بر اساس شناخت جامعه ایرانیان درون
و برون مرزی ارائه می گردد و برای نخستین بار هموطنانمان
شاهد حضور تصویری خواهند بود که در چارچوب یک رسانه
حرفه ای عمل خواهد کرد و منعکس کننده خواسته ها و نیاز
های واقعی تماشاگران خود خواهد بود که آنان را برنامه های
دیدنی و جذاب خود میخکوب کند

ورزش؛ فرهنگ و هنر؛ ادبیات جهان؛ کودکان؛ نوجوانان و
جوانان؛ سریال و نمایشهای کوتاه؛ سیاست، مسابقه و سرگرمی؛
هنر و هنرمندان؛ مد و شوهای لباس ایرانی؛ برگزیدن دختران
و پسران شایسته ایرانی و دهها برنامه متنوع و جالب که ایرانیان
را شگفت زده خواهد کرد

کسانی که مایل هستند در این مجله تصویری با ارائه برنامه های
جدیدی از جمله ورزش، مد و مدلینگ؛ خوانندگی و بازیگری
همکاری کنند با شماره ۰۲۰۷۶۰۴۴۲۶۶ تماس حاصل نمایند



با سابقه ۲۰ ساله

IMPERIAL BUILDING CONTRACTORS

شرکت ساختمانی امپریال

به مدیریت مهندس سیاوش معمارزاده

کلیه امور ساختمانی از طراحی تا اجرا - تعمیرات داخلی و خارجی
دکوراسیون و نقاشی - امور لوله کشی و برقکاری و نجاری
متخصص در امور نصب آشپزخانه و حمام - کاشیکاری و کفپوش

مشاوره رایگان با قیمت های مناسب

www.imperialbuilders.co.uk

TEL/FAX: 08452 260 747 & 08452 260 757

MOBILE: 07775 803 338





ثروتمندترین مانکن های دنیا !

لیندا اواگلیستا، سوپر مدل مشهور، در سال ۰۹۹۱ ادعا کرد که: «ما برای کمتر از ده هزار دلار در روز بیدار نمی شویم.» او در این مورد به خودش و کریستی تورلینگتن استناد کرد. که هر دو آنها جزء چند مدلی بودند که این صنعت را با رسیدن به شهرت و قدرتی همچون افراد نامدار و معروف دنیا، به سختی تکان دادند.

آنها توانستند در نمایش های کلامی شرکت کنند و نقش های سینمایی گرفتند. آنها دارای حق مصونیت شدند و برخی از آنها با ستارگان سینمایی دوست بودند یا با آنها ازدواج کردند (لیندا اواگلیستا با کیل مککلچن، کریستی تورلینگتن با اد برنز، سیندی کروفرودبا ریچارد گیر) و البته آنها ثروتمند و میلیونر شدند.

در لیست سال ۷۰۰۲ سایت فوربز، ژیسل بوندچن با سی و سه میلیون دلار درآمد، در صدر پردرآمدترین مانکن های دنیا قرار گرفته است. کیت موس با نه میلیون دلار دارایی در جایگاه دوم قرار دارد. که این مبلغ تقریباً یک سوم درآمد ژیسل بوندچن است. پانزده مدل در این لیست، بر اساس درآمد تخمینی آنها در در دوازده ماه گذشته، رتبه بندی شده اند.

ژیسل بوندچن یک مدل بسیار پرکار است که

قراردادهای بسیاری دارد؛ درحالی که بیشتر مدل های این لیست، تنها یک قرارداد اصلی و سه یا چهار تبلیغات فصلی دارند. بوندچن تقریباً در بیست تبلیغات شرکت دارد. او همچنین با دادن مجوز استفاده از نام خود در یک شرکت کفش برزیلی به نام گرندن، سالانه حداقل شش میلیون دلار درآمد دارد. اما به نظر می رسد که احتمالاً دارایی او در سال بعد کاهش می یابد.

دوران نرخ های ده هزار دلاری برای نمایش های راهرویی فشن به پایان رسیده است. مدل های برتر و عالی، دیگر در راهروهای نمایش شرکت نمی کنند. انجام این کار برای صدها دختر خارجی پانزده یا شانزده ساله، یک مرحله مقدماتی و انترنی محسوب می شود؛ آنها در هر فصل به راهروهای نمایش نیویورک، پاریس و میلان هجوم می آورند. این مدل ها هفتاد نمایش در طول شش هفته اجرا می کنند و در اولین فصل کار خود، برای هر یک ساعت حدود دویست و پنجاه دلار دریافت می کنند.

در دوران اوج موفقیت سوپرمدل ها، بیشتر مدل های برتر بومی بودند. مانند سیندی کروفرود از ایلی نویز، تایرا بنکس و کریستی تورلینگتن از کالیفرنیا. سپس با تغییر و پیشرفت در صنعت فشن، استفاده از مدل های خارجی

ترجیح داده شد. پنج سال قبل، سه مدل برزیلی بوندچن، لیما و امبرسیو مشهور شدند. اما آنها با داشتن لهجه های خارجی خود، نمی توانستند به راحتی مدل های بومی پیشین، در دنیای تلویزیون، نمایش های کلامی و فیلم های سینمایی وارد شوند و به جز بوندچن که چندین سال با لئوناردو دکاپریو دوست بود، بقیه در زندگی خصوصی خود تنها بودند.

چند فصل بعد، مدل های نوجوان اروپای شرقی به صحنه آمدند. آنها بسیار جوان تر از آن بودند که به ستاره های سینمایی تبدیل بشوند. شرکت های آرایشی نیز مانند بسیاری از طراحان، منحصر از افراد مشهور برای تبلیغات خود استفاده می کنند. به عنوان مثال اسکارلت جهانسون چهره تبلیغاتی لوتیس ویتون است و جسیکا آلبا با رولون همکاری دارد.

از مهمترین موارد برای خلق سوپرمدل ها در صنعت فشن، مجلات فشن بود. یک دهه قبل، مدل ها زینت بخش ده طرح جلد از دوازده جلد مجله آمریکایی وگو بودند. اما در سال گذشته تنها لیندا اواگلیستا، بر روی جلد این مجله قرار گرفت. اگرچه وگو منتظر زمانی است که مدل ها با غرور، جایگاه و موقعیت اشخاص مشهور و نامدار خود را اعلام کنند

دنیای مد برای جوانان جاذبه و کشی فوق

العاده دارد

در دنیای مد ثروت، شهرت و محبوبیت برای

ستارگان آن وجود دارد

چنانچه شما هم دلتان می خواهد در این

دنیای جذاب شرکت کنید می توانید شانس

خود را آزمایش کنید و با دفتر آژانس مدلینگ

حنا تماس بگیرید

Hannah
Modeling Agency

اولین آژانس رسمی ثبت شده طبق قوانین حقوقی و صنعتی در افغانستان اعلام موجودیت می نماید.

کسانی که مایلند به صورت حرفه ای فعالیت داشته باشند می توانند با دفتر این آژانس تماس حاصل نمایند.

Tel: 020 760 44 266



عباس مظفریان: فرارسیدن نوروز باستانی و سال نورابه هموطنان عزیزم در سراسر دنیا تبریک و شادباش میگویم





جواهرات منظمه برای زوجهای جوان خوش یمن و مبارک است





¹⁰⁻²²
Eis Cafe Limone
Subbelrather 363 , 50825 Köln
Tel&Fax +49(0)221557782 سفارشات



منصور نامی آشنا در صنعت تولید بستنی ایرانی و ایتالیایی

منصور نوروز باستانی، جشن ملی ایرانیان را به تک تک پارسی زبانان شادباش میگوید.

از هم اکنون شیرینی و بستنی منصور را در www.bazar2deal.eu سفارش دهید و یک روزه درب خانه دریافت کنید.



بازرگانی پامیر

Pamir Import & Export

فرارسیدن نوروز را صمیمانه به کلیه فارسی زبانان در
سراسر جهان تبریک عرض می نمایم



پامیر گلچینی از بهترینها

Grossmannstr. 70

D - 20539 Hamburg

www.pamir-food.de

Tel: 040 - 789 10 11

Fax: 040 - 789 10 44

pamir-food@t-online.de



امت اسلامی ، ملت ایرانی و نطفه نحس خمینی



امت اسلامی نامید و پاره دیگر بعنوان ملت ایرانی مورد تهاجم و تجاوز هر روزه امت اسلامی بودند

تغییر نام خلیج فارس به خلیج اسلامی نمونه ای از این تهاجمات خمینی است تبلیغات اسلامی حکومتی بر خلاف واقعیت‌های تاریخی اسلام که توأم با زور و اجبار و کشتار بود باعث رویگردانی آشکار اکثریت ملت ایرانی از ترویج چنینی چهره زشت و زمختی از اسلام خمینی بود ایرانیانی که کمتر فرصت تفکر و پژوهش در گذشته خود را داشتند به دلیل هویت گمشده به تلاش و جستجوی پرداختن نتیجه اولین تلاش این پژوهشگران مقایسه اسلامیت و ایرانیت بود.

در طول تاریخ هزار و چهارصد ساله حضور اسلامیت در ایران و عملکرد تجاوز عربها در مقابل مروجین اسلام که همه گاه توأم با خشونت و ویرانی و کشتار در سرزمین ایرانیان بوده است . شمشیر منطق و برهان زورگویان مدعی مذهب به شمار می رفته است و این منطق زور پس از رحلت حضرت محمد نیز کماکان در میان وارثان دارالحکومت اسلامی رواج داشته است . جنگ های بیشمار مذهبی در سراسر شبه جزایر عربستان بین مسلمانان دوران صدر اسلامی امری هر روزه بوده است که بخوبی آشکار می کند که دعوا بر سر اصول دین نبوده است زیرا کتاب آسمانی قرآن که حضرت محمد (ص) آن را از سوی خدا به ملتش اهدا کرد تمامی قوانین و دستورات زندگی اجتماعی هزار و

قبل از انقلاب ۲۲ بهمن سال ۵۷ در ایران مجموعه طبقات مردم بر اساس تعصبات دینی و ارزش های ملل و تاریخی در کنار یکدیگر زندگی می کردند .

تعرضی از سوی دینداران به ارزشهای ملی نبود و متقابل پاسداران فرهنگ و تاریخ و ملی گرایان ستیزی با مذهبپون نداشتند و در میان بسیاری هم با علاقه و اعتقاد به هر دو روی سکه بکار خویش مشغول بودند

حضور خمینی و دار و دسته اش بر پاککننده تضادی آشکار در تمامی زمینه های زندگی مردم ایران بود که مهم ترینش ترویج و توسعه خشونت در مقابل مظاهر فرهنگی تاریخی و ملی بود .

نفی و اهانت و توهین به تمامی مظاهر ملی باعث شده بتدریج شکافی عمیق در ایران بوجود آید و متعصبان مذهبی به پیروی از خمینی و اعمالش به ستیز مقابل ملی گرایان برخیزند (از جمله آثار باستانی تخت جمشید و تخریب قسمتهایی از مظاهر تمدن گذشته ایران)

عناد آشکار خمینی با مصدق بعنوان یک چهره ملی بخوبی این تضاد را نمایان می کرد و هر روز آن را دامن می زد

اسامی چهره های بزرگ تاریخ چند هزار ساله ایران که قهرمانان اساطیری مردم بودند به تمسخر و ریشخند از سوی حاکمان و دستگاه تبلیغات آنان قرار می گرفت و بنوعی ملتی دوپاره بوجود آمد که خمینی پاره دخواهش را

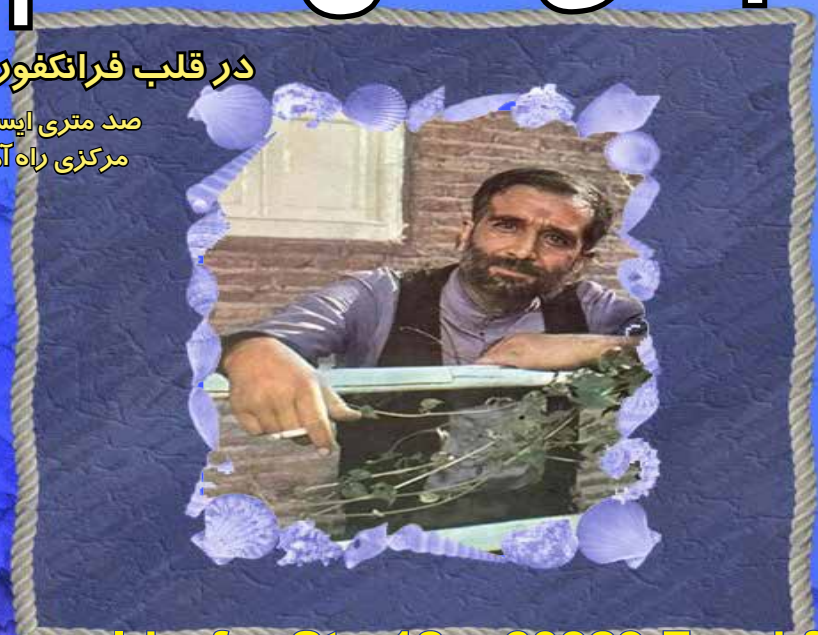
چهار صد سال پیش را بیان کرده است و این فرامین و دستورات بر ملتی نازل شده بود که از زندگی متمدن دنیا هزاران سال در همان زمان فاصله داشتند و بسیاری از تغییرات فرهنگی و اجتماعی در نماد زندگی عربها پس از پیدایش حضور دانشمندان و اندیشمندان ایرانی بوجود آمد

صد سال به از این سالها

بقالی مش قاسم

در قلب فرانکفورت

صد متری ایستگاه
مرکزی راه آهن



Dusseldorfer Str. 12 , 60329 Frankfurt

Tel & Fax: +49 (0) 69 / 52 27 62

www.maschghasem.com

در این روزای عید شری به ما بزنید

دروغ پران تا قبر آ... آ...

فیلی خوشاله می شیم بابام جان



فروشگاه مواد غذایی رویا در فرانکفورت مانند هر سال کلیه وسایل هفت سین و سایر مایحتاج نوروزی شما را تدارک دیده است.



**Stiftstr. 9-17 ,
60313 Frankfurt**

**Tel : +49 (0) 69 / 2999 2999
Fax : +49 (0) 69 / 1534 1328**

غنی و قابل ستایش خود و بروز استعدادها و لیاقت های انسانی و ایرانی می خواهد در خانواده متمدن امروز جهان جایگاه شایسته خود را دارا باشد و به جهانیان ثابت نماید که با امت اسلامی خمینی تضاد و اختلاف و فاصله ای زرف دارد.

اعمال و کرداری غیر انسانی که از سوی خمینی و وارثان او انجام میشود ارتباطی با ملت ایران ندارد سنگسار: چشم از حدقه درآوردن: قطع اعضای بدن: تازیانه در ملاء عام، زدن و وارونه به روی خر نشانیدن مربوط به خمینی و امت اوست که حتی اقتصاد را متعلق به خر می دانند یعنی علنی و آشکار اعلام می کند علم و دانش و پیشرفت که در سایه عقل و شعور بدست می آید متعلق به خر است به همین دلیل هم فرمان قتل نویسنده ای مانند سلمان رشیدی از افکار کسی مثل خمینی بر می آید و وارثان این افکار ضد بشری نیز کماکان بر اجرای چنین فرامینی پای فشاری می کنند از جمله خامنه ای: خاتمی: رفسنجانی و تمامی اهل بیت امت اسلامی خمینی کوچکترین مخالفتی با هیچ یک از فرامین اجرایی خشونت بار در ایران ندارند و به همین دلیل نیز هرگز کلامی: پیامی تمامی پیروان امت اسلامی بخوبی دریافتند که از جامعه انسانی ملت ایران طرد شده اند به همین دلیل هم برای زمینه سازی حیل ها و نیرنگهای خود بر خلاف اعتقادات و دیدگاههای ضد ایرانی خود بظاهر گرایش های ملی نشان می دهد و خود را در مسیر باد دخواه ملت ایرانی قرار می دهند و این در حالیست که ماهیت و بافت تاریخی این پیروان امت اسلامی هرگز هماهنگی و همگامی با خواسته های ملی:

جنگ هشت ساله با عراق بهترین آزمایش و مقایسه دو طرز تفکر در جامعه ایران بود بخصوص که سوی دیگر جنگ نیز کشوری با امت اسلامی بود و بخوبی آشکار شد که تجاوز به سرزمین و حریم جغرافیایی در مقابل هر دشمنی برای ایرانیان به منزله حفظ ارزشهای بعنوان ناموس وطن: خاک مقدس وطن و حفظ وطن متأثر از ریشه های تاریخی و ملی ایرانیان است و شعار اسلام در خطر است انگیزه ای برای حضور عمومی ایرانیان در جبهه های جنگ نبود به همین دلیل در دوران جنگ بر خلاف خواسته خمینی و طرفداران عقاید ضد ایرانی او سرود ای ایران مجوز پخش پیدا کرد تا احساسات ملی گرایانه مدافعین ایرانی را در مقابل دشمن خریک کند

تولد نسل جوانی که به دنبال منطق شعور و واقعیت روان است دیگر گوش به حدیث و روضه نمی دهد و در مقابل چشمانش تاریخی قرار دارد که به او هویت و شخصیت می دهد که بداند کیست و گذشته ای چند هزار ساله دارد که می تواند به آن ببالد که بسیاری از فرامین حقوق بشر در جهان زائیده افکار گذشتگان این سرزمین بوده است (بر سر در سازمان ملل نیز با افتخار از اشعار بزرگان ایرانی زینت یافته است) که باعث غرور و افتخار ملتی است که جلو دار و رهبر انسانی جهانیان است حضور ناآرام امت اسلامی خمینی که باعث ایجاد دلهره و ترس و وحشت در جامعه بشری امروز شده است و ترویج خشونت دوران بربریت در عصر تکنولوژی و علم و دانش فاصله های امت اسلامی و ملت ایرانی را هر روز عمیق تر کرده است ملت ایرانی با تکیه بر تاریخ و تمدن و فرهنگ

برابری قیمت با مرکز پخش ایران در فرانکفورت تضمین ما میباشد

نان بربری ایرانی بطول ۱ متر همراه با خشخاش فراوان فقط ۱ اورو

برای عید نوروز شیرینی خانگی موجود میباشد

نماینده شرکت پخش ایران در فرانکفورت

سفارشات جهت مراسم ازدواج، تولد و میهمانیها پذیرفته میشود

Sahand - Cafe & Bäckerei

Kaiser-Wilhelm-Ring 34

55118 Mainz (Nähe Mainzer Hauptbahnhof)

Phone: 06131 586007

فروشگاه و کافه قنادی سهند

اولین فروشگاه و کافه قنادی ایرانی در شهر ماینز

**سهند محیطی متفاوت با مجموعه ای که هر ایرانی آن را خواهد پسندید
عرضه کننده کلیه محصولات ایرانی غرغه کتاب، سی دی و دی وی دی
انواع شیرینجات، انواع ساندویچ نان های تازه و گرم**



ایرانیان ساکن آلمان مجله رنگارنگ را عضوی از خانواده فرهنگی می دانند

حقیقت را تعیین می کنند و صاحبان مشاغل و تجار و کسبه در آلمان هم لطف و حمایت شان را از مجله رنگارنگ نشان دادند که ثمره آن دهها پیام تجارتی است که گلچینی از معتبر ترین اسامی تجاری در آلمان می باشد این مهم بدون کمک و همیاری دوستان و یاران امکان پذیر نبود و همه گاه محبت محسن روحانی و خانواده محترمش مهرباد ملک زاده : کامران پارسایی و بخصوص بیژن آصفی و خانم شولتز همسرشان که در تمام این موفقیت پا به پای من در آلمان تلاش کردند و به واژه رفاقت و دوستی بیژن خان هویت بخشیدند و ثابت کرد که ارزش و اعتبار دوستی به زمان نیست بلکه به عملکرد است که جای دارد از همه این عزیزان تشکر کنم

رنگارنگ بسوی آلمان رهسپار شدیم و هر شماره مجله را با پیمودن بیش از سه هزار کیلومتر مغازه به مغازه به مراکز فروش رساندیم تا آنان نیز مجله را در اختیار فارسی زبانان قرار دهند که بتدریج چشمه برای این نشریه از راه رسیده بودند البته اندک افرادی تیپا خورده و بالا آورده سیاسی کار که صفحات مجله رنگارنگ ناقوس و طنین بر وجدانهای بفروش رفته آنان بود با کمک مجانی فروشان ورق پاره های بی هویت هم در یک خط با شایعات اینکه نشریه متعلق به مجاهدین است یا روزی دیگر مجله رنگارنگ را سلطنت طلبان خرجش را می دهند و از این قبیل اراجیف که خوشبختانه فارسی زبانان هوشیار و آگاه با حمایت و پشتیبانی بیشتر هر شماره نشان دادند که آنان هستند که

مجله رنگارنگ در آلمان به رکورد غیر قابل پیش بینی فروش دست یافت

بیش از ۸۰ مرکز فروش در سراسر آلمان رنگارنگ را در دسترس همگان قرار می دهند

بیش از سه سال تلاش و کوشش خستگی ناپذیر و تحمل بار سنگین مشکلات مالی و جسمی بالاخره موفق شدیم مهر تائید اکثریت ایرانیان ساکن آلمان را پائین مجله رنگارنگ بزنیم در طی این سه سال که زمینه سازی دوستی ها و آشنایی ها با بسیاری از هموطنانمان شد محبت : حمایت ها و پشتیبانی ها ی بسیار دیدیم تا حدی که کم لطفی : حسادت و تنگ نظری انگشت شماران را به دل نگرفتیم هر ماهه با کوهی از هزاران شماره مجله



وحید بصیری

وحید بصیری از استادان صاحب نام در هنر نواختن پیانو و کیبورد است او سالها با هنرمندان بزرگ و صاحب نام دنیای موزیک ایرانیان همکاری داشته است وحید هم مدتی است در رستوران هزار و یکشب در کنار ساغر به اجرای برنامه مشغول است و قدر مسلم حضور این دو هنرمند می تواند نشانگر برنامه هایی دیدنی و جذاب باشد

ساغر هنرمندی با صدایی دلنشین

ساغر را باید از جنس هنرمندان واقعی مردم نام برد سالهاست که می خواند الحق هم زیبا می خواند و دل مردم را شاد می کند بی ادعا و فروتن است با اینکه سنگینی کارنامه هنرش از وزن بسیاری از خوانندگان پر مدعا سنگین تر است او مدتهاست در رستوران هزار و یکشب در شهر بن برنامه اجرا می کند و ایرانیان با خانواده هایشان به دیدار او می روند و ساعاتی خوش و خاطره انگیز را سپری می کنند



ساغر

سال نو مبارک

پرایم بازار در دارمشتات

عرضه کننده کلیه مواد غذایی ایرانی کاست ، سی دی و فیلمهای ویدیویی

آژانس هوایی پرایم تراول

ارایه بلیطهای ارزان

با همکاری معتبرترین خطوط هوایی جهان

**Kasinostr.55,
64293 Darmstadt**

**Tel: 061515011993/4
Fax: 061515011990**





خدایان فدیة بدهد و آنها که به تنگ آمده اند جلسه می کنند و وزیر الهه را برای چاره جویی دعوت می کنند.

الهه که پیش از سفر از اتفاق های ناگوار آن اطلاع داشته، قبلا به او وصیت کرده بود که چه باید بکند.

به پیشنهاد وزیر خدایان موافقت می کنند یک نفر به جای الهه به زیرزمین برود تا او بتواند به زمین بازگردد و باروری دوباره آغاز شود. در روی زمین فقط یک نفر برای نبود الهه عزاداری نمی کرد و از نبود او رنج نمی کشید؛ و او دوموزی شوهر الهه بود. به همین دلیل خدایان مقرر می کنند. نیمی از سال را او و نیمه دیگر را خواهرش که «گشتی نه نه» نام دارد، به زیرزمین بروند تا الهه به روی زمین بازگردد.

دوموزی را با لباس قرمز در حالی که دایره، دنبک، ساز و نی لبک دستش می دهند، به زیرزمین می فرستند. شادمانی های نوروز و حاجی فیروز برای بازگشت دوموزی از زیرزمین و آغاز دوباره باروری در روی زمین است

حاجی فیروز و نوروز

مادر، شاه را برای شاهی انتخاب و با او ازدواج می کند.

دکتر صنعتی زاده این الهه را «ننه» یا «ننه خاتون» نام داده، معادل سومری آن «نانای» و معادل بابلی و ایرانی آن «ایشتر» و «آناهیتا» است. تا آنجا که می دانیم این الهه خدای جنگ، آفرینندگی و باروری است.

دکتر مزدپور داستان این ازدواج نمادین و اسطوره ای را که بنیادی ترین نماد نوروز است چنین شرح داد: «اینانا یا ایشتر که در بین النهرین است عاشق <دوموزی> یا <تموز> می شود» نام دوموزی در کتاب مقدس تموز است) و او را برای ازدواج انتخاب می کند.

تموز یا دوموزی در این داستان نماد شاه است. الهه یک روز هوس می کند که به زیرزمین برود. علت این تصمیم را نمی دانیم. شاید خودش الهه زیرزمین هم هست. خواهری دارد که شاید خود او باشد که در زیرزمین زندگی می کند.

اینانا تمام زیوراتش را به همراه می برد. او باید از هفت دروازه رد شود تا به زیرزمین برسد. خواهری که فرمانروای زیرزمین است، بسیار حسود است و به نگهبان ها دستور می دهد در هر دروازه مقداری از جواهرات الهه را بگیرند.

در آخرین طبقه نگهبان ها حتی گوشت تن الهه را هم می گیرند و فقط استخوان هایش باقی می ماند. از آن طرف روی تمام زمین باروری متوقف می شود. نه درختی سبز می شود، نه گیاهی هست و نه زندگی. و هیچکس نیست که برای معبد

جلسه میکنند و قرار میشود که نیمی از سال را «دوموزی» به زیر زمین برود و نیم دیگر سال را خواهر دوموزی که «گشتی ننه» نام دارد، به جای برادر به زیرزمین برود. وقتی دوموزی به روی زمین می آید، بهار میشود و تمام مراسم نوروز هم ظاهرا و احتمالا به دلیل آمدن اوست. وقتی دوموزی را به زیرزمین میفرستند، لباس قرمز تنش میکنند و دایره، دنبک، ساز و نی لبک دستش می دهند و این یعنی خود حاجی فیروز. صورت سیاهش هم مربوط به بازگشت از دنیای مردگان است و این شادمانی ها برای بازگشت دوموزی از زیرزمین است. همه می دانیم حاجی فیروز طلایه دار عید نوروز است، اما اکثر ما از داستان شکل گیری این اسطوره بی خبریم.

دکتر کتایون مزدپور استاد زبان های باستانی و اسطوره شناس گفته است زنده یاد دکتر مهرداد بهار سالها پیش حدس زده بود سیاهی صورت حاجی فیروز به دلیل بازگشت او از سرزمین مردگان است و اخیرا خانم شیدا جلیلوند که روی لوح اکدی فرود ایشتر به زمین کار می کرد، به نکته تازه ای پی برد که حدس دکتر بهار و ارتباط داستان بنیادین ازدواج مقدس با نوروز و حاجی فیروز را تأیید می کند.

دکتر مزدپور می گوید: «نوروز جشنی مربوط به پیش از آمدن آریایی ها به این سرزمین است لااقل از دو سه هزار قبل این جشن در ایران برگزار می شده و به احتمال زیاد با آیین ازدواج مقدس مرتبط است. تصور می شده که الهه بزرگ، یعنی الهه

عمو نوروز و حاجی فیروز اصلا فرعی نیستند، خیلی هم اصلی اند. داستان عمو نوروز، داستانی عاشقانه است. عمو نوروز منتظر زنی است. آنها می خواهند با هم ازدواج کنند. این داستان می تواند به آن ازدواج مقدس الهه و شاه مربوط باشد. در واقع آن زن بی نام (سال) عاشق عمو نوروز است و آن الهه هم عاشق شاه است. عمو نوروز نماد کسی است که برکت می دهد، حالا شاه یا هر کس دیگر و آن زن هم منتظر عمو نوروز است.

معمولا زن همیشه با زمین هم هويت است، جز در بعضی از اساطیر مصری که زمينش مذکر است، معمولا زن و زمین یکی هستند.

الهه که عاشق شاه است، او را انتخاب می کند و آن زن عاشق (سال) هم عمو نوروز را برمیگزیند

دیدار زن و عمو نوروز اتفاق نمی افتد. زن هیچوقت در زمان عمو نوروز بیدار نیست، آن قدر خانه را رفته و رویده و کار کرده که خوابش برده. زن صاحب خانه است و مرد مسافر، و این سفر همیشه ادامه دارد. اما داستان حاجی فیروز بسیار جدی تر و مهم تر است. مرحوم مهرداد بهار حدس زده بود که سیاهی صورت حاجی فیروز باید مربوط به بازگشت او از دنیای مردگان باشد. ظاهرا داستان از این قرار است که «ایشتر» که همان الهه تموز است شاه -دوموزی- را برمیگزیند. يك روز الهه به زیرزمین می رود و با ورود الهه به زیرزمین، در روی زمین باروری متوقف میشود. نه دیگر درختی سبز می شود و نه دیگر گیاهی هست. خدایان که از ایستایی جهان ناراحت بودند، برای پیدا کردن راه حل

سال نو مبارک

سوپر ژاله

**کلیه مایحتاج نوروزی خود را
مانند هر سال با بهترین کیفیت و
قیمت از سوپر ژاله تهیه فرمایید**

انواع مواد غذایی، هفت روز هفته

شیک پوش ترین برندگان اسکار انتخاب شدند

در جدیدترین نظر سنجی آن لاین انجام شده، جولیا رابرتز به عنوان شیک پوش ترین برنده جایزه اسکار که تا کنون این جایزه را دریافت کرده اند، انتخاب شد.



پیراهن های قرمز رنگ بر فرش قرمز اسکار می درخشیدند

لباس هیلاری سوانک که در سال ۲۰۰۴ برای بازی در فیلم دختر میلیون دلاری جایزه اسکار دریافت کرد، در جایگاه سوم قرار گرفت. این نظر سنجی که توسط سایت Parade انجام شده است، ریچارد گیر و ساندرا بولاک، نقش های دوم فیلم بانوی زیبا را به عنوان محبوب ترین بازیگر زن و مردی که هرگز نامزد جایزه اسکار نشده اند، معرفی کرد. و در نگاهی به محبوبترین فیلم های برنده اسکار هر دهه، پرواز بر فراز آشیانه فاخته به



این بازیگر در سال ۲۰۰۱ در هفتاد و سومین مراسم جوایز اسکار، به عنوان بهترین بازیگر زن انتخاب شد. رابرتز ۲۵ درصد آرا را به خود اختصاص داد و لباس هال بری در مراسم هشتاد و چهارمین جوایز اسکار با ۲۴ درصد رای پس از او قرار گرفت.

عنوان بهترین فیلم اسکار در دهه ۷۰، مرد بارانی (Rain Man) محبوبترین فیلم برنده اسکار دهه ۸۰، فارست گامپ فیلم تایتانیک را مغلوب کرد و بهترین فیلم برنده اسکار دهه ۹۰ انتخاب شد و ارباب حلقه ها به عنوان محبوبترین فیلم قرن حاضر تا کنون انتخاب شد

تماشا هامبورگ

سال نو مبارک



مرکز خرید اینترنت شما در کل اروپا

www.tamasha.de

فرارسیدن نوروز را صمیمانه به یکایک ایرانیان تبریک عرض نموده و با کلیه محصولات ایرانی از قبیل شیرینیجات خوشمزه، خشکبار، هفت سین، سبزه، ماهی قرمز و دودی در خدمت هموطنان عزیز می باشد.

تماشا مانند هر سال با تخفیف ویژه نوروزی

Lange Reihe 23
20099 Hamburg

Tel.: 040 / 24 12 11
Fax: 040 / 24 63 28



وجدان های آگاه جامعه

میکنم که برهیچ انسان آزادیخواهی پوشیده نیست. اما نکته مهم و نتیجه ای که من از جلسه بالا گرفتم نقش روزنامه نگاران و قلم بدستان مزد بگیر است که خود به خوبی به جنایات رژیمهای دیکتاتوری آگاه هستند اما به خاطر منافع شخصی چشم به روی این فجایع بسته و عملاً با همکاری با این گونه رژیمها سعی در مخدوش کردن اذهان عمومی را دارند. روی سخنم با آن دسته از نویسندگان و مجریان نیست که حقوق ماهیانه خود را ملتسمانه از آخوندها دریافت میکنند و از هیچ کوششی برای موجه کردن چهره ملایان قرون وسطایی فرو گذاری نمیکنند. اینان باید بدانند که همسو با حرکت آنان نویسندگان و روزنامه نگاران مبارز و آگاهی هم هستند که به عنوان وجدان های آگاه جامعه حساب تمامی این مواجب بگیران حکومتی را دارند و هر روزه سعی در افشای این عناصر وطن فروخته را دارند. فکر میکنم با طرح حسابهای مالی آقایان خیلی از مسائل روشن خواهد شد. مجله رنگارنگ در این راه پیشقدم شده تا با افشای صریح این افراد بدون حاشیه روی به طرح مسئله پرداخته از تمام ایرانیان انتظار میرود تا با حمایت این مجله روند این کار را جلو بیاورند. سعی ما در افشای افراد دودوزه باز و مزد بگیر رژیم آخوندی در شرایط فعلی پرده از خیلی از جنایات رژیم بر خواهد داشت. در پایان فراموش نکنیم که کشورمان در حساسترین موقعیت خود به سر میبرد. ملایان به آخر خط رسیده اند و مردم آماده هر گونه جانفشانی برای رهایی از دست این رژیم

شد و افراد مختلف گزارشات و اسنادی را در ارتباط با نقش روزنامه یومیه کلن به اطلاع حاضران گذاشتند. یکی از آمارهای جالب در جلسه مربوط میشد به تعداد یهودیان در قبل و بعد از جنگ دوم جهانی تنها در شهر کلن در قبل از جنگ تعداد ۸۱۰۰۰ یهودی زندگی میکردند. در پی قتل عام یهودیان در پروسه جنگ توسط فاشیستهای آلمانی در بعد از جنگ تعداد یهودیان به ۴۰ نفر در شهر کلن میرسید. طبق قانون آلمان در آن زمان کلیه دارایی های یهودیان توسط دولت وقت مصادره میشد. از مطلب دور نشویم صاحب امتیاز روزنامه یومیه کلن به دلیل خوش خدمتیهای فراوان و تهییج مردم در جهت الغای فرهنگ فاشیستی به عنوان پاداش املاک زیادی را در سطح شهر کلن که قبلاً متعلق به یهودیان بوده را صاحب میشود. و یا به عبارتی به قیمت بسیار نازل به او فروخته میشود. بر اثر پیگیری نیرو های روشنفکر و ضد فاشیست آلمان بعد از شصت و سه سال از پایان جنگ جهانی دوم دوباره پرونده این روزنامه نگار آلمانی به دادگاه کشیده شده که نوبت دادگاه در آپریل همین سال می باشد.

بعد از اتمام جلسه بد جوری ذهنم درگیر بود ترجیح دادم به پیاده روی کوتاهی بروم. اوضاع و احوال امروز ایران و قتل و عام نیروهای مبارز توسط ملایان حاکم و اختناق حاکم بر کشور و صدها نوع جنایات دیگر که فکر

چند روز پیش به دعوت یکی از دوستان به جلسه ای دعوت شدم که در سالن نمایش موزه لودویک کلن تشکیل شده بود. وقتی وارد شدم یکدفعه جا خوردم. برای اینکه پیش خودم فکر میکردم که جمعیت حاضر بیشتر از صد نفر نباشد. دلیل آن هم این بود که جلسه در روز یکشنبه بعد از ظهر تشکیل میشد و برای

آلمانیها روز یکشنبه یعنی استراحت و تلویزیون دیدن مخصوصاً در یک روز سرد زمستانی ولی تقریباً میشود گفت حدود چهار صد تا پانصد نفر آمده بودند و سالن به خوبی پر شده شده بود. این جلسه مربوط میشد به نقش صاحب امتیاز روزنامه معروف کلن در همکاری با دیکتاتور فاشیست آلمان آدولف هیتلر که هنوز به صورت روزانه در تیراز بالا پخش میشود. این روزنامه و مشتقات آن که شامل مجله و روزنامه های کوچکتر دیگر هم میباشد متعلق به یکی از فامیلیهای معروف کلن میباشد. روشنفکران ضد فاشیست آلمان هنوز هم پیگیر مسائل جنگ جهانی دوم و رو کردن دست عناصر برجسته که نقش مهمی در حمایت از هیتلر را داشتند هستند و این جلسه هم با همت همین نیروها تشکیل شده بود. برپا شدن چنین جلساتی اگرچه انعکاس وسیع در سطح کشور پیدا نمیکند ولی به هر حال جلوی راسیست های آلمانی را خواهد گرفت. در هر صورت فیلمی پخش

صد سال به از این سالها



تایپ ، صفحه آرایی ، چاپ کتاب

فروشگاه آنلاین کتاب سرا

تازه ترین کتابهای چاپ داخل و خارج کشور

Tel.: 0049 40 20 91 35 32

ketabsara@ketabsara.de

Wandsbeker Königstraße 3
22041 Hamburg



برخورد والدین با فرزندان بعد از طلاق

است از مشکلات بلکه افزودن مشکلات جدید به اجتماع کوچک خانواده هست و در نتیجه اثر منفی گذاشتن آن در جامعه را فراموش نکنید که فردی که اعتیاد دارد یا دزدی می کند و یا کارهای خلاف دیگر انجام می دهد از شکم مادر اینگونه به دنیا نیامده این ثمره تربیت اشتباه پدر و مادر و جدائی هایی که بین آنها پیش می آید او را اینگونه بار آورده و کمبودهایی که در دوران بچگی داشته

گاهی اوقات برخورد اشتباه پدر و مادر با فرزند خود او را دچار افسردگی و سرگردانی می کند و همیشه در ذهنش دنبال حقیقت می گردد و به همین خاطر بچه همیشه در خود فرو می رود و نهایتاً در مدرسه این ژست پر رنگی به خود می گیرد و در میان دوستان و معلمان خود را عامل خیلی چیزها می داند و همه تقصیر ها را گردن خود می اندازد و در نتیجه به تحصیل خود لطمه می زند و عوامل دیگری که در پی آنها پذیرای این ذهن افسرده و غمگین هستند

توصیه من به زوج های جوان این است که عزیزان قبل از تصمیم به داشتن فرزند خوب فکرهای خود را بکنید و مطمئن باشید که زندگی را با فرزند ادامه خواهید داد و تحمل همه گرمی و سردی های را خواهید داشت و آنهایی که از ثمره ازدواج و یازندگی مشترک دارای فرزند شدند و جدا شدند بدانید که عشق و لذت و خوب زندگی کردن و آرامش داشتن حق مسلم شماست اما نه به قیمت فنا کردن فرزند خود این وظیفه شماست که هر چیزی را در جای خود انجام دهید و الگوی سالمی باشید برای فرزندان خود اگر به صورت منطقی با فرزند خود صحبت کنید و بر خورد سالم داشته باشید برای خواسته هایش مسلمانا هیچگاه روح لطیفش دچار سرگردانی و افسردگی نمیشود و یاد می گیرد که در جامعه چگونه مستقل باشد و چگونه با مسائل چپ و راست که برایش پیش می آید برخورد کند

بباید برای یک بار هم که شده شما راستی و درستی و منطقی بودن دربرخورد را مد روز قرار دهید که بتوانید الگویی برای دیگران باشید و این طلسم کینه و نفرت که در اکثر زوجهای طلاق گرفته هست را بشکنید و نهال دوستی و عشق و زیبایی را بارور کنید تا اطرافیان شما هم آرامش

خود را از نظر روحی تقویت کنید و آگاه باشید که اختلاف شخصی شما هیچ ربطی به فرزند شما ندارد و بدانید که شما بودید که تصمیم به آوردن فرزند به این جهان گرفتید و این وظیفه شماست که این جوانه را به خوبی آبیاری کنید و مراقبتهای لازم را انجام دهید و به فرزند بیاموزید که اگر پدر و مادرش با هم نتوانستند زندگی مشترک را ادامه دهند ولی هر کدام به سهم خودشان برای تربیت سالم و منطقی فرزند اقدام می کنند و بگذارید فرزند کمبود محبتی را حس نکند و نیز به فکر این نباشید که بچه را زیاده از حد لوس و نازک نارنجی بار بیاورید که از دیگران هم توقع زیاد داشته باشد

و مسئله مهم را در خاطر داشته باشید زوجی که دارای فرزند هستند پس از جدایی هیچگاه نمی توانند ارتباط خود را با هم قطع کنند پس چه بهتر که جدایی ها دوستانه باشد نه از روی کینه و نفرت و همیشه سعی کنید با منطق جلو بروید هر چند که تلخ باشد باید توجه داشته باشید که فرزند به هر حال بعد از طلاق والدین آن ضربه روحی می خورد ولی باید سعی کنید که مرحمی باشید برای این زخم نه اینکه شکاف آن را بیشتر کنید

چون این برخوردهای ناسالم هستند که بر اثر ناآگاهی و نادانی افراد پیش می آید و مرد یا زن فکر می کنند اگر مخالف همسرشان به فرزند خود اطلاعات بدهند برگ برنده را در دست دارند و آنها جلوی فرزند خود عزیز و خواستنی تر می شوند در صورتی که فرزند هنگامیکه خردسال است می تواند گول تظاهر را بخورد و اگر تیز هوش نباشد حرفهای پدر یا مادر را کاملاً خلاف همدیگر می گویند را باور می کند

اصولاً بچه ذهن زیبا و روحیه لطیف خود را دارد و هیچگاه مهر مادر یا پدر را از خود نمی تواند دور کند هر چند که آنها مجرم باشند و خلافتکار آنها برای او همچون سمبل و الگو و عزیزترین فرد در زندگی شان هستند پس بباید با عزیزان خود بهتر از این باشید

افرادی متأسفانه به خاطر مشکلات روحی و روانی که در خانواده داشتند و در بچگی اثر منفی گذاشته را به رو می آورند و توقع دارند بچه آنها هم همان کار را تجربه کند این نه تنها راه فرار



همکارمان سارا عباسی از پاریس

در دنیای مدرن و پیشرفته امروز همانطور که شاهد هستیم روز به روز جدایی ها بیشتر می شود و افراد فکر می کنند این جدایی ها و نامهربانی ها جزئی از مد روز است و اگر آنها از این عمل مدرن استفاده نکنند از قافله عقب می مانند مخصوصاً اگر الگوی آنها افراد ناشناس و معروف جامعه باشند خوب مسلماً وقتی زن و مرد تحمل همدیگر را در زیر یک سقف نداشته باشند و هیچ تفاهمی و علاقه ای بینشان نباشد بهتر است جدا شوند و در پی یافتن جفت خود باشند البته زوجهایی که فرزند ندارند پس از جدایی خیلی راحت تر با این مسئله برخورد می کنند اما افرادی که از ثمره ازدواجشان دارای فرزند شدند بعد از جدایی مسئولیت بیشتری در قبال فرزند یا فرزندان خود دارند مهمترین مسئله این است که هیچگاه در حضور فرزند خود بحث و جدال نکنند و از فرزند خود به عنوان سلاح برای کوبیدن پدر و یا مادر استفاده نکنند چون به هر حال در آینده مسائل برای بچه ها روشنتر میشود و اگر حس کنند که آنها وسیله ای بودند برای شعله ور کردن آتش خشم در بین والدین به فکر انتقام خواهند افتاد

در بین والدین پس از طلاق این فرزندان هستند که قربانی میشوند و ضربه می خورند نه والدین چون آنها به دنبال سرگرمی و زندگی خود هستند و به اصطلاح می خواهند پدر و یا مادر خوبی برای فرزند خود باشند و برای جا کردن بیشتر در قلب فرزند مخالف همدیگر به بچه اطلاعات می دهند و به عبارتی خود شیرینی می کنند اما پدر یا مادر خوب بودن زمانی صدق می کند که با مسئله طلاق برخورد منطقی داشته باشید و آینده فرزند

آسیا بازار

دارمشتات

بهترینهای نروژی را برای سفره هفت سین و سایر مایحتاج شما رامهیا نموده است.

KIRCHSTR. 21
64283 Darmstadt

Tel: 06151-29 46 83



A
S
I

BAZAR

die 1. Adresse für asiatische Produkte

آرایش زنان ایرانی به روایت رسانه عربی



سایت اینترنتی شبکه العربیه در گزارشی تصویری با عنوان «برنزه کردن؛ روش زنان ایرانی برای حفظ زیبایی خود و شوهرانشان» به انتشار تصاویری از زنان و دختران بزرگ کرده ایرانی پرداخت.

این گزارش با به تصویر کشیدن زنان بد حجاب، به بررسی وضعیت پوشش ظاهری زنان و دختران در ایران پرداخته است.

همچنین گفت و گو با مدیر یک مرکز جراحی پلاستیک و یک زن جامعه شناس، بخشی از مطالب این گزارش را تشکیل می دهد.

در قسمتی از این مطلب می خوانیم: زنان در ایران لباس هایی بر تن می کنند که تمامی اجزای بدن آنها به جز دست ها و صورت ها را می پوشانند. با این وجود آنها به استفاده از وسایل آرایشی می پردازند.

این گزارش همچنین با نمایش تصویری از یک مامور نیروی انتظامی در حال گفت و گو با دختری جوان، آورده است: پس از انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ در ایران حجاب برای زنان اجباری شد و مخالفان این موضوع نیز به پرداخت جرایمه های مالی، زندان یا شلاق محکوم شدند. اما این موضوع مانعی در برابر زنانی که به دنبال زیبایی هستند، نبوده است.

بزرگ کردن برخی اندام ها، بلند کردن موها و برنزه کردن پوست از جمله اقداماتی است که توسط دختری به نام «زیبا» صورت می گیرد و این در حالی است که زنان در ایران لباس هایی بر تن می کنند که به جز صورت و دست ها تمامی بدن آنها را می پوشانند.

زیبا ۲۵ ساله که دانشجوی رشته هنر است، در حالی که در سالن انتظار یکی از مراکز جراحی زیبایی در شمال تهران نشسته است، می گوید: الان می خواهم پوست بدن خود را برنزه کنم تا جذابتر شوم.

اما فریبا ۳۴ ساله که خانه دار است می گوید: در طول هفته دو مرتبه به این مرکز می آیم، داشتن حجاب به این معنا نیست که به ظاهر خود اهمیتی ندهیم.

سارا مدیر این مرکز می گوید: «روزانه ۴۰ نفر به اینجا مراجعه می کنند.» وی اضافه می کند: در فصل تابستان جشن ها و مراسم زیاد می شود و به تناسب آن مشتریان ما هم افزایش می یابد.

سارا می افزاید: ما در این مرکز مشتری هایی داریم که چادر بر سر می کنند. آنها دوست دارند که در مراسم ویژه خود زیبا باشند. در این مرکز خدمات زیبایی مانند

شرکت پخش ایران در قلب فرانکفورت بازارچه کاملی را برای شما تدارک دیده است

شرکت پخش ایران

هرآنچه نیاز یک خانواده ایرانی است را می توانید در شرکت

پخش ایران با کیفیتی عالی و قیمتی مناسب تهیه فرمایید

نماینده رسمی چای زیبا با عطری دلچسب و گوارا

فروشگاه پخش ایران در چند قدمی راه آهن مرکزی (Hauptbahnhof)

Baslerstr. 46 , 60329 Frankfurt /M., Germany

Fon: +49 (0)69 - 2424 8001

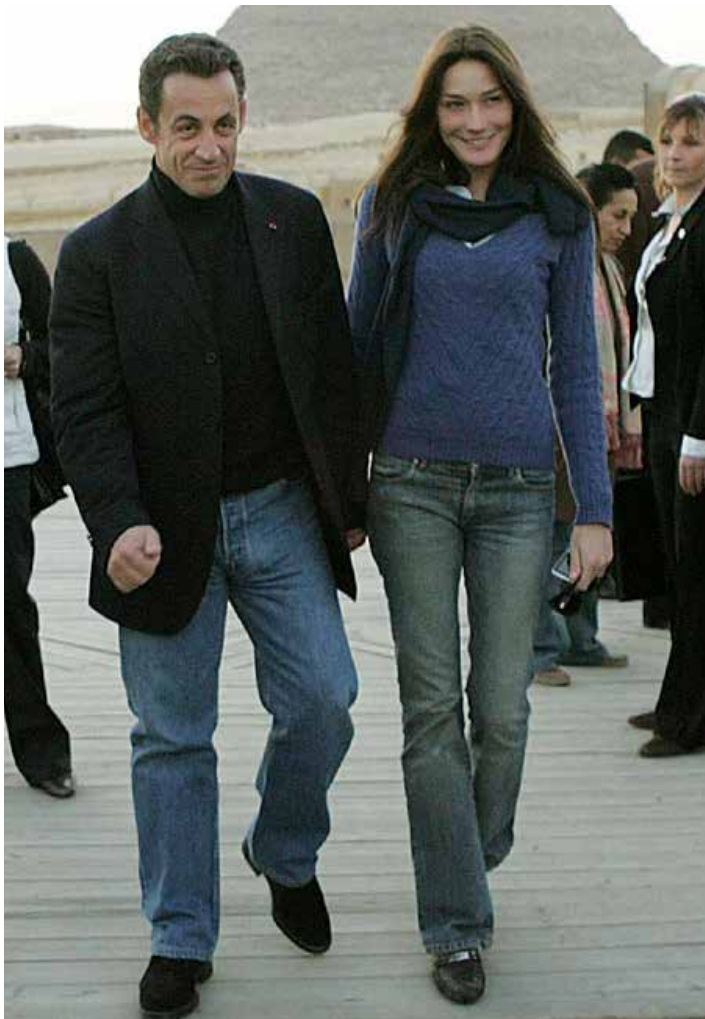
www.p-iran.de

Fax: +49 (0)69 - 2424 8002

E.Mail: info@p-iran.de

سال نو مبارک

کارلا برونی: تا آخر عمر همسر سارکوزی باقی می‌مانم



«کارلا برونی» مانکن و خواننده معروف ایتالیایی تبار که به تازگی رسماً با «نیکلا سارکوزی» رئیس‌جمهور لهستانی الاصل مهاجر به فرانسه ازدواج کرده، در نخستین مصاحبه پس از ازدواج خود، در گفت‌گو با نشریه فرانسوی اکسپرس گفت: «همراهی و زندگی مشترک با فردی که هدایت و اداره کشور فرانسه را در دست دارد، پیشامد مهمی تلقی می‌شود. سهیم شدن من با سارکوزی در یک زندگی مشترک، فرصت خوبی است که اگر آن را از دست می‌دادم مطمئناً پشیمان می‌شدم.» وی افزود: «من هم‌اکنون می‌دانم که بانوی اول کاخ ورسای شده‌ام و از وظایفی که در این جایگاه دارم هرگز سرباز نخواهم زد.»

برونی تصریح کرد: «حتی اگر ندانم نقشم به عنوان همسر رئیس‌جمهور و بانوی اول فرانسه چیست اما با جدیت تمام به آن می‌پردازم و می‌کوشم تا نقش خود را به بهترین نحو ایفا کنم.»

وی در ادامه گفت: «در وهله اول می‌خواهم به نیکلا و سخنانش گوش دهم، به مردم توجه کنم و از صحبت‌ها و نصایح تمامی کسانی که اطلاعات مفیدی دارند استفاده کنم. من هیچ اطلاعاتی ندارم و هیچ چیز نمی‌دانم. دوست دارم چیزهای جدیدی بیاموزم، دوست دارم جهان کنونی را کشف کنم و مهارت شوهرم در کار و زندگی خود را با دقت دنبال کنم. دوست دارم هر آنچه را که درباره من و همسرم نوشته می‌شود بخوانم، حتی اگر برایم ناخوشایند باشد و به زیانم باشد.»

کارلا برونی با این ازدواج، بانوی اول فرانسه و سومین همسر نیکلا سارکوزی، پنجمین رئیس‌جمهوری این کشور شده است.

وی در این باره گفت: «در ازدواج با سارکوزی این مسئله را به حساب نیاوردم. من فردی ایتالیایی تبار هستم و جدایی و طلاق را به هیچ وجه دوست ندارم... بنابراین نخستین بانوی فرانسه تا پایان دوران ریاست‌جمهوری سارکوزی و همسر رسمی وی تا زمان مرگم خواهم بود.»

برونی همچنین درباره علاقه میان خود و همسرش که تعجب همگان را برانگیخته است، گفت: «از علاقمند شدن به نیکلا اصلاً پشیمان نیستم.»

ماجرای روابط عاشقانه سارکوزی و کارلا برونی در ماه دسامبر گذشته و پس از حضور علنی آنها در پارک تفریحی «دیسنی لند»، آغاز شد. این در حالی است که ازدواج سارکوزی و برونی در فاصله حدوداً ۳ ماه از جدایی وی از همسر دومش «سسلیا» صورت گرفت.

برونی درباره سرعت آشنایی و ازدواجشان خاطرنشان کرد: «ازدواج من و نیکلا سریع صورت نگرفت، بلکه آنی و فوری بود اما باید بدانید که همین زمان بسیار کوتاه نیز برای ما بسیار آرام سپری می‌شد.»

همسر جدید رئیس‌جمهور فرانسه در گفت‌وگویی اختصاصی با نشریه فرانسوی «اکسپرس»، از علاقه خود به همسرش، روش جدید زندگی و نقش تازه‌اش در زندگی مشترک با یک رئیس‌جمهور خبر

سارکوزی نخستین رئیس‌جمهوری فرانسه در جمهوری پنجم این کشور است که در حین دوره ریاست جمهوری‌اش ازدواج می‌کند. سارکوزی از همسر اول خود ۲ فرزند و از سسلیا، همسر دوم خود یک فرزند دارد.

این در حالی است که برونی نیز دارای پسری است که پدرش یکی از



فروشگاه اسکان سال نو مبارک

ESKAN EPICERIE FINE

خاویار، زولیا بامیه، شیرینی‌های متنوع، نان لواش، میوه فصل، بستنی و فالوده
انواع خشکبار و آجیل، سبزیجات خشک، مرباجات و انواع ترشی

62, BIS RUE DES ENTREPRENEURS 75015-PARIS (Metro: CHARLES MICHEL)

TEL: 0145770616



محبوب‌ترین خودروهای سارقان فرانسوی

آسان برای سارقان تبدیل کرده است.
- پژو ۳۰۶ سال‌هاست که مقام خود را در رده‌های صدر جدول خودروهای سرقتی فرانسه از دست نداده است. قطعاً بدکی این مدل که متقاضیان زیادی دارد. دلیل علاقه وافر سارقان به پژو ۳۰۶ است.
- در فهرست محبوب‌ترین خودروهای سارقان فرانسوی رنو کلیو مقام چهارم را به خود

در پایان هر سال فهرست محبوب‌ترین یا نامحبوب‌ترین چهره‌های جهان، ثروتمندترین افراد، پرمشاهگرتین فیلم‌ها و غیره منتشر می‌شوند.
در این گزارش تصویری فهرست محبوب‌ترین خودروها از نظر سارقان فرانسوی در سال ۲۰۰۷ ارائه می‌شود.

- ب ام و X5 نخستین خودروی دو دیفرانسیل و گرانیقیمت این فهرست است. سهولت



فروش آن در بازار خودروهای سرقتی موجب شده تا این مدل مکان هشتم را به خود اختصاص دهد.

- آئودی A6 هم يك خودروی لوکس است که در فهرست خودروهای محبوب سارقان فرانسوی در سال ۲۰۰۷ در مکان نهم است.



اختصاص داده است.
- آئودی A3 چه ۳ در باشد چه ۵ در. در این فهرست در مقام پنجم جا خوش کرده است.
- رنو مگان در فهرست خودروهای سرقتی فرانسه مقام ششم را دارد. ظاهراً سارقان فرانسوی به مازک رنو علاقه خاصی دارند زیرا

برخلاف انتظار هیچ دلیلی ندارد که خودروهایی که بیشتر به سرقت می‌روند حتماً خودروهای لوکس و گرانیقیمت باشند. در سال ۲۰۰۷ براساس تحقیق نشریه تخصصی «اتو پلوس» خودروی کوچک مازک اسمارت فورتوو محبوب‌ترین خودرو از نظر



- پژو ۳۰۷ که در فهرست کذایی در مقام دهم قرار دارد. پنجمین خودروی مازک فرانسوی در میان ۱۰ خودروی محبوب سارقان فرانسوی است. این مساله نشان می‌دهد که خودروهای فرانسوی هم بین خریداران و هم بین سارقان مشتاقان زیادی دارند

در بین ۶ خودروی نخست از لحاظ سرقت ۳ خودرو مازک رنو هستند.
- گلف IV ظاهراً تنها بین خریداران محبوب نیست. بلکه سارقان نیز به آن علاقه دارند. تقاضا برای قطعاً بدکی آن این مدل را در مقام هفتم فهرست جای داده است.

سارقان فرانسوی بود که برای سرقت آن سر و دست می‌شکستند.
- رنو توبینگو دومین خودروی محبوب سارقان فرانسوی در سال ۲۰۰۷ بود. فقدان سیستم دزدگیر و تعداد بسیار زیاد این مدل که در خیابان‌ها تردد می‌کنند آن را به يك شکار



سوپر سپید SEPIDE

نان و شیرینی؛ خشکبار، ادویه جات، سبزیجات تازه و خشک شده، حبوبات و انواع برنج عرقیات ایرانی انواع کنسروها، تن و خورش های فریز شده هر روز نان بربری داغ

از پنج پی از نیمروز، شنبه و یکشنبه از ساعت دو پی از نیمروز

سفارش نان خامه ای و رولت پذیرفته می‌شود

صد سال به از این سالها

62 TER RUE DES ENTREPRENEURS

75015-PARIS

TEL: 01 45 78 13 24
FAX: 01 45 78 05 15

محصولات غذایی امیر

اولین تولید کننده محصولات غذایی ایرانی در اروپا

ماشرکتی هستیم که از سال ۱۹۸۷ در آلمان شروع به فعالیت در زمینه مواد غذایی کرده ایم و از سال ۹۳ فعالیت را با واردات مواد غذایی از ایران گسترش داده و از سال ۲۰۰۷ افتخار داریم که اولین تولید کننده مواد غذایی ایرانی در خارج از ایران باشیم محصولات ما عمدتاً کنسروهای گوشتی و محصولات لبنی با کیفیتی بی مانند هستند که واردات آنها از ایران مجاز نمی باشد.



خورشت قورمه سبزی
با گوشت و بدون گوشت



سبزی سرخ شده
قورمه

آبگوشت
با گوشت گوسفندی



حلیم بوقلمون
با گوشت بوقلمون
و یا بدون گوشت



کله پاچه



ماست موسیر



خورشت فسنجان
با گوشت بوقلمون
و یا بدون گوشت



زبان گوسفند



پاچه گوسفند



Amir Food GmbH
Taunusstr. 52 - 60
60329 Frankfurt am Main
Germany

Tel.: 0049 - 69 - 94948672
Fax: 0049 - 69 - 94948674
Mobil: 0049-163 - 5675139
Email : amirfoodgmbh@msn.com

جهت کسب اطلاعات بیشتر و یا نمایندگی فروش در سراسر جهان می توانید با شماره تلفن ما تماس حاصل فرمایید

بازارچه حافظ در مونیخ



مرکز پخش و توزیع مواد غذایی ایرانی

Asiaticher Spezialitäten - Markt

Dachauer Strasse 28. 80335 Munchen

Fon: 089 / 59 35 34 - Fax: 089 / 59 52 90

سوپر مارکت بهار هامبورگ

ضمن تقدیم شادباشهای نوروزی کلیه مایحتاج نوروزی خود را مانند هر سال با بهترین کیفیت و قیمت از سوپر مارکت بهار تهیه فرمایید



Bahar Supermarket

Schmilinsky Str. 30 , 20099 Hamburg

Tel: 040 / 2 80 25 05

هادی خرسندی در نگارنگ

ایرانیم و فاتح و سگمارس!

ایرانیم و شاه و خمینی ثراتم
من عامل تکثیر زن این حضراتم

انگار که آن شب که سرشتند گلم را
مانده می آنها ته پیمانه‌ی ذاتم

من مبدأ تاریخم و توضیح مسائل
من مایه‌ی پیدایش فرهنگ لغاتم

با هوشترین ملت منظومه‌ی شمس
من هستم و انگشت‌ها بین کراتم

که زاده‌ی خُردادم و که مرده‌ی مرداد
مبنای شب و روز بود مرگ و حیاتم

که دایره - دنبک‌زن ایام سرورم
که گریه کن تعزیه‌ی شام وفاتم

که فاتح و پیروز و پر و فول و برنده
گاهی کُت و سگمارس و کتک خورده و ماتم

که سنتی‌ام، شیرهی سوهان قیام من
که شیک و مدرنم، شکلاتم، شکلاتم

که تا به فلک فاصله دارم ز خرافات
گاهی پیرد جت به هوا با صلواتم

که کافر و بی‌دینم و لاییک و سکولار
که غسل کنان در طلب خمس و زکاتم

ایرانیم و مظهر تفریطم و افراط
که قطره‌چکانم به مثل، گاه قناتم

بخشم به طرف گاه سرقند و بخارا
که فکر پس انداز نخ لای نباتم

استاد فنونم همه، جز فن تعادل
کُشتی بدم، بی‌خبر از آکروباتم

کارم ز تعارف بکشد سوی تملق
پیدا نبود سر ضمیر از وجناتم

هم صاحب سهم گوگل و سیسکو و ای‌پی
هم یار فلسطین ز زمان عرفاتم

که سوی فضا میروم و شیرزنم من
که زائر شامات و گدای عبتاتم

که از دل آتش گذرم همچو سیاوش
که فکر گذشتن ز پل نخس صراطم

تاریخ نوشته است که من دشمن
خویشم

تقصیر خودم بوده تمام تلفاتم

خواهند اگر حکم قتالم بنویسند
من خود قلم و خود ورق و نیز دواتم

باری مگر آینده بسازم ز گذشته
اکنون که شده تجزیه تحلیل صفاتم

بینایم و ناظر به عبودیت کورم
آقایم و مقهور اقلیت لاتم

بیدارم و در فکر گروه هپروتیم
هشیارم و دلواپس جمع هپراتم

هر بار به یک واقعه‌ای سوخت فیوزم
زیرا که بهم ریخته بود آمپر و واتم

من وارث وارونه‌ی دارائی خویشم
نفت است که انداخته در این ظلماتم

از خاک وطن لاله دمیده‌ست فراوان
وقت است که گندم دمد از خاک فلاتم

آماده نباشم به دموکراسی کامل
یک‌دَره دمو هستم و یک‌خرده کراتم

ایرانیم و هیچ حقوق بشرم نیست
هرچند خودم مبتکر این کلماتم

ایرانیم و اهل دل و کاشف الکلی
من شاعر ایبات میان قطراتم

ایرانیم و عاشق زیبایی انسان
دل‌داده‌ی مرد و زن شیرین حرکاتم

ایرانیم و وارث شیرینی طنزم
قدنم، عسلم، نیشکرم، توت هراتم

هادی! همه شب فکر وطن بودم و افسوس
وقت سحر از غصه ندادند نجاتم!



اطلاعیه ماهی‌های شمال

کی تواند خورد روس نابکار
تخم ما را، در پرانتز (خاویار)

گفت آن ماهی‌ی دریای خزر
کز بوتین و شیخ می‌باید حذر

رفته با نعلین، بوتین ساخته
بهر ما قلاب و تور انداخته

شیخ میخواهد به او کادو دهد
تا که او توپ و تفنگ نو دهد

ما که ماهی‌های ریزیم و درشت
رنگ و وارنگیم از پهلوی و پشت

سرخ و نارنجی، سفید و سبز و زرد
دسته دسته جفت جفت و فرد فرد

ضمن بیرون دادن صدها حباب
میکنیم اعلام از اعماق آب

نیست دریای خزر آکواریوم
تا به کس کادو دهد آخوند قم

کی تواند خورد روس نابکار
تخم ما را، در پرانتز (خاویار)
هم خلیج فارس هم بحر خزر
مال ایرانی بود از هر نظر

در تماسی که غواص اعزامی ما با ماهی سخنگو
گرفت، نظرایشان را درباره‌ی حقوق جمهوری‌های
اطراف دریای مازندران پرسید. ایشان با کمال
تفاهم این بیت را اضافه کردند:

هرچه کشور هست در اطراف ما - سهمشان
محفوظ در دریای ما
بعد هم پیغام دادند که «دریای ما» را با «انصاف
ما» عوض کنیم که قافیه بهتر شود و معنی رساتر.

داستان واقعی (نامه ای از ایران) عشق گران

یکدیگر و محبتی که بینمان ریشه دوانده و شکوفا و معطر بود لذت می بردیم. ما آدمهایی بودیم با توقعاتی به اندازه خودمان که از زندگی جز رضایت و آرامش چیزی نمی خواستیم. البته خیلی آن بالاها نبودیم ولی هر چه بود، برای خودمان مایه فخر و مباهات بود و در بین فامیل و آشنایان سبب غبطه.

زندگی را آن طور باور داشتم که در محیط خانواده سرمشق گرفته بودم. اما یک حادثه ساده زندگی ام را از مسیر آرزوهایم جدا ساخت.

اغلب در مدرسه زنگهای تفریح یا حتی سرکلاس درس لابه لای پچ پچ های خانم، همکلاسی هایم چیزهایی از روابط پنهانی شان با دوست پسرهایشان می شنیدم. با آن که هیچ سر در نمی آوردم چرا آنها در بیان این طور قصه ها که گاه نه تنها گوی سبقت را از یکدیگر می ربوند بلکه از مفاهیم حکایت هایشان می شد فهمید، تمام قصه از آغاز تا انجام خیالات واهی است، اغراق می کنند، ولی گاهی بدم نمی آمد من نیز شنیده ها را ببینم.

خوب درس می خواندم و برای آینده ام برنامه های کاملی داشتم. آن روزها خوب می دانستم که چه انتظاری از زندگی دارم، یا شاید خیال می کردم که می دانم نمی دانم شاید آن روز نخس که من با پای خود، به مغازه او رفتم، جبری پنهان مرا به سوی تقدیری چنین سیاه کشاند. شاید هم وقتی دل در گرو نگاههای مسموم او سپردم خود در عین اراده و انتخاب، با پای خود به درون منجلاب سقوط کردم. اما هرگز باور نمی کردم یک اتفاق ساده باعث شود آن غزل آرام، متین و تودار، ناگهان بی قرار و بی پروا دل به هوسی چنین آلوده بسپارد.

آن روز دیر از خواب بیدار شده بودم، با عجله کتاب و دفترهایم را داخل کیف جا دادم، به سرعت لباس پوشیدم و بدون آن که صبحانه بخورم، خانه

انگار از جنس دیگری بود: «غزل جون، تو فرشته کوچک زندگی من بودی و هستی که منو از عالم این زمینی ها جدا کرده و توی عوالم خوش عاشقی به پرواز درآورده...» وقتی کلماتی را که مذبوحانه برای فریب من به زبان می آورد، در ذهنم مرور می کنم دلم می خواهد از جایم حرکت کنم و زیر مشتم و لگد چهره و چشمهای شیطانی اش را که انگار در مقابل دادگاه و قاضی هم قصد تمسخر مرا دارد، درهم بشکنم.

او دنیای مرا عوض کرد و امید زندگی و شادی و سعادت را از من گرفت و حالا خونسرد و بی تفاوت همه چیز را انکار می کند، اما... واقعا چه کسی را باید ملامت کنم؟ من خود با دست خود تیشه به ریشه ام زده ام.

اغلب وقتی ماجرای فرار دختران نوجوان و جوان را در مجله تان می خواندم خیال می کردم این حرفها همه اش قصه است، تازه اغلب آن بدبختیها یا به قول خودشان فرزندان خانواده های از هم پاشیده بودند و یا به خاطر اعتیاد یکی از والدینشان، مجبور به فرار از خانه می شدند. در عوض من هیچ مشکل عمده ای نداشتم. من فرزند آخر خانواده ای بودم که در آن سه دختر و دو پسر زیر سایه پدر و مادری مهربان و بزرگوار زندگی می کردند.

به جز من و برادرم علی رضا که از من سه سال بزرگتر بود بقیه خواهران و برادرانم ازدواج کرده و زندگی مستقلی داشتند. در خانه ۲۱۰ متری ما با آن حیاط کوچک اما دلنشین و زیبا و باغچه ای که تمام سرگرمی پدر بعد از بازنشستگی بود، روح زندگی همچون نسیمی فرحبخش دایم می وزید و ما از وجود

خیر، نمی شناسمش...

- آقای قاضی دروغ می گه، خود نامردش خواهر معصوم منو گول زده...

- آقا جون اینجا دادگاهه، لطفا داد نزن. بعد هم اگه خواهرتون معصوم بود گول این بابا رو نمی خورد. این پسر نه، یکی دیگه، گرگ که توی این دنیا کم نیست، آدمی که خودشو در مقابل یه بیماری مسری واکسینه کرد دیگه بعد افسوسش رو نمی خوره.

شما که ماشااا... بچه نیستین. لطفا آرام بشینین سرجاتون وقتی نوبتون شد بلند شین و از حقن دفاع کنین، تازه خیال نمی کنم خواهرتون بی زبون باشه. هر کی باید خودش مسئولیت کاراشو قبول کنه.

داداش علی رضا صورتش از شرم گل انداخته و زبانش بند آمده بود. جرات نداشتم برگردم و به چهره اش نگاه کنم. کلام راسخ قاضی بدجوری غرور مردانه اش را خرد کرد.

می دانستم در درونش جهنمی برپاست. بیش از آن که در آن لحظه نگران آینده خود باشم، از روی او خجالت می کشیدم. من مایه ننگ خانواده ام شده ام. وجودم سر تا پا نفرت و انتقام از خودم و آن مارمولکی است که خیال می کردم شاهزاده افسانه ای ام است و آرزوهایم را یکجا برآورده خواهد کرد.

پیشانی بلند و گونه استخوانی اش کبود و زخمی بود و بلوز کرم قهوه ای رنگی را که من به مناسبت روز تولدش از پول توجیبی هایم برایش هدیه گرفته بودم، بر تن داشت. ناگهان یاد خاطره خرید آن هدیه کذایی افتادم و یاد حرفها و وعده هایی که در آن مغازه کوچک کیف فروشی برایم می گفت.

موسیقی صدایش وقتی اسم را بر زبان می راند،

پندار نیک

کردار نیک

گفتار نیک



نوروزتان پیروز

فروشگاه پرسپولیس دورتموند

هر روزتان نوروز

عرضه کلیه اجناس ایرانی مورد نیاز خانواده ها با کیفیت بالا و قیمت مناسب

PERSEPOLIS

Iranische Lebensmittel

Beurhansstrasse 14 (nahe Stadt. Kliniken)

44137 Dortmund

پارکینگ مجانی

از ۱۰ صبح تا ۸ شب

TEL & Fax : 0231 - 950 49 49

1859 775 / 1859 914

به فکر فرو رفت. نگاهش روی صورت خشک شد. در یک لحظه احساس کردم اشک توی چشمهایم پر شد.

- خب آگه بخواین می‌تونین کیف رو ببرین، من اندازه زیپ رو می‌گیرم، فردا بعد از مدرسه تون دوباره سر بزین. سعی می‌کنم زیپ رو هر طور شده گیر بیارم. فقط این طوری ممکنه یکی دو روزی به زحمت بیفتین، عیبی نداره؟

- نه، نه... اصلا... آگه لازم باشه واسم مهم نیست می‌یام.

- باشه خانم، پس تا فردا...

او یادش رفت که اندازه زیپ کیفم را بگیرد و من هم گنج‌تر از او.

فردای آن روز بعد از مدرسه دوباره به مغازه کیف فروشی رفتم. در چهره جوانک کیف فروش انتظار او را حس کردم. تا چشمانم به هم افتاد هر دو یک جمله را تکرار کردیم:

- اندازه زیپ یادتون... یادم... رفت.

بعد هر دو خندیدیم و این اولین جرقه صمیمیت بین ما دو نفر بود. بعد از آن روز من فردا و پس فردا نیز ظاهرا به خاطر زیپ کیفم و قلبا به خاطر او به آن مغازه مراجعه کردم.

روز سوم زیپ کیف من درست شده بود اما بهانه دیگری پیدا کردم تا فردای آن روز هم به دیدنش بروم.

- ببخشین، شما اینجا کیف پول چرمی که جای کافی برای گذاشتن پول خرد و عکس و کارت شناسایی هم داشته باشه، دارین؟

- راستش چیز خوبی که شایسته خانم جوان و برازنده‌ای مثل شما هم باشه ندارم اما آگه بخواین حاضرم واستون گیر بیارم.

دیگه به این جمله عادت کرده بودم، هم او و هم من می‌دانستیم این جمله در اصل معنایش این



کرده‌ام:

- آه... سلام، ببخشین راستش زیپ کیفم در

رفته... شما می‌تونین تعمیرش کنین؟

مطمئنم که در لحظه ادای این جمله کاملا

برافروخته شده بودم. همان طور که مطمئن هستم او متوجه حالت عصبی و شرم و خجالت نشسته بر چهره‌ام شده بود.

کمی مکث کرد و گفت:

- باشه خانم... اما متأسفانه یه مقدار سرمون شلوغه،

عیبی نداره که لطف کنید پس فردا تشریف بیارین؟

- چطور؟ فقط زپیش در رفته

- بله، اما آگه زیپ خارجی سرش بیفته دیگه

یه عمر واستون کیف می‌شه، فعلا هم از اون جنس زیپ نداریم آگه اجازه بدین قول می‌دم فردا برم بازار خویش رو گیر بیارم.

- اما من همین یه دونه کیف رو دارم، آقا

هنوز جمله‌ام تمام نشده بود که از گفتن آن پشیمان شدم:

- منظورم اینه که برای مدرسه فقط همین یه کیف

رو دارم که به درد بخوره...

- بله بله متوجه هستم خانم... خب...

را به قصد مدرسه ترک کردم. بعد از مدتی معطلی، اتوبوس از راه رسید، وقتی بلیت را به دست راننده سپردم و در انتهای اتوبوس جایی برای نشستن پیدا کردم تازه نفس راحتی کشیدم. همان موقع تازه به خودم آمدم و دیدم زیپ کیف مدرسه‌ام باز است. آن قدر کتاب و دفتر داخل کیف بود که به راحتی بسته نمی‌شد، دستم از سرما کرخ شده بود، کمی با زیپ ور رفتم و با بی‌حوصلگی آن را محکم کشیدم.

اما ناگهان زیپ دررفت و هر چه تلاش کردم تا دنده‌های دو طرف زیپ را درست کنم فایده‌ای نکرد. بالاخره با همان وضع از اتوبوس پیاده شدم و به مدرسه رفتم. ظهر همان روز، در راه بازگشت از مدرسه یادم افتاد یک ایستگاه بالاتر، مغازه کیف فروشی هست و چند باری که از جلو آن عبور کرده بودم، متوجه شدم تعمیرات کیف و چمدان هم قبول می‌کند.

وقتی پا به مغازه کیف فروشی گذاشتم، در نگاه اول متوجه حضور کسی نشدم، کمی اطرافم را نگاه کردم، بعد سرفه کردم اما جوابی نشنیدم. بالاخره در لحظه‌ای که تصور می‌کردم شاید صاحب مغازه دقایقی از کیف فروشی بیرون رفته است و خواستم از مغازه خارج شوم، ناگهان او روبه‌رویم سبز شد.

- بفرمایین؛ امری بود، خانم؟

جوانی سبزه، لاغر ولی چهارشانه و بلند، با چهره‌ای گشاده و گونه‌ای استخوانی و سبیل و ته ریشی که کمی سن واقعی‌اش را بیشتر نشان می‌داد. در صورت و ظاهر او هیچ چیز فوق العاده‌ای نبود یا لااقل در آن لحظه، چنین احساسی داشتم، اما همان قیافه ساده و چشمهای سیاهش با آن نگاههای نافذ در همان لحظه اول قلبم را لرزاند.

- خانم... ببخشین چیزی پرسیدیدین؟ خواهش

می‌کنم... بفرمایین، من در خدمتم...

تازه به یاد آوردم برای چه کاری به مغازه او مراجعه



سال نو بر همه مبارک باد

سوپر پارس (سوپر عطای سابق در بن)

نماینده محصولات غذایی انجمن

ارایه انواع و اقسام مواد غذایی ایرانی، خشکبار، شیرینی های خشک و تر، سبزیجات، کنسروجات، ادویه جات، سی دی و دی وی و کتابهای ایرانی

Bornheimer Str. 88 53111 Bonn

Tel. 228 721 58 57

راند. تا غروب آن روز در خیابانها آواره و سرگردان راه می‌رفتم و جرات برگشتن به خانه را نداشتم. احساس می‌کردم همه دنیا مرا با چشم دیگری نگاه می‌کنند، نمی‌دانم چطور به خانه مان رسیدم. حال خوبی نداشتم. حس می‌کردم چیزی در درونم فرو ریخته است. باورم نمی‌شد، امید در شرایطی که خیال می‌کردم باید بیش از همیشه دوستم بدارد، از من دل بریده بود.

نمی‌دانستم می‌توان چنین حادثه‌ای را برای همیشه فراموش کرد و از خانواده و اطرافیان مخفی نگه داشت. کمتر از یک هفته از آن اتفاق دیگر نتوانستم طاقت بیاورم و همه چیز را برای خواهرم که از من دو سه سالی بزرگتر بود تعریف کردم. او همه چیز را برای مادر گفت و مادر برای پدر و علی‌رضا. مدتها پدر و برادرم به دنبال امید محله به محله می‌گشتند، اما او انگار آب شده و به زمین فرو رفته بود. تا امروز که او را بالاخره در دادگاه دیدم باورم نمی‌شد روزی برسد که بتوانم یک بار دیگر در مقابلش بایستم و از حق از دست رفته‌ام دفاع کنم.

اما چه فایده؟ دیگر نه او و نه کس دیگری نمی‌تواند سرنوشت برادررفته مرا تغییر دهد. وقتی به چهره خرد شده پدر و مادرم که ظرف دو سه ماه گذشته بعد از آن ماجرا که روز به روز پیرتر شده‌اند و یا به افسردگی برادرم نگاه می‌کنم، تنها یک جمله در وجودم طنین می‌اندازد و آن این است که «دیگر جای من در خانه کنار آنها نیست.»

شاید این تصمیم آخر بدترین تصمیم باشد اما...

شد. من دیگر آن غزل پرجنب و جوش و شاد و درسخوان نبودم. اغلب در گوشه‌ای کز می‌کردم و در رویاهای خود فرو می‌رفتم. مدت کوتاهی از شروع این حکایت نگذشته بود که در درسهایم افت کردم. معلمان ابتدا تصور می‌کردند، این تنها یک شرایط زودگذر است. بعضی از آنها خیال می‌کردند، برای یکی از افراد خانواده‌ام اتفاقی افتاده و یا پدر و مادرم با یکدیگر اختلاف پیدا کرده‌اند، اما وقتی خانم مدیر مادرم را خواست و ماوقع را از او جویا شد، با زیرکی و دقت نظری که داشت پی به اصل ماجرا برد. او خیلی تلاش کرد که زیر زبانش را بکشد اما فایده‌ای نداشت. می‌دانستم اولین کسی که پی به عشقم بیرد، بقیه را نیز از قضیه مطلع خواهد کرد. با خود خیال می‌کردم اولین قدم در راه بزرگ شدن پنهان کاری و رازداری است.

دو سه روز بعد از آن وقتی به مغازه امید رفتم. آدم دیگری بودم. آن روز با تمام وجود احساس می‌کردم متعلق به او هستم و باید به هر قیمتی شده عشق او را برای خود حفظ کنم. آنچه آن روز برایم در مغازه کیف فروشی اتفاق افتاد، سرنوشت زندگی‌ام را برای همیشه عوض کرد. من و امید تا قبل از آن روز نزدیک به چهار ماه با یکدیگر ارتباط داشتیم و من هر روز احساس می‌کردم او عاشق‌تر از روز قبل با من رفتار می‌کند. اما آنچه در طول چهار ماه بین ما گذشت تنها دقایقی بعد از آن که به خیال خودم روح او را از عشق خویش سرمست کرده بودم ناگهان فرو پاشید. او در حالی که با ارزش‌ترین گوهر زندگی‌ام یعنی آبرویم را به پایش ریخته بودم، ناگهان مرا از خود

است که آرزو دارم تو را دوباره فردا هم ببینم. و باز فردا از راه می‌رسی و بهانه‌ای دیگر. فردای آن روز او کیف پول چرمی قهوه‌ای رنگی برایم از بازار یا شاید هم از انبار مغازه‌شان تهیه کرده بود. وقتی کیف پول را باز کردم تا بیشتر براندازش کنم ناگهان چشمم به عکس جوانی افتاد که زیر تلق کیف قرار داشت. وقتی بیشتر دقت کردم تازه متوجه شدم این عکس، عکس کسی نیست جز او. قلبم به شدت می‌زد، دستهایم می‌لرزیدند، اما سعی کردم آرامش خود را حفظ کنم. در محل نگهداری اسکناس نیز چشمم به کاغذ سفیدی افتاد که تا شده و در کنارش یک شاخه گل سرخ قرار داشت. لای تای کاغذ را باز کردم، فوراً متوجه دستخط منظم و ریز او شدم و کلمه دوست دارم توجهم را جلب کرد. احساس کردم لحظه به لحظه داغ می‌شوم. دیگر یاد نمی‌آید چه کردم و یا چطور از او جدا شدم. بعد از آن روز من و امید اغلب یکدیگر را می‌دیدیم. کم‌کم شرم و حیای روزهای اول در من فرو ریخت. هر چه می‌گذشت بیشتر به او دل می‌بستم و وابسته‌تر می‌شدم. هرگز به فکرم نرسید از او درباره خانواده‌اش بپرسم یا بدانم آن مغازه کیف فروشی مال پدرش است یا این که او شاگرد آن مغازه است. راستش آن موقع برایم مهم نبود. آنچه برای من اهمیت داشت، عشق او و وجود او بود. گاهی در خلوت خود وقتی به آغاز آن ماجرای عشقی و عجیب فکر می‌کردم، باورم نمی‌شد که به این سادگی اسیر و دلباخته جوانی شده باشم که چیز زیادی از او نمی‌دانم. رفته رفته رفتار من در خانه، مایه تعجب اطرافیان

فروشگاه ایمان (کُن)

انواع شیرینی جات تازه
آجیل، خشکبار

در ازای ۲۰ یورو
خرید یک کاست
موسیقی مجانی

و
در ازای ۵۰ یورو
خرید یک سی دی
مجانی داده
خواهد شد



عید شما مبارک

Dassel str. 1 , 50674 Koln
Tel: 0221 / 201 92 17

لوازم یدکی اتومبیل B7

قبل از خرید هر گونه لوازم یدکی
اتومبیل با ما مشورت کنید
ما بهترین و ارزاترین را به شما معرفی میکنیم

سال نو مبارک

استقبال شما
افتخار ماست



Friedrich-Ebert-Str.159
42117 Wuppertal

Tel: 0202/49 57 459
Fax: 0202/49 57 460
carteileB7@gmx.de

فروشگاه جام جم برمن

مانند هر سال کلیه
مایحتاج نوروزی
شما را تدارک
دیده است.

Jam-e-Jam

August-bebel-Allee 9
D 28329 Bremen

Fon: 0421 4349521

قنادی جمیل (تولید و پخش)

صد سال به از این سالها



شیرینی تر، رولت، ناپلیونی، لطیفه، کلوچه، زولیا و بامیا

سفارش انواع کیکهای عروسی و تولد از طریق آلبوم کیک
و سفارش هرگونه شیرینیهای ایرانی با سفارش تلفنی از قبل به
هر اندازه و هر رقم که بخواهید

Benzstr. 13 b & Kolner Str. 23 Dusseldorf

Tel: 0211 - 229 85 76

0211 - 588 95 19 / 0211 - 179 38 171

konditireijamil@yahoo.de

برای همکاری با شما در همه زمینه های آموزش و یادگیری...
از زبان انگلیسی گرفته تا کسب مدارک بالاتر در
استانداردهای قابل قبول بریتانیا

آموزش بیشتر
یعنی
شغل بهتر



همین امروز با تلفن رایگان «لرن دایرکت» learndirect تماس بگیرید و با یکی از مشاوران آموزش ما به زبان فارسی
صحبت کنید. آنها همه اطلاعات و خدمات مشاورتی که شما برای آینده بهتر لازم دارید را در اختیار شما قرار خواهند داد.

Lines are open Monday - Friday, 9am-5pm

Ufi Ltd November 2007. All rights reserved. learndirect is a registered trademark of Ufi Ltd. All information correct at time of going to press. IH/508C/V01

0800 093 1116

learndirect-advice.co.uk

Nothing can stop you when you learndirect



PROSPER BUSINESS CENTRE

دفتر کار از هفته ای ۶۹ پوند

شامل: برق - آب و تمیز کاری دفاتر

-منشی برای دریافت پیغام های

-تلفنی و انجام امور اداری -فتوکپی -

فکس و دریافت و توزیع نامه ها

Tel: 02073280002

07939110764

ADDRESS: PROSPER HOUSE و

146-154 KILLBURN HIGH ROAD

NW6

CLOSE TO WEST HAMPSTEAD / MAIDA

VALE

داش اسمال:

اصغر ریزه طرفدار ممد شلی شده بود

پریروز رفتیم فرودگاه مهرآباد لندن؛ این اصغر ریزه رو خویلهش گرفتیم این اصغر ریزه بعضی وقتا خیلی خره به چند تا زیر خاکی ماکي تو ساکش جاسازی کرده بود تا برسه اینجافوری به ۵۰ تایی جا سازی می‌کونه کف دست ماموره که زیر سبیلی اون رد کنه. فکر می‌کنه اینجام تهروونه که همه حق حساب می‌گیرند. یارو نامردی نمی‌کونه میذارش سینه دیفال و هی ازش سوال می‌کونه. اصغر ریزه ام که انگلیسی مینگلیسی حالیش نیست!! خلاصه به ایرونی می‌آرند تا ترجمه کنه و تا ما رسیدیم ولش می‌کونن

بهشتم میگم: واسه چی حق حساب دادی؟

آخه داش اسمال رسمشه دیگه تا میرسی هر جا که مامور.

پمور میاد فوری باید مایه رو بدی

- عشقی حق حساب مال ایرونیاس

داش اسمال گرفتی ما رو؟! حق حساب قانونیه اگه ندی یخه ات

رو می‌گیرن کارت راه نم‌یافته

- اصغر باز خر شدی اینجا قدغنه

اصغری رو آوردیم خونه. تا چیز میز شو جا و جور کنم آبی به سر

و صورتش بزنه و اومد نشست و ازش پرسیدیم: اصغری چه خبر

از ایرون؟

داش اسمال ایرونه خیلی با حاله شده از وقتی این مد خاتمی

اومد. چون داش اسمال اوضاع فرق کرده تا دلت بخواد نشمه جات

فراوونه. عرق، تریاک و دوا اورت همه جا هست. پول، مولم زیات

شده و حلال و حروم سرت نشه فت و فراوونو
نیگایی به اصغر ریزه کردم باورم نمیشد که این حرفا از زبون اون درمی‌آد و حالا اونم طرفدار مد شلی شده بهش گفتم:
زپرتی حالا کارت به بی ناموسی کشیده؟ نسناس عوضی نشمه و تریاک و دزدی و اعتیاد و بدبختی زیاد شده تو می‌گی خوب شده؟! اصغر خجالت نمی‌کشی ناسلومتی ما جاهلا شاهرگمونو می‌دادیم کسی به ناموس اهل محله مون چپ نیگا نکنه. کسی مشکلی داشت فرش خونمونو گرو می‌داشتیم کارش راه بیفته به آدم مظلومی کسی زور می‌گفت حالشو می‌گرفتیم. حالا تو بی معرفت اومدی همه اون لوطی گریها رو فراموش کردی و با ذوق از بی معرفتی‌ها می‌گی؟ پاشو اصغر از چشمم افتادی بی معرفت. اصغری به خورده رفت تو خودش و همانطور که سرش پایین بود گفت:

داش اسمال بد زمونه ای شده همه اینایی که می‌گی حرف دیروز بود. امروز تو ایرون دیگه این حرفای شوما قصه اس. هر کی بفکر نونه شنبه. همه رو گرفتار کردن. نددی می‌دزدنت. نچاپی می‌چاپنت. همرنگ جماعت نشی سینه دیفالی

- اصغر زبونتو گاز بگیر اینا از خدائشونه این حرفا رو تو مردم رواج بدن! خر نشو این دارو دسته از شیطان بدترن. ملتی رو به روز سیاه نشوندن که همت و غیرتشو ازش بگیرن چون می‌دونن همیشه غیرت و همت ایرونی که جلو دار همه چیز و همه کس هست. نه اصغری اینطوره هم که تو می‌گی نیست ایرونی شاهرگش بره غیرت و همتش نیره. پاشو سر سال نویی چشم و چارتو بشور و دهنو آب بکش و این چرت و پرتای عوضی رو نگو

. نوکرتم داش اسمال راس می‌گی هر چی شوما بگی غلامتیم

از فردا بهت میگم چیکار باس کرد

پس تا فردا زت زیاد

فروشگاه چی چی نی در مکان جدید

در فاصله ۲۰ متری مکان سابق

نوروز پیروز بر هموطنان مبارک باد



مرغوبترین مواد غذایی ایرانی، شیرینیجات و میوه جات ایرانی، موزیک و فیلم، کتاب و نشریات، صنایع دستی

آیا آرایش چهره شما را پیر میکند؟

از نینگ چائو کارشناس زیبایی

در حال تبلیغ لباسهای بسیار گران قیمتی بودیم که تنها زنان مستتر میتوانستند از عهده خریدش برآیند. اما اگر شما به سنی رسیده اید که اطرافیان شما را «جدی» میگیرند و برای بزرگ بودن نیازی به آرایش غلیظ ندارید، بهتر است به جای کرم پودر از کرمهای مرطوب کننده رنگ دار استفاده کنید.

به گفته آنجلا لوین متخصص آرایش کمپانی مشهور شانل: «جز در مواردی که میخواهید به دلیل خاصی بزرگتر از سن واقعی خود نشان دهید، چرا جوانی و طراوت خود را زیر آرایش غلیظ پنهان کنید؟» او افزود که جواتر به نظر رسیدن به معنای کنار گذاشتن لوازم و شیوه آرایشی است که در جوانی از آن استفاده میکرده اید. «اکنون زمان انتخاب لوازمی با بافتی نرم و حریری و استفاده اندک از آنهاست.»

پاتریک مک مولان، عکاس و نویسنده مجله که شاهد رشد و پا به سن گذاشتن مشهورترین زنان جهان بوده است، میگوید: «استفاده بیش از حد از پودر صورت هم میتواند چهره شخص را پیرتر نشان دهد. آرایش تشکیل شده از چهره ای به رنگ سفید گچی و چشمانی با آرایش غلیظ سیاه، میتواند بر روی چهره یک مدل ۱۹ یا ۱۶ ساله بسیار جذاب باشد، اما برای یک زن ۳۰ ساله، به خصوص در اواخر شب، بسیار زشت و زننده است و او را وارفته و بیمار نشان میدهد.»

در این سنین پوست تر و تازه و مرطوب بسیار مناسبتر است. به گفته استار «فورمولهای آرایشی کرمی که حاوی مرطوب کننده هستند، تاثیری نرمتر و زیباتر دارند.» او استفاده از کرم پودرهای پوشاننده لکه و تیرگی یا (concealer) که تنها در زیر چشم و کنار بینی استفاده میشوند را نسبت به استفاده از کرم پودری برای تمام صورت، بیشتر توصیه میکند و برای برطرف کردن برق روی پیشانی، بینی و چانه، استفاده از کاغذ خشک کن را که چربی را برطرف کرده و براق بودن محل را از بین میبرد، توصیه میکند.

پودر تنها باید در اطراف چشم، که استفاده از کرم موجب تشدید چروکهای اطراف آن میشود، استفاده شود و پوشاندن تمام چهره با پودر توصیه نمیشود. به جای خط چشم سیاه، بهتر است از یک سایه چشم با رنگ خنثی و بدون اکلیل و مداد چشمی به رنگ قهوه ای تیره استفاده شود تا توجه اطرافیان به خطوط

کرم پودر غلیظ و اکلیلهای براق - اینها از جمله لوازم آرایشی هستند که باید دست از آن بردارید. نینگ چائو اسرار جوانی پایدار را با شما درمیان میگذارد. اولین برخورد من با نشانه های انکار ناپذیر سن، زمانی بود که روزگانه براق مورد علاقه ام بر روی گونه چروک برداشت. چیزی به تولدم - تازه ۲۸ ساله میشدم - نمانده بود که متوجه آغاز تغییرات چهره ام شدم.

کک و مکهای ناشی از تابش خورشید بازگشت ناپذیر شده و خطوط ریز اطراف چشمانم دیگر تنها در اثر خندیدن ایجاد نمیشدند، بلکه همواره آنجا بودند. هرچند هنوز سی سال هم نداشتم، اما نگرانی وجود را پر کرده بود.

البته من در این موقعیت تنها نیستم. اولین نشانه های پیش از موعد ساخوردگی مانند یک تار موی سفید یا یک چروک تازه میتواند تاثیر بسیاری بر اعتماد به نفس ما داشته باشد. دکتر دیوید سارور استادیار روانشناسی میگوید از نظر بیولوژیکی، اوج دوره باروری و جذابیت جنسی از اواخر دوره نوجوانی تا میانه دهه ۴۰ سالگی است. هرچند اینکه تصور کنیم زنی در اواخر دهه بیست عمر خود دوران شکوفایی خود را پشت سر گذاشته باشد، قدری غلو آمیز باشد، اما شکی نیست که در این دوره، زنان باید در نوع آرایش و لوازم آرایشی خود تجدید نظر کنند. زیرا از این دوره به بعد، آرایش از حالت تفریحی و آزمودن رنگها و مدلهای عجیب و غریب خارج شده و بیشتر به منظور اصلاح و ترمیم انجام میشود.

به گفته پل استار آرایشگر «نوجوانان به این خاطر آرایش میکنند که زنانگی خود را احساس کنند. دختران هنگامی که ۱۳ ساله هستند، میخواهند ۱۹ ساله به نظر برسند، اما روزی میرسد که وضعیت تغییر میکند و آنان در سنی هستند که میخواهند جواتر به نظر برسند.»

دختر بچه هایی که در مسابقات زیبایی کودکان شرکت کرده یا از سنین بسیار کم مدل لباس میشوند از جمله افراد اندکی هستند که به عمد و با استفاده از کرم پودر غلیظ، سایه چشم تیره و ریمل بیش از حد خود را مستتر نشان میدهند.

لورن هاتون مدل و بازیگر مشهور دهه ۶۰ و ۷۰ میگوید «ما باید بزرگتر از سن واقعی خود به نظر میرسیم زیرا

دور چشم جلب نشود. هاتون هشدار میدهد که همواره از لوازم آرایشی براق و اکلیل دار با احتیاط استفاده کنید. «فرمولهایی که حاوی ذرات درخشان هستند مانند چراغهای اطراف باند فرودگاه عمل میکنند و تمام خطوط چهره، چروکها و روزنه های پوست را به وضوح نشان میدهند.»

مراقب سایه روشنایی که روی چهره ایجاد میکنید نیز باشید. چهره به مرور زمان استحکام و پری جوانی را از دست میدهد و شما باید مراقب باشید که اگر گونه هایتان دیگر برجسته نیستند، آنها را با رژ تیره، گودتر نشان ندهید. به گفته دکتر هاید هیرمند جراح پلاستیک اهل نیویورک «حجم صورت با بالا رفتن سن کمتر میشود و زنان بین سن ۲۵ تا ۳۵ سالگی، فربهی کودکانه چهره خود را از دست میدهند و چهره ایشان فرم استخوانی خود را بیشتر نمایان میکند. به جای استفاده از رنگهای تیره، کمی سایه روشن به چشمها و اندکی سایه کرم یا مروریدی رنگ به زیر ابرو بزنید تا چشم درخشانتر دیده شود. برای گونه از رژ گونه در مایه های روشنتر و در امتداد خط گونه استفاده کنید.

به گفته استار: «زنان درست در زمانی که چهره ایشان در بهترین شرایط ممکن قرار دارد، دوست دارند جواتر به نظر برسند. آنها در این دوره فوق العاده اند اما با تمرکز بر آنچه که از دست داده اند، این دوره شکوفایی را از دست میدهند.»

رستوران خانوادگی نیروان در شهر کلن

با غذاهای متنوع ولذیذ در خدمت هموطنان عزیز

Tel: 0221 / 25 27 22

Fax: 0221 / 25 72 773

Jahnstr. 20 (am Zulpicher Platz), 50676 Koln

Offnungszeiten: täglich 12 - 23 Uhr



مسابقه و جایزه

در این شماره چهره های را برای شما انتخاب کرده ایم که شما از میان آنان ۸ نفر را نام ببرید و برای ما ارسال کنید و جایزه بگیرید



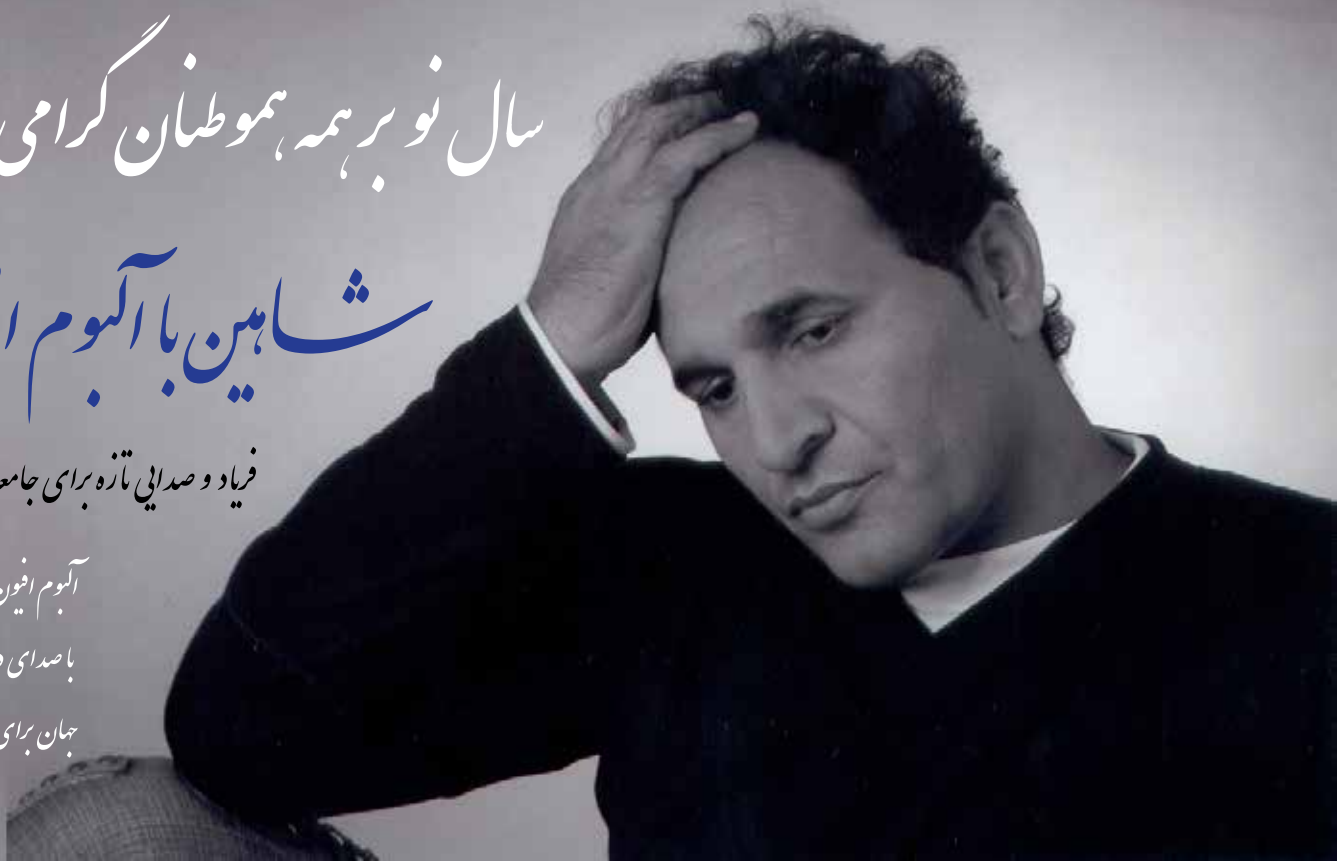
تکه نویسی و جایزه ویژه

به کسانی که هر شماره در باره یک مطلب یا تصویری چاپ شده در مجله رنگارنگ چند خطی نظریات خود را بنویسند و ارسال کنند جایزه ای تعلق می گیرد شما نیز می توانید با دقت صفحات مجله را ورق بزنید و در باره عکسی چاپ شده یا مطالبی که نظرتان را جلب کرد چند خطی برای ما بنویسید و به آدرس مجله ارسال نمائید و جایزه ای دریافت کنید شرکت در این بخش مسابقه قرعه کشی ندارد و به کلیه نامه های رسیده جایزه ای داده میشود.

سال نو بر همه هموطنان گرامی مبارک باد شاهین با آلبوم افشین

فریاد و صدایی تازه برای جامعه و نسل سوخته ایران

آلبوم افیون با آواز فارسی و آذری
با صدای دلنشین شاهین در سراسر
جهان برای ایرانیان و فارسی زبانان



می بینه یه تابلو زدن که روش نوشتن: محل نگهداری دانش آموزان متوسط. میبینه بچش اوچاهم نیست. میره طبقه ی سوم. می بینه یه تابلو زدن که روش نوشتن: محل نگهداری دانش آموزان خنگ. کودن. کم حافظه ! با خودش می گه حتما همینجاس. میبینه بچش اوچا هم نیست. میره طبقه ی چهارم. می بینه یه تابلو زدن که روش نوشتن: محل نگهداری بچه غضنفر

جاسم تو بیابون گم میشه . و داشته از تشنگی میمرده خلاصه هی میگفته آب آب آااا آب یه دفعه میرسه به یه چشمه دستاشو میزنه تو آب میکشه به موهاش میگه آخیش . ولک راحت شدم تیپ موهام خراب شده بود داشتتم میمردها

به غضنفر میگن پسرت رکورد شکونده! میگه خاک بر سرش! من گفته باشم یه ریال هم خسارت نمیدم

از غضنفر می پرسند که خط وسط قرص برای چیه؟
غضنفر میگه : والله برای اینکه اگه قرص با آب نرفت پایین با پیچ گوشتی بره پایین

مامورین آتش نشانی ضمن خاموش کردن شعله های آتش خانه ای که در حال سوختن بود . احساس کردند که بوئی شبیه سوختن قند بلند شده د بنابراین از صاحبخانه پرسیدند : آیا در خانه انبار قند دارید د وی کمی فکر کرد و جواب داد نه . خیال میکنم این بوی سوختن مادرزم باشه . چون اون مرض قند داره

غضنفر می ره خواستگاری. پس از این که خانواده دختر و خود دختر رضایتشون رو اعلام می کنن. پدر دختره از آقا غضنفر می پرسه؟ پسرم این گلی رو که به یقه لباس آویختی. خار هاش اذیت نمی کنه؟ غضنفر می گه: خارا که نه اما گلدونش که در شلوارمه خیلی اذیت می کنه.

بیشتر سردت بشه چی؟ میگه: میچسبم به بخاری! میگن اگه خیلی سردت بشه چی؟ میگه: اونوقت بخاری رو روشن میکنم

توی یک دیوونه خونه هر روز صبح دیوونه ها صف می کشیدند و داخل یک سوراخ توی دیوار را نگاه می کردند د تا اینکه یه روز ، یکی از دکترها طاقت نیاورد بلند شد و رفت پیش اونا و داخل سوراخ را نگاه کنه بینه واقعا» اون توی چیه ، بعد رو کرد به دیوانه ها گفت : من که چیزی نمی بینم د دیوانه ای که نزدیکش بود گفت چه زنگ . چند ساله داریم نگاه می کنیم چیزی ندیدیم این می خواد با یکبارچیزی ببینه!!



یک روز عزرائیل توی یک اتوبوس می ره تا جانی بگیره یک پیره زن تو اتوبوس بوده متوجه عزرائیل می شه تندی یه شوکولات می اندازه تو دهنش وچلپ چلپ می خوره عزرائیل می گه چی می خوری پیره زن با لحن بچه گانه می گه به به دد عزرائیل می گه به به تو تمام کن بریم د در د

غضنفر میره مدرسه دنبال بچش. میره طبقه ی اول. می بینه یه تابلو زدن که روش نوشتن: محل نگهداری دانش آموزان با استعداد. از مسئولش می پرسه: آقا بچه ما اینجاس؟ طرف میگه: نه داداش. میره طبقه ی دوم.

غضنفر میره ماشینشو بیمه کنه. بیمه گذار بعد از پایان قرارداد میگه: امیدوارم هیچ زمان نیاز نباشه که از این بیمه استفاده کنی. غضنفر هم جواب میده: امیدوارم تو هم هیچ وقت از این پول خیر نبینی !!

عاقبت خطاب به عروس: آیا وکیلیم شما را با مهریه هزار لیتر بنزین و چهار عدد کارت سوخت به عقد دائم آقا محمود در بیاورم؟ ... عروس رفته ماشینش رو گازسوز کنه

دختر : بالاخره منو از پدرم خواستگاری کردی؟
پسر : بله!
دختر : پدرم چه گفت؟
پسر : سرش را روی شونه ام گذاشت و زار زار به حالم گریست

یه روز یه اصفهانیه داشته روی خودش آب یخ میرخته! یکی می بینتش و ازش میپرسه چرا همچی میکنی؟! اصفهانیه میگه: میخوام سرما بخورم! یارو میگه: چرا؟ میگه آخه یه پنی سیلین تو خونه دارم داره تاریخ مصرفش میگذره!

دغدغه های یه پسر جوان - کار ندارم - پول ندارم - سربازی نرفتم - ماشین و خونه ندارم - ... و ...

دغدغه های یه دختر جوان - لاک ناخنم پاک شده - سیمین سرویس طلا خریده - دختر خاله ام ماشین داره - مامان غذای خوب نمی پزه - عروسکم رو هنوز نخواستندم

جاسم میاد تهران سوار اتوبوس میشه بلیط آبادان میده
راننده بهش میگه این مال آبادان تو تهران اعتبار نداره

میگه ولک خوب نگاه کن روش نوشته آبادان و حومه

به غضنفر میگن اگه سردت بشه چه کار میکنی؟ میگه: میرم بغل بخاری! میگن اگه



رستوران نروان «قلب دوسلدورف»

فرارسیدن نوروز باستانی بر همگان مبارک

Tel: 0211 / 86298490

Fax: 0211 / 86298491

Neu Str.45 (Altstadt), 40213 Dusseldorf

Offnungszeiten: Mo. - Sa. 11-24 Uhr



اسلام بدون روحانیت و روحانیت بدون اسلام

حرف تازه

فرخ فروزین

عنوان این مقال (اسلام بدون روحانیت) نظریه ای است از دکتر علی شریعتی مزینانی و (روحانیت بدون اسلام) از حسین حاج فرج دیباغ معروف به دکتر عبدالکریم سروش که در دو زمان تاریخی ایران قبل و بعد از انقلاب ۵۷ عنوان شد.

نظر شریعتی این بود که در اسلام چیزی بنام روحانیت از ابتدا وجود نداشت. این نظریه شریعتی اقتباسی بود از دین مسیحیت چنانچه فقه اسلامی یک مطلب موخری است که آنهم در ابتدا در اسلام وجود نداشت فقه و تفقه در دین به معنای فهم اصول دینی بود و معنای اصطلاحی امروز را نداشت بنابراین با توجه به مشکلاتی که روحانیت برای اسلام و مسلمانان ایجاد کردند شریعتی پیش بینی می کرد که آینده دین اسلام منهای روحانیت خواهد بود. دکتر شریعتی به کمک تبلیغ جمعی از اعضای نهضت آزادی به عنوان متفکر و اسلام شناس به جوانان مذهبی و روشنفکر معرفی گردید

شریعتی همان طریقی را طی کرد که کارل مارکس قبلاً آزمایش کرده و به نتیجه رسیده بود

مارکس و هواداران او مبانی مذهب و ملیت گرائی و شور سوداگری را بی اعتبار ساختند و تعصب تازه ای از سوسیالیسم و کمونیسم و ملیت گرائی استالین و شوق به تسلط بر جهان پدید آوردند. علی شریعتی با طی همین طریق و انتشار کتب انسان و اسلام: اسلام شناسی: بازگشت به خویشستن و سخنرانی در حسینیه ارشاد به یاری طنز و نیش زبان و انتشار گسترده شک و تردید و تحقیر بی حرمتی به آخوندها اعتقادات و تعلق خاطر مردم را نسبت به این جماعت سست نمود و توده های مردم را با اندیشه تغییر آشنا کرد و امکان ظهور یک ایمان تازه و تعصب آمیز را پدید آورد

شریعتی می دانست روندی که به وسیله آن بی اعتبار شدن اعتقادات فراهم گردد امکان به وجود آمدن یک ایمان تعصب آمیز را پدید خواهد آورد که بهره ور از ایمان کور خواهد بود. شریعتی با بی اعتبار ساختن اعتقادهای جاری و بریدن رشته پیوند جوانان با آخوندها غیر مستقیم آتش عطش به مکتب جدید در

دل آنان که نمی توانستند بدون مذهب زندگی کنند برافروخت و نتیجتاً مکتبی که خود ارائه نمود و برای آن موعظه می کرد توده های سرخورده و به ویژه جوانان را مشتاقانه به طرف خود کشید

و دیدیم که در سالهای ۴۷ و ۴۸ حسینیه ارشاد پایگاه جوانان به ویژه دانشجویان که برای شنیدن سخنرانیهای شریعتی سر و دست می شکستند و خواندیم در کتابهای بسیاری از نویسندگان که منعکس کننده نظرات شریعتی به ویژه در آن قسمتهایی که آخوندها تحقیر گردیده بودند.

اکثر روشنفکران بر این باور بودند که شریعتی با عملی شجاعانه برای استقرار جامعه ای مرکب از افراد آزاد اندیش قلم به دست گرفته و زبان به تکلم باز کرده تا ملت را از چنگال آخوندهای نادان برهاند

مکتبی که شریعتی ارائه می دهد پیکرش اسلام و مغزش معجونی است از فلسفه های مادی: ایده ایستی گوناگون شریعتی معتقد بود اسلام با همان سخنان هزار و چهار صد سال قبل برای جوانان تحصیل کرده ایمان آفرین نیست و باید مفاهیم تازه ای ساخت و به پیکر دین پیوند زد مفاهیمی که بتوان برای پذیرششان طلب ایمان کرد و نام آن را ایمان آگاهانه گذاشت در صفحات ۱۶۱ و ۱۶۲ کتاب انسان و اسلام می گوید:

« من خود باید در میان خمیل غریبی و وراثت تاریخی خودم در این لحظه دست به انتخاب بزنم چگونه؟ با بینش و تجربه جهان امروز و ایدئولوژیهای امروز از عناصر و موادی که در متن فرهنگ و مذهبی خودم هست عناصر ایدئولوژیک آگاهانه ام را پیدا کنم و برای این عنصر بی رمق و نسل بی ایمان ایمان آگاهانه بیافرینم و بر این اساس است و در این جستجو است که ما اسلام را یافته ایم نه اسلام فرهنگ را که عالم می سازد که اسلام ایدئولوژی را که مجاهد می پروراند

دکتر شریعتی به اسلامی که در کار برانگیختن مردم نیست و آنان را به عصیان دعوت نمی کند اسلام فرهنگ یا سنتی می گوید و به اسلامی که به قول خودش به هنگام دعوت پیامبر عرضه شده و مردم را علیه اباطیل شورانده اسلام ایدئولوژی نام می نهد و می گوید: اسلام فرهنگ عبارت است از مجموعه عقاید موروثی: احساس های تلقینی و احکام خاص ناخود آگاه عملی در حالیکه اسلام ایدئولوژی عقایدی بوده که آگاهانه از سوی مردم به منظور تحقق ایده آلهایشان انتخاب شده و چون خود انتخاب نموده اند برای حقیقتش قیام نیز کرده اند

منظور شریعتی از اسلام: اسلام ایدئولوژی است که معتقد است دین اسلام در آغاز دعوت وجود داشته اما چرا وی همان دعوت را با همان افکار و برهمان سیاق تکرار نمی کند؟ چون معتقد است که آن سخنان دیگر به ویژه برای جوانان تحصیل کرده دانشگاهی که او کمر به تجهیز آنان بسته است ایمان آفرین نیست و باید مفاهیم تازه ای ساخت و بر پیکر دین پیوند زد که بتوان برای پذیرششان طلب ایمان کرد و نام آن را ایمان آگاهانه گذاشت

علی شریعتی در سرشت شناسی انسان می گوید که خدا در انسان نماد و نیروی است که او را به سوی قله می کشاند و جن نماد نیروی ضد آن است که او را به پستی می کشاند و از جمع این دو نبرد و مبارزه حرکت پیش می آید و تکامل: پس تکامل نتیجه و ترکیب این دو عامل متضاد است

فرض کنیم شریعتی درست می گوید و در ذهن آدمی بنیادا دو نیرو وجود دارد که یکی انسان را به کمال و دیگری به پستی می کشاند و باز فرض کنیم این دو نیرو با هم در جنگند و آن نیروی که انسان را به کمال می رساند بنیادا از نیروی پستی قویتر است در این صورت چه نیازی به مذهب یا ایدئولوژی و بطور کلی تعلیم و تربیت؟ انسان را اگرها کنند و آزاد بگذارند خود به خود و دیالکتیکانه به سمت تکامل پیش می رود و خدای خود را که به گفته سهراب سپهری:

و خدایی که در این نزدیکی است

لای این شب پره ها پای آن کاج بلند

روی آگاهی آب روی قانون گیاه

من مسلمانم قبله ام یک گل سرخ

جا نازم چشمه مهرم نور دشت سجاده من کن وضو با تپش پنجره ها می گیرم

در نازم جریان دارد ماه: جریان دارد طیف سگ از پشت نازم پیداست

همه ذرات نازم متبلور شده است

من نازم را وقتی می خوانم

که اذانش را باد گفته باشد سر گلدسته سرو من نازم را پی تکبیر الاحرام

علف می خوانم چش پی قدمات موج کعبه ام بر لب آب

کعبه ام زیر افاقی هاست

کعبه ام مثل نسیم می رود باغ به باغ می رود شهر به شهر

حجر الاسود من روشنی باغچه است

چه آسان می توان دید و رابطه برقرار کرد احتمالاً آقای شریعتی به این گرفتاری خود بخودی نبودن ذهن به سمت برتری و مقالی پی برده که می گوید از جن تا خدا راهی کشیده شده است که مذهب نام دارد و انسان این راه را



(با شهادت از گفتار و کردار خود
ابراز پیشیمانی و ندامت و طلب
بخشش از تمامی جوانان همیشه
در صحنه حسینیة ارشاد و ملت
ایران می نمود و رویا روی خمینی و
دیگر دغلكاران مذهبی به ستیزی
غیر قابل تصور بر می خاست

قومی متفكر اند ره دین
قومی بگمان فتاده در راه یقین
می ترسم از آنكه بانك آید روزی
كای بیخبران راه نه آنست و نه این

و به قول آقای دکتر منوچهر
تهرانی که در کیهان لندن شماره
۹۶۹ در مقاله ای با این عنوان
فرمودند:

«زنهار از آخوند (مکلا) . زنهار»
حال چون این مقال به درازا کشید
عنوان دوم (روحانیت بدون اسلام)
را که نظریه ای است از آقای دکتر
عبدالکریم سروش از مریدان
و شاگردان معتقد و مومن به
شریعتی که در باره اش گفته بود:
(شریعتی را من ابتدا در آینه
مخالفانش مشاهده کردم
مخالفانی که نیم پاره از هزاران
پاره کمالات او را نداشتند و از
اختلاف شدیدی که بر سر او می
رفت پی بردم که باید عظمتی

نوع امریکایی است از وقتی که
آنها آمدند و این جلها و این مهره
های خر را خریدند و به گردن
خانهایشان انداختند ما خودمان
را کشف کردیم
به هر تقدیر این نکته را نمی توان
کتمان کرد که علی شریعتی
مزینانی با همین مکتب ابداعی
در گروهی از جوانان ایمان آفرید و
آنان را به خریک واداشت و حاصل
آن تاسیس سازمان آزادی بخش
ایران بود . گروهی از آخوندها را
به صرافت انداخت تا برای مقابله
در مکتب سازی و عقب نیفتادن
دست به یک نوآوری بزنند لکن
حاصل بازگشت به خویشستن
به جای ایمان آگاهانه تازه ایمان
جاهلانسه و کهنه ببار آورد و عملا
بازگشت به مذهب سنتی گردید
و با بازی با مذهب یک ملتی را به
نابودی کشید و خون هزاران جوان
ایرانی را بر زمین ریخت
ایمان دارم که اگر شریعتی
زنده بود و شاهد و ناظر حضور
آخوندها در صحنه سیاست و
حکومت و اینهمه فجایع می
بود(بر خلاف دکتر عبدالکریم
سروش که سعی در پا بر جایی
این شنیادان و به اصلاح و ترمیم و
رفو اینان کمر همت بسته است

باید بپیماید و ادعا می کند که این
صراط مستقیم (مذهب) هزاران
تن را به مقصد رسانده ولی ما را
عمری متوقف نگاه داشته !!!!!.
شریعتی در صفحه ۵۵ کتاب
روشنفکر و مسئولیتهای او می
نویسد:
.....به منزل یکی از رفقای قدیم
رفته بودم و دیدم که یک جفت
گیوه را به در اطاقش زده یعنی من
به خود برگشته ام ؛
گفتم که گیوه را دم در اطاق
می گذارند. تو به امریکائیها
برگشته ای که گیوه و خر مهره
را می خرنند و به دیوار می زنند
اینهم که باز تقلید است توبه
کدام خودت برگشته ای ؟
تو اصلا می شناسی که خودت
چه هستی که به آن برگشته ای ؟
و در صفحات ۳۳ و ۳۴ نیازهای
انسان امروز می نویسد
.....روزی رفته بودم به دیدن یکی
از آقایان که خیلی متجدد است
و بازگشت به خویش هم کرده
است در آنجا دیدم که او یک جل
الاغ جلو مهمانخانه اش گذاشته
است! گفتم آقای محترم آیا
معنی بازگشت به خویشستن
همین است ؟ این بازگشت به
خویشستن یک بازگشت به خویش

در کار او باشد و بیهوده سخن
بدین درازی نبود سرنوشت چنان
خواست که در فرنگ شاهد مرگ
او و از شویندگان جسد او باشم)

دنبال خواهم کرد در واقع سروش
به همراه مجتهد شبستری بر
جسد شریعتی حاضر شد و در
شست و شوی جنازه او شرکت
کرد و بارها برای کسانی که
شریعتی را شهید خوانده اند
این روایت را تکرار کرد که کالبد
شکافی شریعتی نه نشانی از

فروشگاه ایران (فرانکفورت)



مرکز پخش محصولات مهیار

فروشگاه ایران بزرگترین مرکز پخش کاست
و سی دی از کمپانیهای آمریکایی و اروپایی

IRAN SHOP

SCHONSTRASSE 15, 60327 FRANKFURT

TELEFAX: 069 / 92 91 99 56

MOBIL : 0173 / 422 93 93

GRAFIC & MORE

WERBUNG - ADVERTISEMENT

VISITENKARTEN

BUSINESSCARDS

POSTKARTEN

POSTCARDS

BRIEFBÖGEN

STATIONARY

FLYER

FLYER

BROCHÜREN

BROCHURES

POSTER

POSTER

3000 Visitenkarten/
businesscards 70,00 €
1000 Flyer A6 85,00 €
1000 Flyer A5 115,00 €

Inklusive Grafiken
Inclusive graphics

Vergrößern Sie Ihren Kundenkreis, erhöhen Sie
Ihren Umsatz, gewinnen Sie rundherum.
Wir beraten Sie gerne !

Get more customers, increase your sales, win
in anyway possible. We like to consult you !

Grafic & More
Stiegelstr. 27, D 65207 Wiesbaden
Fon: 0049 (0)611 - 9490532 Mobil: 0049 (0)163 3977693

MAIL: grafic-more@web.de

شب آخر

داستان دنباله دار

نوشته: کامران



قسمت سوم

در شماره های گذشته خواندیم که

چهار زن به نامهای عاطفه، نسرين، مریم و اعظم بدنبال اجرای حکم محکومیت عاطفه تصمیم به تعریف کردن زندگیاهاشون میکنند. اولین نفر اعظم است. او در یک ده کوچک شمالی در اطراف رودبار بدنیا آمده. اکثر مردم ده برای خان کار میکنند. پدر اعظم هم برای خان کارگری میکند و مادرش کلفتی خونه خان را میکند. اعظم دو خواهر و برادر دارد به نامهای رعنا و علی. اونها مثل اغلب مردم ده زندگی آروم و فقیرانه ای دارند. یکرز که ننه گلی مادر اعظم برای کاربه خانه خان میرو. مورد تجاوز خان قرار میگیرد. خبر به گوش پدر اعظم میرسد. او برای انتقام سراسیمه به خانه خان میرو. خان مست بودهو بعد از درگیری پدر اعظم را به قتل میرساند. با وساطت پسر خان و اهالی ده ننه گلی رضایت میدهد و خان آزاد می شود.

آره بعد از اینکه پدرم فوت کرد روزگار سختی به ما گذشت. با چندر غاز پولی که پسر خان به ما داد تونستیم یک مقدار دوام بیاوریم. کار مادرم شده بود کلفتی کردن برای این و اون. بعد از چندی مادرم تصمیم گرفت تا به رودبار نقل مکان کنیم داییم میگفت در رودبار شانس بهتری برای کار هست. مادرم هنوز جوون بود و میتونست در باغهای زیتون کار کنه. رعنا هم برای اینکه کمک خرجی باشه بعد از اون سال دیگه مدرسه نرفت و ولی ننه اصرار داشت تا من به مدرسه برم. من هم که آرزوی مدرسه رفتن داشتم. از اول مهر اسم منو رو در یک دبستان نزدیک خونه مون نوشتند. روز اول برام خیلی سخت بود. تازه

وارد بودم و همه چی برام تازگی داشت. ولی خوب خیلی خوشحال بودم. رعنا هم در درسها بهم کمک میکرد. بعد از چندی ننه در یک کارگاه خیاطی کار گیر آورد. کارگاه تولیدی لباس متعلق به یکی از اقوام دور مادرم بود بنام حاجی الماسی. تقریباً میشه گفت بالای پنجاه سال را داشت. هیکل چاق بد قواره ای داشت

قد کوتاه با سیاه چهره و طاس همیشه هم یک تسبیح بلند دردست داشت خودش میگفت دو بار رفته زیارت

خونه خدا. توی رودبار به حاجی خسیس معروف شده بود. میگفتند بچه اش نمیشه برای همین مرتب میره زیارت.

توی کارگاه تولید یش تقریباً میشه گفت پونزده

نفری کار میکردند. کار ننه اوایل تمیز کاری بود ولی رفته رفته پشت چرخ نشست. زندگیمون شکل آرومی به خودش گرفته بود. تقریباً دو سالی از مردن بابام میگذشت. هر از چند گاهی به ده میرفتیم. تا هم سر قبر بابام بریم و هم به دایی سری بزنیم. خان رفته زمین گیر شده بود. میگفتند از موقعی که از روی اسب افتاد

دیگه نتونست درست وحسابی راه بره. مدرسه جدید ده باز شده بود. پسر خان هم با پشتیبانی باباش شده بود مدیر مدرسه. هر وقت سر قبر می رفتیم دوباره خاطره اون روز جلوی نظرم میآمد. تنها تفریح و سرگرمی ما میشه گفت همین سالی دو سه بار به ده رفتن بود. تازه کلاس دوم را تمام کرده بودم. زندگیمون به همون منوال سابق میگذشت. رعنا برای خودش دختر بالغی شده بود. کم کم پای حاج الماسی به خونه ما باز شد. اوایل ماهی یکبار میآمد ولی کم کم به هفته ای یکروز رسید. مادرم میگفت. خدا حاجی رو عمر بده آگه اون نبود معلوم نبود به چه ترتیب باید روزگار رو میگذروندیم. نمیدونم چرا ولی هر وقت حاجی میآمد به من احساس بدی دست میداد و سعی میکردم جلو نیام. یک شب که تازه شامون رو تموم کرده بودیم ننه بون مقدمه رو به رعنا کرد و گفت. رعنا میخوام باهاش صحبت کنم. نمیدونم از کجا باید شروع کنم ولی خوب تو دختر بالغی شدی و خوب میفهمی که چی میخوام بگم. رعنا مات ومبهوت ننه را نگاه کرد. شاید منتظر بود تا ننه سوالی بکنه. مادر ساکت شده بود و خودش رو به جمع کردن سفره مشغول کرد. من هم سرگرم نقاشی شدن با علی شدم و تمام حواسم و گوشم به ننه و رعنا بود. ننه همینطور که داشت پا میشد

گفت. بله دیگه بالاخره زن جماعت باید بره خونه شوهر خود من دوازده سیزده ساله بودم که زن باباتون شدم. یک لحظه قلبم ریخت نکنه ننه میخواد دوباره شوهر کنه. برای همین از دهنم پرید که. مگه ننه میخوای شوهر کنی. صدای خنده ننه از توی آشپزخونه

بلند شد حالا نخند کی بخند. میون خنده هاش گفت. نه مادر برای من همون یکی از سرم هم زیاد بود. منظورم رعناست. رعنا از جا پرید کی؟ من شوهر کنم.

ننه با سینی چایی به اتاق برگشت و گفت. بله تو مگه بچه ای که ترس برت داشته. من که با خنده ننه ترسم ریخته بود گفتم ولی با کی؟

ننه جواب داد راستش چند روز پیش حاجی یکی از کارگرا رو واسطه فرستاد. من گفتم کی؟ حاج الماسی!

رعنا که انگار تازه به خودش اومده بود گفت. اعظم ساکت شو و رو به ننه کرد و گفت. ولی ننه حاجی زن داره. تازه میدونی که چند سال از من بزرگتره و من هم نمیخوام شوهر کنم. ننه وسط حرف رعنا دوید.

زن داره که داره. زنش بچه اش نمیشه از تو هم بزرگتره که باشه. اصل اینه که مال ومنال داره و آدم حرام و حلال دونیه. رعنا زد زیر گریه و یواش گفت. پس بگو من رو میخوای به اون خیکی بفروشی. ننه عصبانی شد. اصلاً صحبت معامله نیست ولی خوب تو هم بالاخره باید بری خونه بخت و مدتی سکوت کرد و با بغض ادامه داد. از وقتی اون خان بی شرف باباتون رو کشت یک شب خواب به چشمم نرفته. تمام امید و آرزو من خوشبختی شماست و به طرف رعنا رفت و گفت آگه تو راضی بشی ما هم میتونیم زندگی راحتی داشته باشیم و دستی به موهای رعنا کشید.

فردای اونروز وقتی ننه رفت سر کار از رعنا پرسیدم. راستی راستی میخوای زن حاجی بشی.

رعنا لبخند تلخی زد و گفت نمیدونم. هفته بعدش دایی اومد به رودبار. تعجب کرده بودم آخه فصل کشت وکار بود. با خودش کلی سوغاتی آورده بودولی بعداً فهمیدم که بعضی از اونها برای جیهیزه رعناست.

فردای اونشب حاجی با زنش اومدن خونمون. زن حاجی را برای اولین بار بود که میدیم. یعنی میگفتن اصلاً

از خونه بیرون نیاد. وقتی زن حاجی را دیدم بی اختیار گریه ام گرفت. رفتم توی حیاط و زار زار گریه کردم. راستیش دلم برای رعنا می سوخت. دروغ نگم زن حاجی قد ننه سن داشت. حاجی با خودش کادویی

آورده بود. بعد از سلام و احوالپرسی حاجی رفت سر اصل مطلب. همونخوره که تسبیحش رو میگردوند رو به دایی کرد و گفت. والا از شما که پنهون نیست ما فامیلیم و از حال وروز هم خبر داریم. من فکر کردم برای کمک به همشیره شما و اینکه بالاخره هر دختری باید یک روزی به خونه بخت بره و خوب ماشاء رعنا هم برای خودش خانی شده وخوبیت نداره که اسمی بالای سرش نباشه. می فهمین که چه عرض میکنم؟ دایی نگاهی به ماها انداخت وگفت. والا حاج آقا گلی خانم و نگاهی به مادرم کرد و ادامه داد. موضوع را با من در میون گذاشت. از قدیم گفتن

در کار خیر حاجت استخاره نیست . فقط موضوعی که هست اینه که رعنا کجا زندگی میکنه . و مکثی کرد . نه که تا اونوقوع ساکت نشسته بود گفت . بگم رعنا چایی بیاره . همه تایید کردند . حاجی دستی به ریشش کشید و گفت . بعله محل زندگی از واجباته . من فکر کردم برای اینکه هم در دخل و خرج رعایتی بشه و هم رعنا بتونه کارهایی رو یاد بگیره در همین منزلی که هستیم زندگی میکنیم . حاج خانم هم راضی هستن . بالاخره ایشون هم به کمک احتیاج دارند . حاج خانم که تا اونوقوع سرش رو به صبحت با نه گرم کرده بود گفت . بعله دیگه هر جور که حاجی صلاح بدونه نه که به آشپزخونه رفته بود با رعنا وارد شدند . رعنا با چارقد رنگی شکل دیگه ای گرفته بود خوشگل تر شده بود . به همه چایی تعارف کرد و رفت بغل نه نشست .

دایی همونجور که چایی رو در نعلبکی میریخت گفت . البته بنده با نظر شما موافقم اما اگر زحمتی برای حاج خانم نباشه . از دست دایی حرصم گرفته بود . انگاری رعنا پیر دختر بود و میخواستند هر جوری شده دکش کنند . دوباره گریه ام گرفت و به حیاط رفتم . از نه بدم میآمد . شاید فکر میکردم باید مبارزه کنه . بچگی و هزار رویا .

اعظم نگاهی به بقیه کرد . مریم هنوز چایی جلوش بود . نسرین بلند شد و به طرف دستشویی رفت و با خودش زمزمه کرد . عجب روزگاریه . تف به این روزگار اینقدر بدبختی .

اعظم جواب داد از اینم بیشتر تازه اول راهیم . مریم چایش رو برداشت و گفت . اما آخر راه نیست . عاطفه که بد جوری در فکر بود به خودش اومد و گفت . ولی من به آخر خط رسیدم .

نسرین در حالی که ایستاده بود گفت . کجای کاری توی این خراب شده زنهارو به آخر خط رسوندند . مریم خنده ای کرد و گفت . درسته که آخوندها زن رو توی گونی میکنند . و فقط به پایین تنه شون فکر

میکنند . ولی هستند زنهایی که همینجا و با همین شرایط هم مبارزه میکنند . نسرین نشست و گفت . ولی مریم جون امثال اختر لجن ها هم کم نیستند و اشاره ای به بیرون کرد . عاطفه به ساعت معیشتی نگاهش کرد و گفت . ساعت نه شده بهتره بقیه ماجرای اعظم رو گوش کنیم . نسرین با شوخی وجدی گفت . مثل اینکه خیلی عجله داری یا اینکه میخوای زودتر نوبت به خودت برسه . مریم هم با سر حرف عاطفه رو تایید کرد گفت . آره بهتره شروع کنیم و رو به اعظم کرد و گفت . اعظم جون بقیه ش رو بگو بالخره رعنا با حاجی عروسی کرد .

اعظم قوری چایی رو برداشت و همونجور که برای خودش چایی میریخت ادامه داد . آره اونها عروسی کردند . شب عروسی رعنا برای من و نه شب سختی بود . پنداری بی یار و یاور میشدیم . حاجی که اصلا فکرش رو نمیکرد با دمش گردو میشکست . رعنا نه خوشحال بود و نه غمگین توی خودش

رفته بود . روز قبل عروسی به من گفت میدونی اعظم خیلی میترسم . حق داشت طفلک حاجی جای بابا بزرگش بود . اونشب نه من و علی رو سپرد به همسایه و خونه حاجی موند . فردای اونروز نه یکراست اومد خونه

همسایه دنبال من و علی . همچین که وارد شد من دویدم جلو و گفتم . پس رعنا کو؟ با تشر جواب داد . برو کنار حوصله ندارم و با تعارف خدیجه خانم اومد توی اطاق . خدیجه خانم همسایه مون که زن جا افتاده ای بود . پرسید . خوب به سلامتی گلی خانم رعنا هم فرستادی خونه بخت الهی علی رو داماد کنی . نه که بد جوری احم کرده بود جواب داد . والا چی بگم خواهر دخترم تا صبح زار زد . آخه بچه طاقت نداشت و جوری که انگار میخواست من نشنوم گفت . اعظم پاشو علی رو ببر توی حیاط بازی کن . من که

دلم میخواست بدونم

چرا رعنا تا صبح گریه میکرد رفته بیرون ولی پشت در وایستادم به علی گفتم بره حیاط تنهایی بازی کنه . اون طفلک هم قبول کرد . صدای نه و خدیجه خانم رو کاملاً میتونستم بشنوم . خدیجه خانم گفت . تعریف کن ببینم چی شد . نه گفت . وقتی حاجی با رعنا وارد حجله شدند با اینکه از قبل همه چی رو به رعنا گفته بودم . ولی یکدفعه صدای جیغ رعنا رو شنیدم میخواستم وارد اطاق بشم ولی حاج خانم نگذاشت و گفت :

خوبیت نداره بری تو حاجی لخته دخترت هم همینطور بشین همین جا تا حاجی خودش بیرون بیاد .

خلاصه بعد از مدتی که همراه با ناله و زاری رعنا بود . حاجی اومد بیرون و دستمال خونی رو از جیبش در آورد و به من داد و گفت . مبارکه گلی خانم . رو سفید شدی بلند شو برو تو اطاق رعنا رو تمیز کن .

سرت رو درد نیارم وقتی وارد اطاق شدم دیدم رعنا طفلک معصوم من وسط رختخواب نشسته و آروم حق میکنه . رفتم جلو دستی به سر و روش کشیدم و گفتم . پا شو عروسم خوب دیگه خانم شدی دیدی وحشتی نداشت . رعنا نمیتونست بلند شه تموم رختخواب خون خالی شده بود و زد زیر گریه . خدیجه خانم گفت . حالا گریه برای چی میکنی خوب همهچی به خوبی و خوشی تموم شد . نه جواب داد چی میگي

خواهر دخترم از درد به خودش می پیچید . نمی تونست راه بره . چاره ای نداشتم هر جوری بود جاش و تمیز کرد و اومدم بیرون . حاجی که بیرون منتظر بود گفت . خوب حالش چطوره . گفتم درد داره .

حاجی گفت خوب صبح بیرش پیش حکیم دارو بگیر یواش یواش عادت میکنه .

گریه ام گرفته بود هنوز نفهمیده بودم چه بلایی سر رعنا اومده ولی از نه بدم می آمد . خودش به زور رعنا رو شوهر داده بود و حالا داشت گریه میکرد .

ادامه دارد



با مدیریت ابراهیم سلطانی

Meisterbetrieb
EHT
Ebi's Haustechnik

خدمات صنعتی و تأسیساتی
Sanitär-Heizung-Dienstleistung

متخصص کار آزموده با مجوز تأیید گاز از آلمان خدمات زیر را به هموطنان عرضه می نماید:

● طرح و اجرا سرویس و لوازم بهداشتی و آبگرمکن های برقی و گازوئیلی و یکجهای گازی (شوفاژ طبقاتی)

● لوله کشی آب سرد ، گرم و گاز با تأیید شرکت گاز با استانداردهای DIN - DVGW

● مدرنیزه و تعویض کامل در حمام و آشپزخانه ● تعمیر و تعویض شیرآلات ظرفشویی و دستشویی

● رفع گرفتگی و ترکیدگی لوله های آب در اسرع وقت ● نصب پارکت لامینات ، کاغذ دیواری و PVC

ارائه خدمات ما : در شهر کلن ، بن و حومه

Albermannstr. 56 , 51103 Köln

Mobil : 0162 - 9 84 73 08

Tel. : 0221 - 2 87 07 56

Fax : 0221 - 9 65 70 18

E-Mail : ebi_haustec@yahoo.de

حماسه جنگل

در مبارزات مسلحانه جنگل گیلان چه گذشت؟

تاریخچه مبارزات جنگل در سه مقطع زمانی قرار دارد
میرزا کوچک خان ، سیاهاکل ، سربداران و....

**برای اولین بار حماسه خونین و حماسه ساز جنگل گیلان
از زبان یکی از مسئولین شاخه نظامی سازمان جریکهای
فدایی خلق ایران اختصاصی مجله رنگارنگ**

قسمت سوم

ما در آن جای خانه پس از صرف چای استراحت کردیم و آن پیرمرد از ما پرسید:
که آیا گرسنه هستید؟ ما گفتیم: نه خیلی ممنون!
خواستیم پول چای را بپردازیم و راهی آن شهرستان شویم . او با اصرار از قبول
پول از ما خود داری کرد و گفت : مهمان من باشید
هنگام خروج از درب آن قهوه خانه پیر مرد گفت یک چیز به شما فرزندانم میگویم
، اگر از این راه به شهر بروید برای شما خطر زیادی وجود دارد که به پاسداران
برخوردد کنید. ناگهان رفیق عزیز بلند گفت : راستش من خیلی گرسنه هستم و روی
به پیرمرد کرد و گفت: بابا برای خوردن چه داری؟
پیرمرد گفت: نان تازه و تخم مرغ نیمرو . ما مجددا وارد قهوه خانه شدیم و او شروع
ه نیمرو درست کردن کرد . من از او پرسیدم : چرا فکر می کنی که برای ما خطری
پیش می آید ما که کاری نکرده ایم که پاسداران با ما کاری داشته باشند؟!
لبخندی مهربان آمیز بر لب آورد و گفت : می دانی پسر من تفنگچی میرزا کوچک
خان بودم همینکه وارد شدید از بوی دود لباسهای شما فهمیدم که شما جنگلی
هستید، اول غذایان را نوش جان کنید تا به شما چیزی بگویم .
بعد از آنکه ما غذا را خوردیم به ما گفت : عزیزان چند روزی است که پاسداران راه
ورودی شهر را از طرف کوه کنترل میکنند ولی راه دیگری نیز هست که اگر از آنجا
بروید برای شما بهتر است و مسیر را به ما گفت.
بعد از صرف غذا ما از او تشکر کرده و حرکت کردیم. او به ما گفت: همیشه درب
جای خانه ای من برای شما باز است.

مسیر جدیدی که پیرمرد نشانمان داد راه مال رویی بود که آن شهرستان را دور میزد و به
قسمت دیگر شهرستان می رسید . ما تا به امروز از کمک آن پیرمرد سپاسگذاریم.
هر روز افراد بومی جدیدی که برای حفظ جان خود از دست رژیم فاشیستی اسلامی
به جنگل پناه می آوردند و به ما می پیوستند. یکی از روزها از طرف تشکیلات شهر
برای ما خبر آمد که افراد جدیدی از طرف سازمان به ما می پیوندند. اولین فکری
که کردم این بود که رفیق (ب) به همراه افراد با تجربه و امکانات تسلیحاتی که قرار
بود از طرف تشکیلات شهر برای ما ارسال شود در راه هستند .
قرار بر این شد که در حاشیه یکی از شهرستانها رفقا را ببینیم و با خود به جنگل
بیاوریم ، من با خوشحالی منتظر دیدار رفیق (ب) بودم. رفقا بعد از چند روزی به
ما پیوستند که چند رفیق از مناطق مختلف ایران بودند .
اول از هر چیز از ورود رفقای جدید خیلی خوشحال بودیم ، ولی امکاناتی که همراه
داشتند فقط برای حفاظت خودشان بود نه بیشتر .
من با یکی از رفقا که از لرستان بود شروع به صحبت کردم و پرسیدم که رفیق

(ب) کجا است و تسلیحاتی که قرار بود ارسال شود چرا با خود نیاورده اید؟!
او به من گفت که رفیق به تهران رفته تا بتواند با رفیق پاشا در رابطه امکانات جدید
برای افراد صحبت کند
در واقع نه تنها که با ورود رفقای جدید ما نمی توانستیم مشکلات را حل کنیم بلکه
مشکلات ما نیز بیشتر نیز شده بود چون آن رفقا شناختی از منطقه نداشتند و ما می
بایست آنها را نیز آموزش می دادیم ، هیچکدام از ما فکری کردیم که افراد جنگل
به این سرعت افزایش پیدا می کنند . از طرفی فشار مزدوران سپاه پاسداران به مردم
منطقه هر روز زیاده تر می شد و برای اینکه بتوانند قدرت خود را به مردم نشان بدهند
همچون یک سگ هار شروع به گرفتن مردم بی گناه و ایجاد رعب وحشت کردند
حتی بی شرمی را به جایی رسانده بود که در یکی از دهکدهای اطراف شهرستان
ماسال ، یک نوجوان ۱۳ ساله را که خاری درپایش رفته بود و خاله او نادانسته و از
روی دلسوزی برای دوستان و همسایگان از جراحت پای او گفته بود و این خبر به
گوش جلاخان پاسدار رسیده بود را دستگیر کردند.
او همان شب به جرم آنکه به جنگلیها کمک می کند و خاری که به پایش رفته نیز
در زمانی بوده که برای جنگلیها خبر و آذوقه می برده در زندان تیر باران می کنند
(در حالی که او یک چوپان بود و بایست همیشه به احشام خودشان در جنگل
رسیدگی می کرد)
فردای آن روز پیکر پاکش را تحویل خانواده او می دهند و به آنها می گویند که حق
دفن آن نوجوان را نیز در گورستان شهر ندارید . پیکر آن گل نشکفته پیر شده به
دست آن خوخواناران اسلامی در حیاط خانه شان به خاک سپرده میشود که یاد او
گرامی باد.
در آن زمان به این نتیجه رسیده بودیم که باید به هر صورتی هست اولاً نیروی جنگل
را حفظ کنیم و دوماً برای حفظ باید به تسلیحات جدیدی دست یابیم بهمین دلیل
شناسائی چند محل بسیج و ژاندارمری در برنامه روز قرار گرفت تا بتوانیم آنها را
خلع سلاح کنیم، چون دیگر زمانی جهت انتظار برای کمک از طرف تشکیلات
شهر برای ما نبود.
از طرف دیگر هلیکوپترهای گشتی ارتش پرواز خود را بر فراز جنگل و ارتفاعات
کوهستانی شاه معلم برای شناسای بیشتر منطقه شروع کرده بودند
از طرفی هم برای ایجاد وحشت و نشان دادن قدرت خود و حمله به جنگل شروع
به تجمع نیروها (سپاه پاسداران و ارتش) در منطقه کرده بودند.

به گفته افرادی که خبر برای ما می آوردند تعداد نیروهای آنان که در حاشیه کوه مستقر شده بودند به بیش از ۲۵۰۰ نفر می رسید .

در تمام روز کامیون و ماشینهای آنها در حال رفت آمد مابین شهر ماسال و حاشیه شرقی کوه پایه برای حمل افراد و امکانات برای آنها در حرکت بود .

با دریافت این خبرها برای ما روشن بود که با حمله ای آنان ما هیچگونه شانس برای مقابله با آنان را نداریم . به همین دلیل تنها راه ما به کارگیری از تاکتیکهای جدیدی بود که دشمن را سر در گم کنیم و قبل از حمله ای دشمن بتوانیم با بکار بردن شیوه های مختلف از بروز خطر درگیری ناخواسته با نیروی دشمن جلوگیری کنیم و ایجاد ترس و وحشت را در درون نیروهای دشمن از قدرت نیروی جنگلیها تا آنجا که میشود افزایش دهیم.

و به دلیل انتظار بیش از اندازه جهت دریافت امکانات از شهر و پائین آمدن روحیه رفقا از شنیدن خبر حمله نیروی چند هزار نفری دشمن و کمبود امکانات گروه جنگل دست به تاکتیک جدیدی زدیم که بتوانیم وقت کافی به دست بیاوریم و روحیه از دست رفته بعضی از رفقا که در آینده در این رابطه گفته می شود را به حالت عادی برگردانیم.

ما با کمک تک تک رفقا شروع به کار به شیوه جدید خود کردیم به این صورت که درختانی به قطر ده یا پانزده سانتیمتر به طول دو یا دونیم متری را قطع کردیم در مدت کوتاهی توانستیم بیش از ده ها عدد حاضر کنیم. آنها را درچندین منطقه از ارتفاعات کوهستانی قرار دادیم و بر روی آنها برزنت کشیدیم تا به صورت پدافند ضد هوایی بر روی زمین دیده شوند ، دو نفر از رفقا را به ظاهر بعنوان نگهبان در نزدیکی آنها گماردیم به صورتی که قاطرچانی که برای فروش اجناس خود از منطقه به شهر می روند بتوانند آنها را ببینند . ما درچند جای مختلف به این صورت پدافند ضد هوایی نمایشی درست کردیم.

در همان شب نیز با تمام نیرویی که در جنگل داشتیم به سمت پایین کوه که ارتش و سپاه اردو زده بودند راه افتادیم تا اینکه به آخرین دهکده ای که مابین کوهستان و نیروی دشمن بود رسیدیم .

پس از شناسائی آن روستا نیمه شب با چوبهایی که از قبل حاضر کرده بودیم و با برزنت پوشانده بودیم و چند نفر از رفقا آنها بر روی شانه حمل می کردند وارد دهکده شدیم ، با ایجاد سروصدا توجه روستایان را به خود جلب کردیم و این حرکت تا نزدیک صبحگاه چندین بار با آرایشهای رزمی مختلف صورت گرفت.

و حفاظت آنان کاری آسانی نبود

ادامه دارد

خدمات ارزی

پرشیا

با ۲۵ سال سابقه خدمات ارزی و بازرگانی در انگلستان و ۵۰ سال در صنعت جواهر

Tel: 020 7483 0012

Mobile: 07974 784 790

Fax: 020 7722 5673

Dubai: 0097 150 658 7062

در جواهری

با مدیریت محمد توکلی

Haideh's Happy Gems, 8a Northways Parade (Argos روبروی)
Finchley Road, Swiss Cottage, London NW3 5EN



PERSIA EXCHANGE

Licence No:
1
2
1
3
7
1
3
8
0
0
0
0





قصه دنباله دار

دختر حاجی

م.س

تازه رسیده بودم خونه که صدای زنگ تلفن بلند شد. گوشه‌ی رو برداشتم صدای دختری بود که گویی به جای حرف زدن شعر می‌گفت. لطافت و گرمایی دلنشین با کلماتش به گوش می‌نشست که با همان چند جمله اول مرا مات کرد

سلام می‌تونم چند دقیقه با شما صحبت کنم؟ من به همراه پدر و مادر بزرگم زندگی می‌کردیم و در واقع بنده عزیز دردانه خانه بودم دلیل زندگی کردن من با پدر و مادر بزرگم بخاطر این بود که پدر و مادر بنده در همان سالهای اول به دنیا آمدن من متارکه کرده بودند و مادر بنده حاضر شده بود فرزند شیر خوار خود را هم تحویل شوهرش بدهد تا بقولی مهمر حال و جانم آزاد را به اثبات برساند و پدر اینجانب هم که دیواری کوتاها تر از پدر و مادر خودش پیدا نکرده بود این طفل شیرین بر دستش مانده را هدیه به والدین خود کرده بود و چند ماهی بعد هم تجدید فراش نموده و صاحب ۵ پسر کاکل زری دیگر هم شد که بدین وسیله همسر دومش هوس فرار و طلاق به سرش نزنند

– بله شما می‌توانید چند ساعت با من حرف بزنید بشرط اینکه اشتباه نگرفته باشید!

– فکر نمی‌کنم اشتباه باشد مگر شما محمود نیستید؟ – راستش را بخواهید خودشه ولی مگر شما در خانه ما را می‌پایند که به محض اینکه من بخانه رسیدم زنگ زدید؟

خنده‌ای کرد که گویی شیر سماور را با تمام داغی و جوشش به تنت می‌ریخت و ملیح وار گفت: نه والله همینطور شانس‌ی گرفتم

– همینطور شانس‌ی گرفتید و اسم منو گفتید؟ نکته شانس‌ی چند دقیقه دیگه با پدر و مادرتون بی‌ایند خواستگاری بنده و از پدر و مادرم پرسشون را خواستگاری کنید و به داماد خواندگی بپذیرید!

این بار چنان خندید که انگاری آبشار زیبایی به دل و جانم ریخت و در این حال و هوای عرفانی، ملکوتی بودم که صدای مادر بزرگم رویاهای تجسمی مرا بهم زد که

محمود جون توئی؟ کی اومدی؟ مادر صبر کن بررسی بعد برو سراغ تلفن

دستم رو روی دهنی تلفن گذاشتم و به آرامی گفتم: تا شام رو بکشی اومدم.

مادر بزرگم نگاه‌ی به من کرد و لبخندی زد و رفت – ببخشید منتظر شدین، مادرم بود نگران بود که بچه اش با کی حرف می‌زند

– بله می‌دانم طفلک این بچه چقدر هم بچه ننه اس زمین و زمان از دستش به فغان هستند

– خیلی ممنون خوب شد شما را بعنوان شاهد خبر نکردند که اینجوری واسه من شهادت بدین. شما چطور در این چند لحظه فغان زمین و زمان رو شنیدید و وکیل مدافع آنان شدی؟

باز هم از آن خنده‌های نفس گیر کرد و گفت: والله چه عرض کنم مگه محل ما چند تا محمود خان داره؟ همه شما رو دوست دارن.

لحظه‌ای فکر کردم و پیش خودم گفتم نکند این تلفن سرکاری باشد و بنده را با همه ادعا سرکار گذاشته باشند سعی کردم بخودم نهیب بزنم و گول صدای جادویش را خورم و مردانه مقابله کنم و با صدایی که سعی می‌کردم خیلی جدی باشد گفتم:

ببینید خانوم اگه اسمتان و اینکه شماره من را از کجا گیر آوردی و چکار داری را نگي همین الان تلفن رو قطع می‌کنم

این را گفتم و دعا می‌کردم که بهش برخورد و گوشه‌ی رو بگذاره که همین هم شد و بی‌انصاف تلفن رو قطع کرد و گوشه‌ی مثل یک تکه یخ در دست من ماند.

چند روزی گذشت و اصلا موضوع تلفن یادم رفته بود تا اینکه مادر بزرگم به من گفت:

محمود جون دختر خانسی تلفن کرده بود و با تو کار داشت ولی مادر عجب صدای قشنگی داشت آدم دلش نمی‌خواست تلفن رو قطع کنه یکساعت باهاش حرف بزم، مادر چه صدایی داره! واسه ام چند آهنگ هم خواند صداش انگار هایده و حمیراست ولی مادر هر چی خواستم زیر زبانش را بکشم که دختر کیه؟ کجا زندگی می‌کنه؟ لب تر نکرد و با زرنگی حرف رو عوض می‌کرد

هاج و واج مادر بزرگم رو نیگاه می‌کردم که واسه اولین بار اینطور تلفنی با دختری که ندیده و نمی‌شناسه بقول خودش حال کرده و براش هم خونده گفتم:

مادر مثل اینکه جشن هنر شیراز بود مار رو خبر نکردین؟ رقص چطور؟ فقط خواند نرقصید!؟

مادر بزرگم اخمی به صورت قشنگش داد و با دلخوری گفت: خوبه خرج جشن هنر شیراز رو تو ندادی وگرنه

وسط برنامه بیرونمون می‌کردی خنده‌ای کردم و مادر بزرگ رو بغل کردم و ماچ آبداری از گونه اش کردم و گفتم:

به جون مامانی منم نمی‌دونم فقط یه دفعه زنگ زد و قطع کرد.

خلاصه مادر جون دختره حرف زدن و خوندنش هوش از سر می‌بره منکه زن هستم کیف کردم وای به حال شما جوونها!

یکی دو روز بعد تلفن زنگ زد گوشه‌ی رو برداشتم و باز هم او بود

– سلام آقای عصبانی دوباره می‌خواهی تهدید کنی و گوشه‌ی رو قطع کنی؟

– اولاً من گوشه‌ی رو قطع نکردم دوما اگر جواب سوالهایم رو ندی این بار با شرمندگی قطع می‌کنم لحظه‌ای سکوت برقرار شد و او به آرومی گفت: چی می‌خواهی بدونی؟

– اسمت چیه؟ کجا زندگی می‌کنی؟ شماره منو از کجا گرفتی؟ و چرا زنگ زدی؟

– مثل ستوان کلمبو بازجویی می‌کنی اسمم سهیلاست در نظام آباد زندگی می‌کنم از جنابعالی هم متاسفانه خوشم می‌آد و دلم می‌خواه باهاش حرف بزنم حالا راحت شدی سرکار؟

– نشد، بازجویی کامل نیست، نظام آباد خودش یه قاره اس که هر کوچه اش یک کشوره با ملیتها و قوم های

مختلف، اولاً کجای نظام آباد؟ دوما منو کجا دیدی و تلفن منو از کی گرفتی؟

– دیدن تو که سخت نیست معمولاً سر کوچه گهگاه با دوستان هستی عکس مبارکت هم در کیهان و دنیای ورزش چاپ شده خلاصه جنس کمپایی نیستی و یافتت خیلی سخت نیست دخترها هم که دور هم جمع میشوند مثل شما پسرها در باره جنس های مخالف حرف می‌زنند حضرتعالی هم از نقلهای مجالس ما هستی و دشمن قسم خورده زیاد داری!

حرف زدنش فقط مخصوص خودش بود من تا بحال زن یا دختری را ندیده بودم که چنین با شیرینی و با نمکی و ملاحت حرف بزند شوخی و جدی را با متلک درهم می‌کرد و نثارت مینمود که به دلت هم می‌نشست و باز هم فکر می‌کردی دارد بازی می‌کند و ممکن است چند تا دختر بیکار دور هم جمع شده باشند و بخواهند کسی را سرکار بگذارند.

به او گفتم: سهیلا خانوم یا هر چی اسمت است دوباره تا دو تا سوال اصلی منو جواب ندی با شرمندگی از حضورتان مرخص می‌شوم

– باشه همه سوالات را جواب می‌دم ولی اجازه بده یک مدت با هم حرف بزنیم و بیشتر آشنایم قسم می‌خورم همه سوالات رو پاسخ بدم

خلاصه داستان تلفنهای سهیلا و ارتباطش با مادر بزرگ و آواز خواندن او سرگرمی مادر بزرگ بنده شده بود که واقعا چند بار برای من خواند صدایی بی‌نهایت زیبا داشت و ترانه های خوانندگان زن را با تسلط و زیبایی می‌خواند تا اینکه شبی تصمیم گرفتم وقتی تلفن کرد کار را یکسره کنم و این بازی سر درگم را تمامش کنم و منتظر تلفن او بودم تا بالاخره زنگ زد.

– سلام، سهیلا بین چی می‌گم، امروز بازی تمومه به مادر هم گفتم دیگه باهاش حرف نزنه! تو همه ما رو سرکار گذاشتی اگه ریگی تو کشت نیست چرا موش و گربه بازی در می‌آری و خود رو قایم می‌کنی؟ اگه امشب با من قرار گذاشتی که همدیگر رو ببینیم که از نزدیک حرف بزنیم که عالیه وگرنه دیگه اینجا زنگ نزن.

– باور کن محمود من نمی‌تونم تو رو ببینم چون بابام نمی‌ذاره از خونه تا مدرسه هم تنها برم

– خیلی خوب بگو خونتون کجاست من می‌آم در خونتون و از پنجره خودتو نشون بده

خلاصه اونشب بارها من تلفن رو قطع کردم و او زنگ می‌زد و کار به گریه و التماس هم کشید که مدتی وقت به او بدهم ولی تصمیم داشتم کار رو یکسره کنم تا بالاخره او مجبور شد آدرس را بدهد و فقط از پشت پنجره دستی تکان دهد و فردا قرار گذاشتیم موضوع را به مادر بزرگم گفتم خیلی خوشحال شد و شاید بیشتر از من هم ذوق کرد

فردا سر ساعت قرارمان به آدرس آنها اوایل نظام آباد نزدیک کوچه مسعود بود، پائین خانه شان دفتر معاملات ملکی حاجی صفایی بود و حتما خانواده اش هم همان جا زندگی می‌کردند خلاصه بعد از چند دقیقه دستی پشت شیشه آمد و چند دفعه به راست و چپ رفت و بعد غیب شد و هر چی منتظر شدم خودش را نشان بدهد خبری نشد عصبانی و خشمگین بخانه آمدم و به مادر بزرگم گفتم که چی شده است

و او در جوابم گفت: خودت رو ناراحت نکن حتما مشکلی داره که نمیتونه بگه بذارش به عهده من چون خودم هم کنجکاو شدم تا این دختر رو ببینم

این داستان ادامه دارد

فکر می کردیم ما هنرپیشه ایم !

بالاخره موفق شدیم با هزار بدبختی و مکافات از جهنم خمینی فرار کنیم و از راه کوه و صحرا با وجود برف و باران خودم را به ترکیه سپس به لندن برسانم هر فرار سیاسی اجباری از ایران خودش داستانی غم انگیز و شنیدنی است

در لندن چون هر تازه وارد سرشناسی دوستان و آشنایان و دیگران که محبتی به هنرمندان دارند با گرمی و محبت پذیرای میهمانان از راه رسیده می شوند.

مدتی از حضور در لندن گذشت اما هنوز کابوس دوران سخت در ایران عذابم می داد که چگونه مستی اراذل و اوباش با سرنوشت و زندگی و آینده امثال من بازی کردند و با اعمال حقیر خود تلاش داشتند غرور و شخصیت ما را خرد کنند. من هنوز هم این روزهای سیاه و دردآور را لحظه ای فراموش نمی کنم و ذره ای از خشم و کینه ام به این رژیم نه تنها کاسته نمیشود بلکه هر روز بیشتر هم میشود.

در لندن هنرمندان و نویسندگان و شعرا و چهره های سرشناس مختلفی حضور داشتند و بدلیل بی کاری اکثر اوقات دور هم جمع میشدیم و از روزگارهای گذشته و آینده نامعلوم سخن می گفتیم و در فکر تلاش و کوششی بودیم تا شاید بتوانیم از طریق نمایشی یا فیلم ویدئویی کاری تولید کنیم و اعتراضمان به حضور این رژیم را نشان داده و روحیه مقاومت و مبارزه را در مردم تقویت کنیم.

البته آن سالها که یکی دو سال بیشتر از وقوع حادثه شوم انقلاب نگذشته بود شرایط و وضعیت ایرانیان خارج از کشور بسیار عجیب و غریب بود. گروهی که سعی در به قدرت رسیدن خمینی نداشتند و در واقع قربانیان بی گناه این حادثه بودند در خارج از کشور همنشین و همشهری کسانی شده بودیم که مسببین این فاجعه بودند.

آنان که در آن دوران با آوردن خمینی به صحنه نقشی موثر داشتند یا در روزنامه ،رادیو و تلویزیون ؛ مقاله ؛ رساله و داستانی می نوشتند و احساسات مردم را

تحریک می کردند که علیه رژیم شاه حرکت کنند و حالا که مملکت را به روز سیاه انداختند و خودشان مجبور شدند از ایران فرار کنند همنشین ما شده بودند و با تغییر ماهیت و شیوه در کمال وقاحت به تدریج منکر کارنامه خود بودند.

یکی از این سیاه کاران روزگار که در دوران انقلاب جولان بسیاری می داد و در نشریات آن زمان چنان قلم فرسایی برای امامش می کرد که گویی خمینی همان خدایی است که قبلا قابل رویت نبود. به فاصله یکی دو سال امثال همین چاپلوسان قلم به دست چنان تغییر رویه داده بودند و خمینی را دیو معرفی می کردند که انسان حیران از اینهمه وقاحت می شد.

به هر حال شبی در مجلسی یکی از همین اشخاص که اشاره کردم (آقای دکترع. ن. که همه فن حریف هم خودش را معرفی می کرد) با نوشیدن چند گلاس مشروب حساسی مست و ملنگ شده بود با من چنان گرم گرفته بود و ابراز احساسات می کرد که گویی صد سال با هم زیر یک سقف بوده ایم و در پایان به من گفت:

یک قصه باورنکردنی و تاریخی دارم که فقط به تیپ و کاراکتور تو می خوره و با این قصه که نمایش بشه به انقلاب دیگه کردیم ولی باید به شب یک مهمانی حساسی بدی و به ما برسی تا قصه را برات بخونم حرفهای دکتر به جورایی مرا هم وسوسه کرد و در آن شرایط بد روحی و روانی آن سالها و از آنجا رانده و از اینجا مانده حرفهای شیرین و امیدوار کننده او مرا وادار کرد هر چه زودتر بساط یک مهمانی را جور کنم (با اینکه در شرایط مالی بدی هم بودم).

بالاخره سور و سات آن شب را فراهم کردم و به ایشان هم اطلاع دادم که بالاخره دستور ایشان را اجابت کرده و منتظر تعیین شب مورد نظرشان هستم ایشان هم لطف کردند و شبی را مشخص نمودند

آقای دکتر به اتفاق چند نفری از دوستان آمدند و مهمان خانه محقر و کوچک من شدند طبق معمول پذیرایی با میوه و شیرینی و مشروب و شام همراه شد و جناب دکتر با چنان حرص و ولعی می خورد و می نوشید که انگاری در حال ذخیره و جاسازی برای روزهای

آتی است. یکی از همراهان ایشان هم می گفت که به سفارش دکتر دود و دمی هم قرار است برپا شود و اصلا منتظر جواب من هم نشدند و بساط را جور کردند و پس از اینکه دکتر حساسی خودش را ساخت و کیفور شد رو به من کرد و گفت:

حالا نوبت رمان است رفت سراغ کیفش و پوشه ای آبی رنگ درآورد و روی یک صندلی بفاصله چند متری ما نشست و شروع کرد به خواندن رمان و همه ما سراپا گوش شدیم بخصوص من که خود را در قالب این رمان می دیدم

حدود نیم ساعتی او از روی کاغذ هایی که لای پوشه بودند می خواند الحق قصه ای جالب بود و تصور اینکه آن را به صورت نمایشنامه کرد ذهنیتی دلچسب به من می داد

دکتر پس از خواندن رمان که پایانش ناتمام مانده بود روبه من گفت: دلم می خواهد در مورد پایان رمان فکرکنی و تصمیم بگیری که چطور تمام شود بهتر است سایر همراهان و مهمانان هم با کف زدن دکتر را تشویق کردند و او با چهره ای مغرور و خوشحال پوشه را بست و روی صندلی نهاد و برخاست و بطرف دستشویی رفت که بعد از آن هم به منزلشان بروند.

در حال و هوای رمان بودم، تصمیم گرفتم که صفحه آخرنوشته دکتر را دوباره بخوانم و با قرار گرفتن در فضای داستان به پایانش بیاندیشم. سراغ پوشه رفتم و آن را باز کردم تعدادی صفحه کاغذ آجما بود، هر چه ورق زدم حتی یک صفحه نوشته شده هم نیافتم و همه کاغذها سفید و ننوشته بود!!

لحظاتی حیران و متحیر به کاغذها نگاه کردم. برایم باورکردنی نبود که دکتر حقه باز همه رمان را با ذهنیات خودش خوانده بود و ما را سرکار گذاشته بود!

نمی دانستم چه بگویم یا چه عکس العملی نشان دهم دکتر از دستشویی برگشت و با من که مثل مترسکی حیران مانده بودم دست داد و خداحافظی کرد و رفت و من حیران و متحیر از خودم پرسیدم فکر میکردم ما هنرپیشه ایم!



ویتامین افتخار

• اگر قوانین قرون وسطایی حاکم بر کشورتان شما را آزادی می دهد

• اگر طاقت دیدن جوانان رشید بر چوبه دار را ندارید
• اگر شنیدن نام ایرانی به عنوان تروریست باعث آزردن گی تان میشود

• اگر شوهای مختلف با پرچم شیر و خورشید نتوانسته ملی گرایی شما را برانگیزد

• اگر از شنیدن آمار سرسام آور اعتیاد؛ کودکان خیابانی؛ مشکلات اقتصادی مردم کشورتان؛ بیماریهای روحی و روانی جوانان به تنگ آمده اید و حاضر به گوش کردن نیستید

اگر این علائم را در خود و یا دوستانتان مشاهده کردید

شما به بیماری کمبود افتخار دچار گشته اید طبق بررسی هایی که دانشمندان و روانشناسان بر روی جامعه ایرانی بخصوص گروه راحت طلب؛ فرصت طلب و باری به هر جهت داشته اند این گونه افراد معتاد به افتخار کردن هستند و اگر به دلایلی نتوانند افتخار کنند دارای مشکلات روحی بی شماری می شوند که ممکن است به حرکت موثر و حضور این گروه در راه بقای آخوندها لطمه بزنند

به همین مناسبت با صرف هزینه های بسیار از جانب دولت مردان حاکم بر ایران برای شور و شوق به وجود آوردن در این گروه و با مشاورت دانشمندان غربی ویتامین جدیدی به نام ویتامین افتخار به بازار عرضه میشود لازم به یادآوری است قبلا این ویتامین به شکل های مختلف برای حالات روحی مختلف به بازار عرضه شده بود و نتایج بسیار سودمندی عاید استفاده کننده میشد از قبیل:

ویتامین های انسان دوستی :

انواع و اقسام ویتامینی که به افراد داده میشود تا با رفتن به سفرهای حج و انجام مراسم مذهبی و اقامت در هتل های پنج ستاره و خرید لوازم برقی و در برگشت با برگزاری میهمانیها و گرفتن کادوها احساس شدید انسان بودن به آنها دست می داد و خود را انسان پاک و منزه می دانستند و ابدا مشکلات انسانهای دیگر کوچکترین اثری در آنها نمی گذاشت

ویتامین های انسان دوستی به شما امکان می داد تا در هر شرایطی بتوانید با اعتماد به نفس کامل انسانیت را تعریف کنید و با رفتن به مراسم مختلف مذهبی و سفره های ابوالفضل و شام غریبان ها وقت و انرژی خود را صرف کرده اما احساس خوبی پیدا کنید که در هر شرایطی ایمان و اعتقاد خود را حفظ کرده و با تلاش هر چه بیشتر سعی در پول در جمع کردن کنید و در مقابل دریافت میلیاردها

بخارج گریخته و لاس زندهای کاسبکارانه با امثال نوری زاده ها ، بهنود ها ، نگهدارها ، صدای امریکا ، BBC و رادیو فردا و زمانه طبق بررسی های بعمل آمده کسانی که اینگونه ویتامین ها را مصرف کرده اند بسیار سرمست شده و با غرور فراوان می توانند ساعتها با افراد کوچه و خیابان و بازار در این مورد صحبت کنند و به همه بگویند زن ایرانی کاندیدای جایزه اسکار شد و یا زن ایرانی مسلمان جایزه نوبل گرفته

شاید چاره ای باشد اگر احیاناً غربی ها مراسم سنگسار و شلاق زدن ها و یا حجاب اجباری را می بینند تصویر دیگری از ما ایرانیان در ذهنشان ایجاد شود و فکر نکنند ما از آن قماش هستیم

این ویتامین ها بیشتر مصرف خارجی دارد و برای کسانی که از رفاه خوبی برخوردار هستند اما نمی دانند چرا گاهی افسرده می شوند بسیار کارساز است

این ویتامین ها برای چه کسانی مناسب نیست و کاربرد ندارد؟

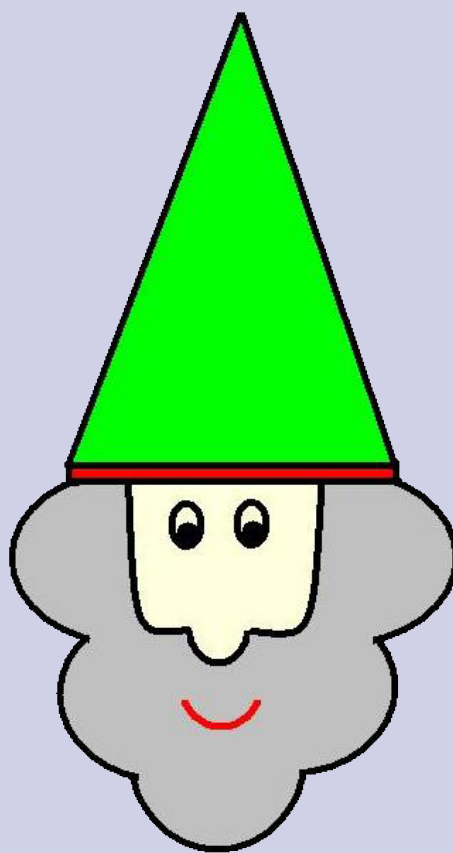
طبق بررسی هایی که از افراد افسرده ؛ کودکان خیابانی و زنان و دختران بی پناه و نسل جوان زجر کشیده و محروم و قربانیان زلزله بم شده است این افراد هیچگونه آگاهی نسبت به جایزه نوبل و اسکار ندارند و نمی دانند معنای این مراسم چیست و ابدا آگاهی نسبت به کلمه ویتامین و احساس خوبی که بعد از آن به انسان دست می دهد ندارند پژوهشگران به دنبال ویتامینی هستند که بتواند به یک باره موجی از شور را در بین ایرانیان داخل کشور به وجود بیاورد. همچنان می گردند و سعی دارند اینگونه ویتامین های مصرف خارج از کشور را به درون ایران از طریق رسانه های مختلف تبلیغ کنند اما تاکنون موفقیت چندانی در بازار ایران به دست نیاورده اند

در حال حاضر با توجه به مذاکرات متعدد پنهان و نیمه پنهان و سفرهای سران کشورهای اروپایی و امریکایی برای طرح کودتایی دیگر تزریق این ویتامین شدیداً توصیه میشود تا خدای ناکرده دچار ناراحتی های روحی نشویم و افتخار کنیم که چگونه یکبارہ چشم مردم دنیا باز شده و ارزش ما را دریافته اند و دست و دل بازانه با دادن جوایز مختلف سعی در نشان دادن چهره با لیاقتی از ما دارند لازم به توضیح است این گونه تزریقها اصلاً دردآور نیست و با شیوه های مختلف و استفاده از سیستم رسانه ای به علاقه مندان تزریق میشود

به امید اینکه هر روز با شرکت در طرح های ارائه شده از جانب تئوریسینهای عزیز بتوانیم به افتخارات خود بیشتر بیافزاییم و امیدوار باشیم که روزی فرا نرسد که خدای ناکرده خود بوجود آورنده افتخار باشیم چرا که ابدا قصد آزردن کردن انسانهای عزیز از خود برتر را نداریم و هر چه باشد آنها چند تا پیراهن از ما بیشتر پاره کرده اند و ما باید چشم انتظار آنها باشیم تا لطفی به ما کنند و ما را داخل آدم حساب کنند که خود افتخاری بس عظیم و در خور توجه است

دلار و یا تومان به دست آمده از راه معاملات و زد و بندهای مختلف مطمئن باشید با پرداخت قسمت کوچکی از آن در زمره انسانهای خیرخواه قرار گرفته اید و در حفظ هر چه بیشتر اینگونه تفکر برای دستیابی هر چه بیشتر به ثروت کوشا باشید بدون اینکه به عذاب وجدان گرفتار شوید

با توجه به اینکه ویتامین ذکر شده کافی به نظر نمی رسد و احتیاج به نوع مختلف برای سلیقه های مختلف می باشد و گروهی که معتقد هستند که اسم ما در دنیا به خوبی



ذکر نمی شود پژوهشگران و روانشناسان بین المللی به فکر افتاده اند تا بتوانند این مشکل را برطرف کرده تا با خیال راحت بتوانند خود با سرعت جت حرکت کرده و ما را به اسم مردم صلح طلب (هالوی خودمان) با سرعت لاک پستی به سوی خود بکشند و به همین منظور ویتامین افتخار به بازار عرضه شد این ویتامین ها به شکل های تزریقی با دوزهای مختلف از قبیل:

اعطای جایزه نوبل به شیرین عبادی

انتخاب شهره آغداشلو به عنوان کاندیدای جایزه اسکار

انتخاب دختر شایسته ایرانی

و اتحاد بچه گرگهای رژیم در قیافه اپوزسیون



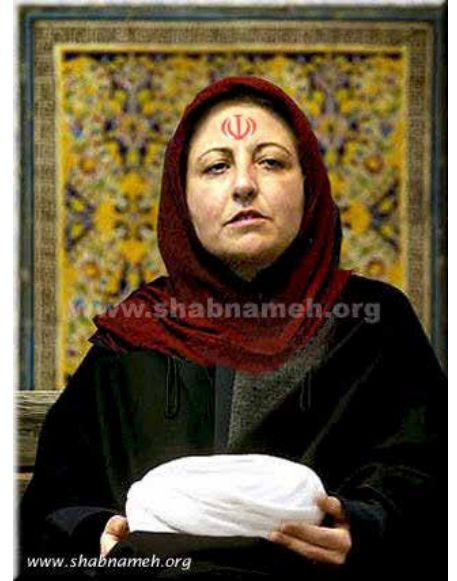
صیغه یک ساعته در خدمتون باشیم!



تیم آدمکشان جمهوری اسلامی در دنیا اول شد



پدر سوخته های ناخیب به شما گیر دادن؟!



سقط الاسلام حاج خانوم شیرین تباهی



فال ماه شما



فروردین

توقعات خیلی از متولدین این ماه از زندگی، از دوستان و آشنایان، توقع منطقی است ولی متأسفانه گاه بدایلی به این خواسته ها نرسند و همین سبب ناراحتی و عصبانیت و افسردگی شان میشود، در حالیکه نباید چنین باشد، چرا که بخت بلند آنها همیشه باورشان خواهد بود. در زمینه مسائل عاطفی و احساسی، اکثر متولدین این ماه به سوی ایده هایشان پیش میروند. در این هفته سعی کنید معامله ای انجام ندهید، شانس با شما یار نیست



اردیبهشت

در زمینه مسائل احساسی و عاطفی خیلی از خانهای متولد این ماه دچار یک گره کور در زندگی خود را طوری تنظیم کنند که این گره های کور بر آن اثری نگذارد. در ضمن بعضی مجردها و چه آنها که در گذشته وصلت و طلاق داشته اند، شرایط تازه ای برای تشکیل زندگی دخواه خود قرار میگیرند. خبرهای خوشی برای هشتاد درصد از متولدین این ماه در راه است که اغلب در رابطه با کار است و فوق العاده در روحیات شما تاثیر خواهد گذاشت



خرداد

به پدر و مادرهای متولد این ماه توصیه میشود در روابط خود با فرزندان خود رعایت احتیاط را کرده و اصولاً از خشونت و یا بی اعتنائی و بی تفاوتی دست بردارند، چرا که این بچه ها با محبت و عشق و دوستی زودتر همراه و همگام میشوند. در حالیکه شانس بسیاری از متولدین مجرد برای شروع زندگی مستقل و خوب بالاست، بعضی ها نیز ناچارند در نامزدی و یا روابط عاشقانه خود تجدید نظر کنند



تیر

دخترهای متولد این ماه اغلب با خواستگاران متعدد روبرو هستند، برخی اصولاً دیر هنگام تن به وصلت میدهند، بعضی ها بدون عشق ازدواج میکنند که به آنها توصیه میشود که در تصمیمات خودشان تجدید نظر کنند. مردان این ماه در دوراهی گیر کرده اند که توصیه میشود با تفکر و مشاورت، راه درست را انتخاب کنند. به زودی خبر خوشی را دریافت خواهید کرد که زندگیتان را دگرگون خواهد کرد



مرداد

در یک محل و با گفتگوی دوستانه ای، میچ دو سه نفر باز میشود، خصوصاً آن گروه که سعی دارند با غیبت و بدگوئی و سخن و حرف از این به آن بردن سبب دشمنی ها شوند و مسلماً با شناسائی این آدمها طردشان ضروری است. خیلی از جوان های متولد این ماه در بدست آوردن هدفها بسیار عجول هستند بطوریکه دچار دوباره کاری و یا تکرار و یا کندی حرکت میشوند. عشق برای بعضی از مجردها توام با خوشبختی و برای عده ای دردسرساز و پریهاوست





دکتر ایرانبومی

وکیل دادگستری در آلمان

مشاوره در:

امور شرکتهای، تجاری، کیفری، ورشکستگی،
دعای جنایی، اداری، کاری، ۲ تابعیتی،
دعای ملکی و ارثی، طلاق و مهریه
با همکاری وکلای با تجربه در **دبی، ایران و آمریکا**

Tel.: + 49 (0) 700-9019-9019
Fax: + 49 (0) 700-8018-8018
Mobil: + 49 (0) 178-888-9019

Rechtsanwalt Dr. phil. Iranbomy

اگر در اروپا یا آمریکا زندگی می کنید ما و همکارانمان قادر
به دفاع از حقوق شما در ایران و امارات هستیم

Rechtsanwalt- Lawyer- Avukat



شهریور

زندگی زناشویی زوج های جوان اغلب توام با سعادت است ولی محدودی از پا به بن بست گذاشته و میانسالان بدلالی طوفانی در زندگی خود پدید آورده و بکلی شیرازه زندگی خود را بهم ریخته اند . نامزدیهای تازه زندگی خیلی از دخترها را بکلی عوض خواهد کرد . به آقایون مجرد توصیه میشود که سریعا احساسات خود را به محبوب خود ابراز کنند در غیر اینصورت شانس بزرگی را از دست خواهند داد



مهر

برای اغلب پدر و مادرهای متولد این ماه شانس تازه ای برای یافتن مسیر پر از آرامش و سعادت پیش میاید که باید از این فرصت بهره بگیرند، آن دسته از این گروه که در صدد یک نقل و انتقال بزرگ هستند ، باید هر چه زودتر این تصمیم را عملی سازند و بی جهت خود را سرگردان و بلا تکلیف نگذارند . در حالیکه طلاق در جمع تولدین این ماه درجه پائینی دارد ولی گروهی بهر حال ناچارند تن به جدائی حتی موقت بدهند



آبان

انتظاراتی که خیلی از متولدین این ماه از دوستان و اطرافیان خود دارند منطقی است ولی در واقع باید صبر کنند تا عده ای امکان جوابگونی و تلافی داشته باشند و باصطلاح بازگشت خوبی ها و کمک ها در راه است . خانم های متولد این ماه اغلب روحیه حساس و شکننده ای دارند، این عده از دروغ و دورویی آدمها خیلی زود میشکنند و آنقدر که به روابط انسانها در حد احساسی اهمیت میدهند به کمک و یاری مادی نیم گاهی هم ندارند . ازدواج در میان جوان ترها اوج میگردد و بسیاری از دخترخانها شانس یافتن مرد دخواه خود را می یابند



آذر

دمسئله وسوسه اعتیاد بسیاری از متولدین جوان این ماه را دچار تزلزل ساخته و به همین جهت توصیه میشود شدیداً « مراقب باشند و تله های خطرناک را زیر پای خود ببینند . ازدواج دوم برای آن عده که از زندگی گذشته خود ناکام بودند با دوراندیشی و تعمق اغلب ثربخش است . تولد بچه های تازه، ناگهان زندگی بعضی زوج ها را دگرگون میسازد



دی

عشق در زندگی متولدین این ماه همیشه نقش حساس و مهمی دارد ولی اگر پیوند محکم آن به دلیلی دچار از هم گسیختگی شود، معمولاً « بدست آوردن شانس دوم تا حد زیادی مشکل و نامکن میگردد . در جمع خانواده متولدین این ماه، آدمهای افسرده و غمگین دیده میشوند که باید خیلی زود آنها را به شادی و امید کشاند و گرنه فضای خانواده را افسرده و بی تحرک میسازند



بهمن

تضمن اینکه نظم و ترتیب در کار و زندگی خیلی از متولدین این ماه موج میزند، گروهی نیز بدلائل مختلف اخیراً « دچار آشفتگی شده اند، این عده اگر به موقع وضعیت کاری و زندگی خود را تنظیم نکنند همه چیزشان بهم میریزد و اغلب دختر خانهای متولد این ماه درگیر عشقی پر شور و حساس شده اند که نیاز به مطالعه بیشتری دارد . آقایون مجرد این ماه شانس زیادی برای یافتن زوج آینده خود را دارند



اسفند

خانهای متولد این ماه به عشق و روابط احساسی اهمیت بسیار میدهند و حتی بعضی با وجود غوطه خوردن در ثروت خود را تنها و بدون هدف می بینند . در کنار این عده، کسانی هستند که زندگی را به دخواه خود میسازند، حتی در درون سختی ها و مشکلات نیز دریچه ای میگشایند و همه چیز را مثبت میسازند . جوان های شاغل و یا در حال تحصیل این ماه ، مرتب به مسیر بسیار روشن و پرامیدی افتاده و آینده خوبی را دنبال میکنند



هشدارهای حقوقی دکتر ایرانبومی وکیل دادگستری ، مدافع و مشاور حقوقی شما در سرتاسر آلمان

در ضمن توجه داشته باشید

حق گرفتنی است

تخصص دفتر وکالت دکتر

ایرانبومی و همکاران ایشان

مدافع از حق شما در امریکا ،

دوبی و ایران است

* سکوت حق شماست و شما می توانید قبل از قبول جرم با وکیل خود مشورت نمایید

* در هنگام دادن چک و یا مبلغ نقدی رسید دریافت نمایید

* در هنگام دعوا یا تصادف از صحنه عکس و از شاهدان گزارش تهیه نمایید

* برای عقد قراردادهای ملکی ؛ بانکی ؛ تجاری و کاری دقیقاً قراردادها را مطالعه نمایید

* در احراز هویت افراد و شرکتها در هنگام عقد قرار داد اطمینان کامل حاصل نمایید

* اگر مسائل مالیاتی ؛ ملکی و یا ارثی دارید بهتر است با تغییرات قوانین آشنا باشید

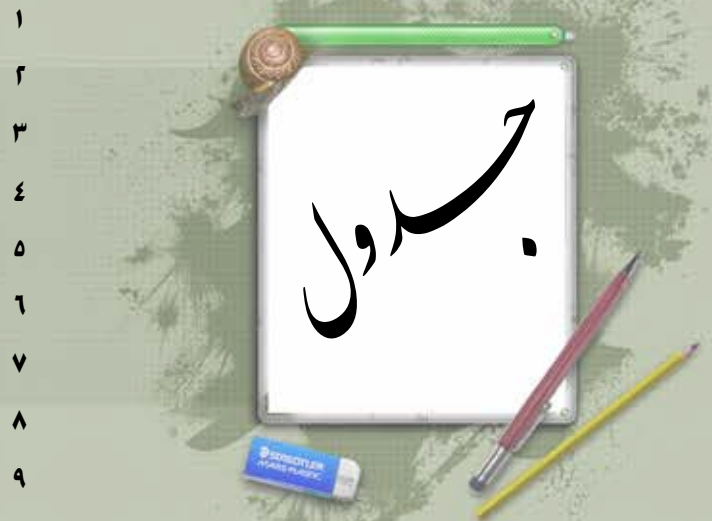
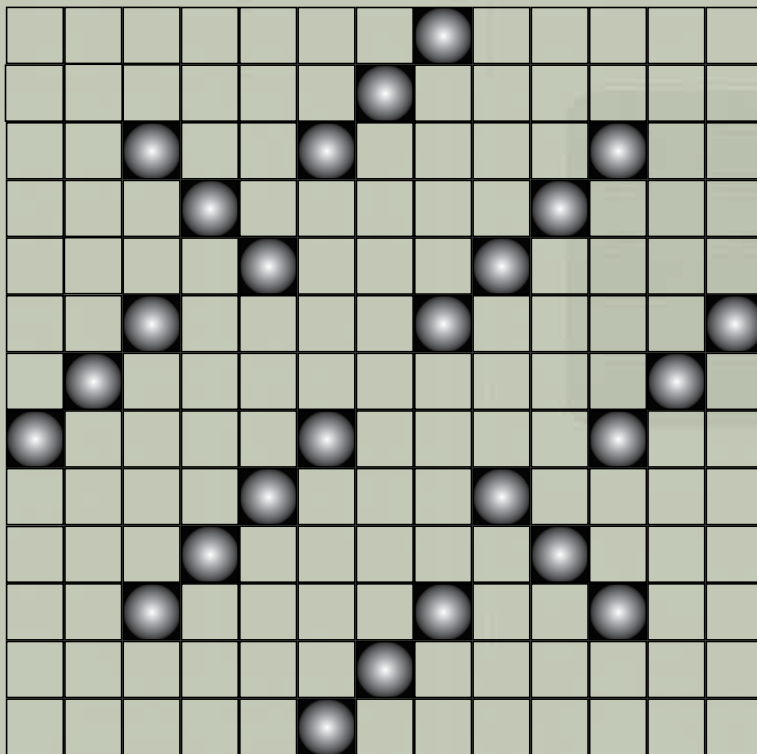
* آیا قبل از قبول تعهدات ازدواج ؛ پیامدهای احتمالی طلاق را در نظر دارید؟

Mobile: +49 (0)178 - 888 9019

www.iranbomy.com

iranbomy@yahoo.com

۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



افقی:

- ۱- خریدار منظومه شمسی!! / جانور کیسه ای! ۲-
- نمایشنامه ای از «اسکار وایلد» / جسور و نترس ۳-
- خیس / کلاهبردار / عدد ماه / نت بیمار! ۴- فرزند
- / پشیمانی / چیز ۵- خواب شیرین / خراسان قدیم
- / عادات و رسوم ۶- کاردانی و باتجربگی / پارچه
- روپوشی / علامت جمع ۷- از بیماری ای روده ای
- ۸- واحد سطح / اشعه مجهول / نرده چوبی ۹- متین
- و سگین / درد و رنج / تباه و خراب ۱۰- عصر و روزگار
- / بخشی نزدیک کرج / آدمکشی ۱۱- پایتخت ریشه ای!
- / محصول صابون / وسط / گشاده ۱۲- از گل های
- زینتی / میوه پائیزی ۱۳- خلوتخانه / کیمیای نایاب

عمودی :

- ۱- پوشیده / گیاه طبی ۲- از خواهران برونه / جنگجو ۳- پشته / پارچه نفیس
- / پول ژاپن / علامت مفعولی ۴- منوال و طریق / نیکی و بخشش / دشمنی ۵-
- سوگند راست / چاکر و غلام / خرابکار و فساد کننده ۶- ویرانگر / پرخور / مساوی
- ۷- مرکز تانزانیا ۸- مایه حیات / تاریخ نویس / سیاره شبیه زمین ۹- نابود / مردن
- / مالدار ۱۰- صحبت از گفتگوی خودمانی است / اطراف و کرانه ها / ملح ۱۱-
- جهت / استوار ساختن / ساز و برگ / شالوده ۱۲- کنایه از شخصی عاصی و
- بدهکار / غالب و چیره شونده ۱۳- از بازی های دسته جمعی / قهرمان و رشید

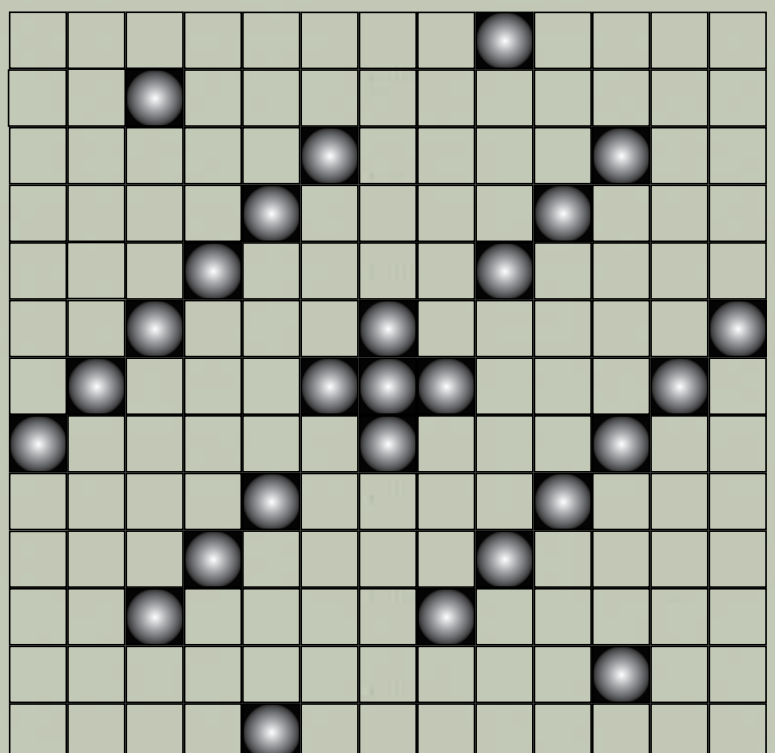
افقی:

- ۱- آبخار زدن در اسکواش - پاسی در فوتبال ۲- پرتاب کردن توپ و لمس
- آن قبل از اینکه با دست بسکتبالیست دیگر و یا زمین تماس پیدا نماید - سه
- کیلو ۳- جوی خون - مکر - همسر عروس ۴- قلعه مستحکم طریق - دایم
- ۵- از بیماریهای جلدی - ارزوها - شایسته ۶- صحرا - دوست - فرمان ۷-
- پیشه - نامیدی ۸- تعداد یک تیم فوتبال - آتش عربی - بیچاره و درمانده
- ۹- زبان آور - نام "نوازی" از استقلال - بیرق ۱۰- چارپار - تبلیغ کننده
- هموار ۱۱- جمع تربیه به معنی استخوان سینه - پرخور شورا ۱۲- صورت
- نوعی کراال دو ضربه ئی در شنا ۱۳- در وزن برداری اخد یک امتیاز که
- منجر به مساوی شدن امتیازات میگردد - هافبک گلزن تیم ملی هلند .

عمودی :

- ۱- جمع درک - پرش کوتاه و سریع شمیر باز به جلو که متعاقب آن یک
- حمله انجام میگردد ۲- معادل فارسی کاپیتان - ضربه با کنترل در اسکواش
- ۳- نت سوم موسیقی - شکاف یا گودی د رکوه در اصطلاح کوهنوردی
- نغمه ۴- سیاهی جسم که از دور به نظر آید - وسیله تیراندازی - پول
- قهرمان جان ملتهای آسیا ۶۹ ۵- پول میزبان جام جهانی ۹۱ ۶- پارسنگ
- ترازو - چه بسیار ۶- دلاور ورزشی - شفقت - خط کش هندسی ۷- جمع
- وهم = جنگجو ۸- پسوند شباهت لجن ته آب - معادل فارسی اصطلاح
- کشتی کانتر ۹- نیرنگ - ارسال توپ از میان دو پای حریف - موجود
- مهیپ افسانه ای ۱۰- هوس بانوی باردار - هر دوره بوکس - لغزنده ۱۱-
- خزنده گزنده - حمله - اشاره به دور ۲۱ ورزشکار غیر حرفه ای - اصطلاحی
- متداول در فوتبال ۳۱- بازیکن هندبال - داور وسط کاراته .

۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱





۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
												۱
												۲
												۳
												۴
												۵
												۶
												۷
												۸
												۹
												۱۰
												۱۱
												۱۲
												۱۳

:: عمودی :

۱- نوعی سرم گلبولین که در پاسخ محرکهای پادگن بوسیله بافتهای لنفی تولید میشود - ماده مرکب از دو یا چند عنصر شیمیائی با نسبت وزنی معین ۲- بخشی از ریاضیات که بیشتر از کمیتهای متغیر بهره میگیرد - دورسنج ۳- شش عربی - تباهی - فضای میان تهی ۴- حالت کسی یا چیزی در آینده - واحد عملی مقدار حرارت برابر ۰۰۰۱ کیلو کالری - مسیحی ۵- گاو در عربی - از نامهای پسرانه ۱ زحوبات ۶- جسم جامد بلوری سرخ رنگ نامحلول در آب که به عنوان معرف کاربرد آزمایشگاهی دارد - مردم قرآنی - قدم یکپا ۷- جمع لائمه - نوعی بیماری چشمی ۸- بزرگ و کلان - پائین - دو فلزی که در ساختن آلیاژ بکار میروند ۹- ناله و فریاد - مشهور از آلات موسیقی ۱۰- جمع رکیک - نسب شناس - زرع ۱۱- بیماری با شدت ناگهانی و دوره کوتاه - سخن چین - ضمیر مخاطب انگلیسی ۲۱- کرم خوراک - د رفیزیک غلتیدن قطره های مایع بر سطح بسیار داغ و بخار شدن آنها بدون جوشیدن ۳۱- ارآحاد کوچک اندازه گیری طول در فیزیک تغییر برخی از مشخصه های یک موج بر حسب موج دیگر در مخابرات بی سیم (مدولاسیون)

:: افقی :

۱- در روان شناسی ، فعالیت غده یا اندام زیستمند نسبت به وضعی که با آن روبروست - در ریاضی ، رشته ای از دستورها برای انجام عملیاتی به صورت سلسله مراتب که حل همه مساله های شمابه را میسر میکند ۲- گونه ای از دارو های شیمیائی که باکتریها را نابود میکند - زادگاه حکیم رازی ۳- بیماری د ر عربی - کاغذ سفت و ضخیم نام مادر حضرت یوسف ۴- هلاک شدن - صدای رعد - اهل کاشان ۵ نابود - سمت راست - نوعی آبیاری مزارع ۶ گریه کنان قسمتی از پا - الفبای موسیقی ۷- مخفف دامن - سالخورده ۸ واحد تنیس - ذره باردار - رستاخیز ۹- از آفات مزارع دانه گیاهی که در طب قیم برای معالجه رعشه و صرع بکار میرفته - در زمین شناسی اندازه و ترتیب قرار گرفتن کانیها در ک سنگ ۱۰- زمان دادن - تندی - از اعمال وضو ۱۱- گله گله - مرکز استان مرکزی - دریا ۲۱- تن پوش مردانه - فاصله دو عبور ظاهری پیاپی خورشید از نقطه اعتدال ربیعی ۳۱- شاخه ای از علم شیمی که به مطالعه عمل متقابل انرژی شیمیائی و برقی میپردازد - معبر اتومبیل در شکاف کوه

به آنان که دوستشان دارید و می خواهید همیشه با یاد شما باشند مجله و دی وی دی رنگارنگ را هدیه کنید

فرم اشتراک

نام و نام فامیل

آدرس کامل

میزان حق اشتراک : در انگلستان یک ساله ۴۰ پوند در اروپا یک ساله ۶۰ یورو در امریکا یک ساله ۱۰۰ دلار
لطفا چک خود را به نام M.Sarbi صادر نمایید

M. Sarabi P.O.Box 2821 LONDON NW2 1DS

Tel: 020 8731 9333

Fax: 020 7624 1306

Email: rangarang_London@hotmail.com



تاخیر

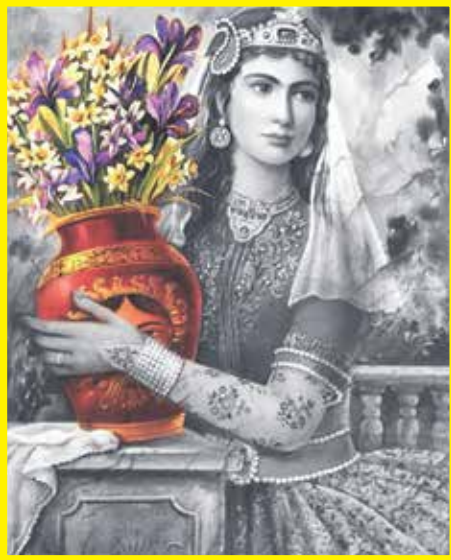
آیا حاضرید پس از یک پرواز طولانی جلویتان را بگیرند؟

خلاف قانون است که در بازگشت به بریتانیا هرگونه محصولات گوشتی و یا لبنیاتی از کشورهای خارج از محدوده جغرافیائی اتحادیه اروپا با خود به همراه بیاورید. سایر محصولات غذائی نیز مشمول ممنوعیت یا محدودیت وزنی قرار دارند. محصولات غذائی که واردات آنها ممنوع و محدود است گمرک توقیف و از میان می برد، مواجه با تاخیر می شوید و امکان تعقیب قانونی یا جریمه شدن نیز وجود دارد.

قانون را نشکنید قبل از سفر مقررات را بخوانید

برای کسب آگاهی های بیشتر این تارگه را ببینید: www.defra.gov.uk
خط تلفنی راهنمائی: 08459 33 55 77

The Great New Generation



Mr. Abbas Mozafarian is of the sixth generation of a jeweller's family with more than 300 years of history. He has learnt the secrets of this amazing art from his father for 50 years and has been able to create a new style combining traditional and contemporary designs and techniques.

Mr. Abbas Mozafarian is one of the exceptional and self made figures in the last 25 years who has successfully been able to find his high position in the highly competing world market, in

spite of problems due to a different culture, foreign language and investments. Today, Mozafarian jewellers are presented in almost every major exhibition over the world. He is also working hard to prepare and avail the seventh generation, his daughters Alaleh and Bahareh with all the knowledge and secrets of the family inheritance. Alaleh is a university graduate with considerable



knowledge of jewellery making industry and the world market. She is called the brain of the business.

Bahareh the younger daughter is about to finish university. She has a great taste and is a great help in choosing right colours in different designs. She is also a good hand for his father to promote their business.

In a short talk with Rangarang magazine, Mr. Mozafarian said



that his desire is to introduce the Iranian art and culture to the world to achieve the recognition which the Iranian community rightly deserve. He has a great faith in the Iranian young generation and believes they should be supported and welcomed by the elders. He strongly believes in his two daughters who belong to this generation.



Three Centuries of Fine Art in Jewellery

جواهرفروشی مظفریان به هموطنان عزیز بخصوص زوجهای جوان زیباترین طرحهای انگشتری و حلقه های نامزدی را با قیمتهایی باور نکردنی و تخفیف ویژه تقدیم میکند

جواهرات مظفریان برای زوجهای جوان خوش یمن و مبارک است



Mozafarian Jewellers Ltd

Showroom & Head Office 88 Brompton Rd. , Knightsbridge, London SW3 1ER
Tel.: 020 - 7589 0777 Fax: 020 - 7589 0666

Email: info@mozafarian.com website: www.mozafarian.com



MEMBERS OF THE
ASSOCIATION
BRITISH JEWELLERS



MEMBERS OF THE
ASSOCIATION
BRITISH JEWELLERS